



د افغانستان اسلامي جمهوریت
د عدلیې وزارت

سرمېچنیکه

فوق العاده کچه

پر عايداتو باندې د مالیاتو قانون قانون مالیات بر عايدات

تاریخ نشر: (۲۸) حوت سال ۱۳۸۷ هـ . ش
نمبر مسلسل: (۹۷۶)

د خپريدو نېټه: د ۱۳۸۷ هـ . ش کال د کب د میاشتې (۲۸)
پرله پسې نمبر: (۹۷۶)

در این شماره :

فرمان شماره (۱۷۱) مؤرخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۷ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان
در مورد توشیح قانون مالیات بر عایدات.
قانون مالیات بر عایدات از صفحه (۱- ۱۵۵).

د امتیاز خاوند: د عدلیې وزارت

وب سـایت : www.moj.gov.af

مسئول چلوونکی : حیدر "محقق"

۰۷۰۰۰۸۸۱۲۸

د دفتر تـیـلفون : ۲۱۰۳۳۷۵

مرستیال: نور علم

۰۷۰۰۱۴۷۱۷۸

مهمتم: محمد جان

۰۷۰۰۳۹۵۲۹۲

قیمت این شماره : (۱۰۰) افغاني

تیراژ چاپ اول: (۵۰۰۰) جلد
آدرس: وزارت عدلیه، ریاست نشرات، چهارراهي پشتونستان، کابل

فرمان
رئيس جمهورى اسلامى
افغانستان درمورد توشيح
قانون ماليات
بر عايدات

شماره: (۱۷۱)

تاريخ: ۱۳۸۷/۱۲/۲۷

پر عايداتو باندې د مالياتو
د قانون د توشېح په هکله،
د افغانستان د اسلامي
جمهوريت د رئيس
فرمان

گڼه: (۱۷۱)

نېټه: ۱۳۸۷/۱۲/۲۷

ماده اول:

به تاسى از حكم فقره (۱۶)
ماده شصت و چهارم
قانون اساسى افغانستان
قانون ماليات بر عايدات
را كه طى فيصله شماره (۱۱۷)
مؤرخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ هيئت
مختلط مجلسين شوراي
ملى بـداخل (۱۷) فصل
و (۱۱۳) ماده به تصويب رسيده،

لومړۍ ماده:

د افغانستان داساسي قانون
دڅلور شپېتمې مادې د (۱۶)
فقرې دحکم له مخې، پر عايداتو
باندې د مالياتو قانون چې د
ملي شوروي دمجلسونود
گډهيت د ۱۳۸۷/۱۲/۱۱
نېټې تر (۱۱۷) گڼې فيصلې
لاندې په (۱۷) فصلونو او
(۱۱۳) مادو کې تصويب

شوی دی، توشیح کوم.

توشیح می دارم.

دوه یمه ماده:

ماده دوم:

دغه فرمان د توشیح له

این فرمان از تاریخ

نېټې څخه نافذ او له

توشیح نافذ و همراہ با

قانون او مصوبې سره یوځای دې په

قانون و مصوبه در جریده رسمی

رسمي جریده کې خپور شي.

نشر گردد.

حامد کرزی

حامد کرزی

د افغانستان د اسلامي

رئیس جمهوری اسلامی

جمهوریت رئیس

افغانستان

شورای ملی افغانستان

ولسی جرگه

مصوبه

قانون مالیات بر عایدات

شماره: (۱۱۷)

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

مطابق حکم ماده صدم قانون

اساسی، هیئت مختلط مجلسین

شورای ملی مرکب از آن (شش

شش عضو از هر جرگه) قانون مالیات

بر عایدات را توأم با یک سلسله

تعدیلات به داخل (۱۷) فصل

و (۱۱۳) ماده به تاریخ (۱۱) ماه

حوت سال ۱۳۸۷ تصویب نمود.

رئیس هیئت مختلط

محمد اکبر وحدت

معاون هیئت مختلط

صدیق احمد عثمانی

د افغانستان ملي شوري

ولسي جرگه

مصوبه

پر عایداتو باندې د مالیاتو قانون

گڼه: (۱۱۷)

نېټه: ۱۳۸۷/۱۲/۱۱

د اساسي قانون دسليمې مادې د حکم

پر بنسټ، د ملي شوري گډه هیئت

(هرې جرگې له شپږو شپږو غړو

جوړ) پر عایداتو باندې د مالیاتو

قانون له یو شمېر تعدیلونو سره یو

ځای په (۱۷) فصلونو او (۱۱۳)

مادو کې د ۱۳۸۷ کال د کب

دمياشتې په (۱۱) نېټه تصویب کړ.

د گډه هیئت رئیس

محمد اکبر وحدت

د گډه هیئت مرستیال

صدیق احمد عثمانی

فهرست مندرجات قانون ماليات برعايدات

فصل اول

احكام عمومي

صفحه	عنوان	ماده
۱	مبنى.....	ماده اول:
۲	اخذ ماليه.....	ماده دوم:
۴	سال مالي.....	ماده سوم:
۵	سنجش ماليه.....	ماده چهارم:
۷	ماليات اشخاص مقيم.....	ماده پنجم:
۸	معافيت ماليات اشخاص غير مقيم.....	ماده ششم:
۹	پرداخت ماليات و كسرات مجاز.....	ماده هفتم:
۱۰	ماليات فعاليت هاى اقتصادى.....	ماده هشتم:
۱۲	ماليات دول خارجى و مؤسسات بين المللى.....	ماده نهم:
۱۳	معافيت مالياتى مؤسسات.....	ماده دهم:
۱۴	معافيت مالياتى ادارات دولتى.....	ماده يازدهم:

فصل دوم

تعيين عوايد قابل ماليه

۱۴.....	اصطلاحات	ماده دوازدهم:
---------	----------	---------------

ماده سيزدهم :	عايدات تابع ماليه..... ۱۶
ماده چهاردهم:	عايدات غير تابع ماليات..... ۱۸
ماده پانزدهم :	معافيت مالياتي مواد احتراقي ۲۰
ماده شانزدهم :	ماليات بر كرايه يا اجاره اموال غير منقول..... ۲۰
ماده هفدهم :	مكلفيت وضع ماليه از معاشات دستمزدها..... ۲۱
ماده هجدهم:	مصارف قابل مجرائي..... ۲۱
ماده نوزدهم:	مصارف غير قابل مجرائي..... ۲۶
ماده بيستم:	عواید منابع داخلي..... ۲۹

فصل سوم

مفاد يا زيان از درك فروش، تبادلہ يا انتقال دارائي

ماده بيست ويكم:	مفاد تابع ماليات بر عايدات..... ۳۲
ماده بيست ودوم:	مفاد قابل ماليه سال مالي..... ۳۲
ماده بيست و سوم:	ماليه از انتقال ملكيت..... ۳۳
ماده بيست چهارم :	كسرو وضع مصارف از عوايد قابل ماليه ۳۴
ماده بيست و پنجم:	تثبيت ماليه به قيمت روز..... ۳۵
ماده بيست وششم:	عدم تأثير نوع انتقال دارايي بر ماليه دهی ۳۵
ماده بيست وهفتم:	وضع زيان ناشی از عوايد قابل ماليه..... ۳۵
ماده بيست وهشتم:	عدم وضع اضافی زيان از عوايد قابل ماليه..... ۳۶
ماده بيست ونهم:	سنجش ماليه از تزئيد ارزش دارائي..... ۳۷
ماده سی ام :	ماليات فروش اموال منقول و غير منقول..... ۳۹

فصل چهارم

شرکت ها

- ماده سي ويكم: اصطلاحات ۴۰
- ماده سي ودوم: احكام قابل تطبيق بالاى شرکت های محدودالمسؤوليت و
تضامنى مختلط ۴۲
- ماده سي وسوم: ماليات شرکت تضامنى ۴۳
- ماده سي وچهارم: تعيين عوايد خالص ۴۳
- ماده سي وپنجم: تقسيم مبالغ حاصله ۴۴

فصل پنجم

قواعد محاسبه

- ماده سي وششم: ترتيب و نگهدارى اسناد ۴۴
- ماده سي وهفتم: طريقه بعدى محاسبه ۴۵
- ماده سي وهشتم: طريقه نقدى محاسبه ۴۵
- ماده سي ونهم: شكل و محتواى اسناد و دفاتر ۴۶
- ماده چهلهم: موجودى اخير سال ۴۷
- ماده چهل ويكم: تثبيت عوايد دويا بيشر مؤسسات تجارى ۴۷

فصل ششم

احكام خاص در مورد شرکت های سهامى و محدودالمسؤوليت

- ماده چهل ودوم: مجرائى زيان عملياتى ۴۸

- ماده چهل وسوم: توزيع دارائي هاي شركت به سهامداران..... ۵۰
- ماده چهل وچهارم: توزيع دارائي ها حين انحلال شركت..... ۵۰
- ماده چهل وپنجم: توزيع پول يا ساير دارائي ها..... ۵۱
- ماده چهل وششم: وضع نمودن ماليه ۵۳
- ماده چهل وهفتم: مجرائي استهلاك و زيان..... ۵۵

فصل هفتم

ماليات شركت هاي بيمه

- ماده چهل وهشتم: احكام قابل تطبيق در مورد شركت هاي بيمه..... ۵۸
- ماده چهل ونهم: عوايد تابع ماليات برعايدات شركت هاي بيمه..... ۵۹
- ماده پنجاه هم: معافيت مالياتي بيمه شدگان..... ۶۰
- ماده پنجاه ويكم: تأدييات غير قابل مجرائي شركت هاي بيمه ۶۰
- ماده پنجاه ودوم: تأدييات قابل مجرائي شركت هاي بيمه..... ۶۱
- ماده پنجاه وسوم: تثبيت عوايد قابل ماليه شركت هاي خارجي بيمه... ۶۳

فصل هشتم

ماليه بانك ها ، شركت هاي سهامی، قرضه و سرمايه گذاري

- ماده پنجاه وچهارم: مفاد تابع پرداخت ماليات..... ۶۴
- ماده پنجاه وپنجم: مجرائي مصارف ضروري..... ۶۵
- ماده پنجاه وششم: افزودي به ذخيره ۶۵
- ماده پنجاه وهفتم: تزئيد يا تنقيض درارزش..... ۶۶

فصل نهم

وضع نمودن ماليات از منابع عايدات

- ماده پنجاه و هشتم: وضع و انتقال ماليه. ۶۷
- ماده پنجاه و نهم: ماليه كرايه منازل و ساختمان ها. ۶۷
- ماده شصتم: ميعاد پرداخت ماليات و انتقال. ۷۳
- ماده شصت و يكم: تهيه صورت حساب ۷۳
- ماده شصت و دوم: ميعاد ارائه صورت حساب. ۷۴
- ماده شصت و سوم: ارأيه اظهارنامه. ۷۵

فصل دهم

ماليه معاملات انتفاعي

- ماده شصت و چهارم: ماليه عرصه خدمات و معاملات انتفاعي. ۷۶
- ماده شصت و پنجم: معافيت از ماليه معاملات انتفاعي. ۷۸
- ماده شصت و ششم: اندازه ماليه معاملات انتفاعي. ۸۰
- ماده شصت و هفتم: تطبيق ماليه معاملات انتفاعي. ۸۴

فصل يازدهم

ماليات ثابت

- ماده شصت و هشتم: فعاليت هاي انتفاعي تابع ماليات ثابت. ۸۵
- ماده شصت و نهم: ميعاد تاديه ماليه ثابت. ۸۶

۸۶.....	مالیة ثابت اموال وارداتی	ماده هفتادم:
۸۸.....	مالیة ثابت عراده جات	ماده هفتادویکم:
۹۲.....	مالیة موضوعی قراردادی	ماده هفتادو دوم:
۹۴.....	مالیة ثابت عواید نمایشات	ماده هفتادوسوم:
۹۵.....	مالیة ثابت تشبثات کوچک (اصناف)	ماده هفتادوچهارم:
۹۶.....	تعیین مالیات ثابت بالای فعالیت های اقتصادی کوچک (اصناف)	ماده هفتادوپنجم:
۹۸.....	تعدیل معافیت ها	ماده هفتادوششم:

فصل دوازدهم

مقررات مالیاتی جهت وضع مالیات بالای دارنده جواز معدن ،

صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکارین

۹۹.....	تعریفات	ماده هفتادوهفتم:
۱۰۲.....	اولویت فصل دوازدهم	ماده هفتادوهشتم:
۱۰۳.....	مکلفیت های مالیاتی دارندگان جواز معدن	ماده هفتادونهم:
۱۰۵.....	مالیة معاملات انتفاعی	ماده هشتادم:
۱۰۶.....	وضع استهلاك	ماده هشتادویکم:
۱۰۹.....	مصارف اعمار سرکها	ماده هشتادودوم:
۱۱۱.....	مصارف قبل از تولید	ماده هشتادوسوم:
۱۱۶.....	وضع کسرات جهت اعانه به یک صندوق پولی برای تمویل بودجه مکلفیت های محیطی واجتماعی	ماده هشتادوچهارم:

ماده هشتاد و پنجم: انتقال زيان و دوام موافقتنامه ها..... ۱۱۸

فصل سيزدهم

تعيين ماليه، ارايه اظهارنامه ها ، اعتراضات و تاديه ماليات

ماده هشتاد و ششم: نمبر تشخيصيه ماليه دهنده..... ۱۲۱

ماده هشتاد و هفتم: تعيين ماليه و تعديل آن..... ۱۲۳

ماده هشتاد و هشتم: ميعاد ارايه اظهارنامه مالياتي و تاديه ماليات ۱۲۶

ماده هشتاد و نهم: اعتراضات و عرايض ۱۲۹

ماده نودم: پس پرداخت ۱۳۱

ماده نود و يكم: تحصيل معلومات ۱۳۲

فصل چهاردهم

احكام تطبيقى

ماده نود و دوم: تحصيل ماليات تاديه ناشده از شخص ثالث ۱۳۴

ماده نود و سوم: مكلفيت آمرين ، سهامداران و ساير اشخاص ۱۳۵

ماده نود و چهارم: شخص ممنوع الخروج..... ۱۳۶

ماده نود و پنجم: مسدود نمودن ۱۳۶

ماده نود و ششم: محدوديت دسترسى مؤدى به دارائى..... ۱۳۷

فصل پانزدهم

جلوگيرى از كتمان ماليه

ماده نود و هفتم: معاملات ميان اشخاص مرتبط..... ۱۳۹

ماده نود و هشتم: كتمان ماليه ۱۳۹

فصل شانزدهم

مالیه اضافی و جرایم مالیاتی

- ماده نودونهم: تخلفات و مجازات ۱۴۱
- ماده صدم: مالیه اضافی در صورت عدم تادیه مالیه به وقت معینه ۱۴۲
- ماده یکصد و یکم: مالیه اضافی بر عایدات در صورت عدم حفظ اسناد ۱۴۳
- ماده یکصد و دوم: مالیه اضافی در صورت عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی ۱۴۴
- ماده یکصد و سوم: مالیه اضافی در صورت عدم وضع مالیه ۱۴۵
- ماده یکصد و چهارم: مالیه اضافی در صورت عدم تادیه مالیه ۱۴۵
- ماده یکصد و پنجم: مالیه اضافی در ارتباط بر نمبر تشخیصیه مالیه دهنده ۱۴۶
- ماده یکصد و ششم: تخلفات مؤظفین مالیاتی ۱۴۷
- ماده یکصد و هفتم: صلاحیت تحصیل مالیات اضافی ۱۴۸

فصل هفدهم

احکام نهائی

- ماده یکصد و هشتم: وضع طرز العمل و تهیه فورمه ها ۱۴۸
- ماده یکصد و نهم: عدم صدور جواز ۱۴۹
- ماده یکصد و دهم: شرایط استفاده از معافیت ۱۵۰
- ماده یکصد و یازدهم: ارجحیت قانون ۱۵۲
- ماده یکصد و دوازدهم: مکلفیت ها و باقیداری ها ۱۵۳
- ماده یکصد و سیزدهم: تاریخ انفاذ ۱۵۴



قانون ماليات برعايدات

فصل اول

احكام عمومي

مبني

ماده اول:

(۱) اين قانون به تاسی از حکم ماده چهل و دوم قانون اساسی افغانستان به منظور تعيين ماليه و طرز تاديئه آن وضع گردیده است.

(۲) ماليه، تاديئه الزامی است که به منظور تقويه بنيه مالی دولت و رفاه عامه بدون انجام خدمت متقابل يا ارايه جنس از اشخاص حقيقي و حکمی طبق احكام اين قانون اخذ می گردد.

پرعايداتو باندي دمالیاتو قانون

لومړی فصل

عمومي حکمونه

مبني

لومړۍ ماده :

(۱) دغه قانون د افغانستان د اساسي قانون د دوه څلوېښتمې مادې د حکم له مخې د ماليې د ټاکلو او د هغې د ورکړې د ډول په منظور وضع شوی دی .

(۲) ماليه الزامی ورکړه ده چې د دولت د مالي بنسټ د پياوړتيا او عامې سوکالۍ په منظور، له حقيقي او حکمي اشخاصو څخه د متقابل خدمت له سرته رسولو يا د جنس له وړاندې کولو پرته، ددې قانون د حکمونو مطابق اخستل کېږي.

(۳) هر ډول هغه ماليه چې د دولتي يا غير دولتي ادارو په واسطه ددې قانون د حکمونو مطابق وضع يا تحصيلېږي، د دولت (ماليې وزارت) په ټاکلي حساب بانک ته تحويلېږي.

د ماليې اخستل

دوه يمه ماده :

(۱) د هېواد په دننه او بهر کې د حقيقي او حکمي اشخاصو له ټولو عوايدو څخه چې له افغاني سرچينو څخه لاسته راځي او هغو عوايدو څخه چې په افغانستان کې مېشت يې له غير افغاني سرچينو او بهر څخه لاسته راوړي، ددې قانون د حکمونو مطابق، ماليه اخستل کېږي.

(۲) د لاندې شرايطو لرونکي حقيقي او حکمي اشخاص د افغانستان مقيم گڼل کېږي :

۱- په هغه صورت کې چې دمالي کال په اوږدو کې د شخص داوسېدو اصلي ځای په هېواد کې دننه وي.

۲- په هغه صورت کې چې د

(۳) هر نوع ماليه که توسط ادارات دولتي ويا غير دولتي مطابق احکام اين قانون وضع يا تحصيل می گردد، به حساب معينه دولت، (وزارت ماليه) تحويل بانک گردد.

اخذ ماليه

ماده دوم :

(۱) از کليه عوايد اشخاص حقيقي و حکمی در داخل و خارج کشور که از منابع افغاني بدست ميآيد و عوايدی که مقيم افغانستان از منابع غير افغاني واز خارج حاصل می نمايد، طبق احکام اين قانون، ماليه اخذ می گردد.

(۲) اشخاص حقيقي و حکمی واجد شرايط ذيل مقيم افغانستان پنداشته می شوند:

۱- در صورتی که اقامتگاه اصلی شخص در طول سال مالی در داخل کشور باشد.

۲- در صورتی که شخص

در طول سال مالی، مجموعاً مدت (۱۸۳) روز را بداخل افغانستان سپری نموده باشد.

۳- کارکنانیکه در طول سال مالی به منظور انجام خدمات دولتی به خارج از کشور توظیف گردیده باشند.

۴- اداراتی که تأسیس آن در طول سال مالی صورت گرفته یا اداره مرکزی آن به داخل افغانستان باشد.

- منابع افغانی: عوایدیکه توسط اشخاص مقیم افغانستان از منابع کشور در داخل و از دارائی های ادارات دولتی در خارج حاصل می گردد، می باشد.

- منابع غیر افغانی: عوایدیکه توسط اشخاص مقیم افغانستان از منابع سایر کشورها در داخل افغانستان حاصل می گردد.

- منابع داخلی: عوایدیکه توسط

مالی کال په اوږدو کې شخص، ټولې (۱۸۳) ورځې موده په افغانستان کې دننه تېره کړې وي .

۳- هغه کارکوونکي چې د مالي کال په اوږدو کې د دولتي خدمتونو دسره رسولو په منظور، له هېواد څخه بهر توظیف شوي وي .

۴- نور هغه بنسټونه چې تاسیسولو یې د مالي کال په اوږدو کې صورت موندلی وي یا یې مرکزي اداره په افغانستان کې دننه وي .

- افغاني سرچینې: هغه عواید دي چې په داخل کې د هېواد له سرچینو څخه په افغانستان کې د مېشتو اشخاصو او په بهر کې د دولتي ادارو له شتمنیو څخه لاسته راځي.

- غیر افغاني سرچینې: هغه عواید دي چې د افغانستان په دننه کې د نورو هېوادونو له سرچینو څخه په افغانستان کې د مېشتو اشخاصو په واسطه، لاسته راځي.

- کورنۍ سرچینې: هغه عواید دي

چې د هېواد له کورنیو سرچینو
څخه د افغاني او غیر افغاني سرچینو
په شمول لاسته راځي.

مالي کال

درېیمه ماده :

(۱) مالي کال ددې قانون په منظور
له هجري شمسي کال څخه عبارت
دی چې د وري له لومړۍ څخه پیل
او د هماغه کال د کب د میاشتې
په وروستۍ ورځ پای ته رسېږي .

(۲) که چېرې حکمي شخص د دې
مادې په (۱) فقره کې درج له مالي
کاله څخه په غیر له بل مالي کاله د
ګټې اخستې غوښتنه وکړي، مکلف
دی په لیکلې توګه دخپل مالي کال په
نورو دوولسو میاشتو باندې د بدلون
دلایل دمالې وزارت ته وړاندې
کړي. دمالې وزارت نوموړی
غوښتنلیک یوازې دهغه د
مؤجه والي په صورت کې منظور وي.

(۳) د دې مادې په (۲)
فقره کې درج مالي کال

اشخاص از منابع داخلی کشور
اعم از منابع افغاني و غیر افغاني
حاصل می گردد.

سال مالي

ماده سوم:

(۱) سال مالی به منظور این قانون
عبارت از سال هجری شمسی
بوده که از اول حمل
آغاز و در روز اخیر برج
حوت همان سال خاتمه می یابد.

(۲) هرگاه شخص حکمی
استفاده از سال مالی غیر
از سال مالی مندرج فقره (۱) این
ماده را مطالبه نماید، مکلف است،
طور تحریری دلایل تغییر سال مالی
خویش را به دوازده ماه دیگر به
وزارت مالیه ارائه نماید.
وزارت مالیه درخواست متذکره
را صرف در صورت مؤجه
بودن آن منظور می نماید.

(۳) سال مالی مندرج فقره
(۲) این ماده از تاریخ

قابل تطبيق می باشد که
از طرف وزارت مالیه کتباً مشخص
می گردد.

(۴) وزارت مالیه صلاحیت
دارد تجویز مندرج فقره (۳)
این ماده را حسب اللزوم لغو
نماید.

سنجش مالیه

ماده چهارم:

(۱) مالیات بر عایدات اشخاص
حکمی، بیست فیصد عواید
قابل مالیه آن در سال مالی
می باشد.

(۲) مالیات بر عایدات عواید
اسعاری به پول افغانی
سنجش و تسعیر می گردد. نرخ
تسعیر، اوسط نرخ آزاد د
افغانستان بانک به اساس خرید در
اخیر هر ماه می باشد.

(۳) مالیات بر عایدات اشخاص
حقیقی مطابق جدول ذیل سنجش
می گردد:

له هغې نېټې څخه د تطبيق وړ دی
چې د مالي وزارت لخوا کتباً
مشخص شي .

(۴) د مالي وزارت واک لري ، د
دې مادې په (۳) فقره کې درج
شوی تجویز حسب اللزوم لغو
کړي .

د مالي سنجول

خلورمه ماده :

(۱) د حکمي اشخاصو پر عایداتو
باندې مالیات ، په مالي کال کې د
هغه د مالي وړ عوایدو په سلو کې
شل دي .

(۲) د اسعاري عوایدو پر عایداتو
باندې مالیات په افغانی
پیسو سنجول او تسعیر کېږي. د
تسعیر نرخ ، د هرې میاشتي په پای
کې د پلورنې پر بنسټ د دافغانستان
بانک د آزاد نرخ اوسط دی .

(۳) د حقیقي اشخاصو پر عایداتو
باندې مالیات د لاندې جدول مطابق
سنجول کېږي :

رسمي جریده

مسلسل نمبر (۹۷۶)

۱۳۸۷/۱۲/۲۸

عوايد قابل مالیه	مقدار مالیه
از صفر الی مبلغ پنج هزار افغانی	صفر (معاف)
از مبلغ پنج هزار و یک الی دوازده هزار و پنجمصد افغانی	دو فیصد
از مبلغ دوازده هزار و پنجمصد و یک الی یکصد هزار افغانی	بر علاوه مبلغ ثابت (۱۵۰) افغانی ، (۱۰) فیصد
از مبلغ یکصد هزار و یک افغانی به بالا	بر علاوه مبلغ ثابت (۸۹۰۰) (۲۰) فیصد

دمالیې وړ عوايد	دمالیې مقدار
له صفر څخه تر پنځه زرو افغانیو پورې	صفر (معاف)
له پنځه زره او یوې څخه تر دوولس زرو او پنځه سوه افغانیو پورې	په سلو کې دوه
له دوولس زرو پنځه سوه یوې افغانی څخه تر سلو زرو افغانیو پورې	پر (۱۵۰) ثابتو افغانیو برسېره په سلو کې لس
له سلو زرو او یوې افغانی پورته	له (۸۹۰۰) ثابتو افغانیو برسېره په سلو کې شل

د مېشتو اشخاصو ماليات

پنځمه ماده :

(۱) په افغانستان کې د مېشتو حقيقي اشخاصو پر عايداتو باندې ماليات ، په لاندې توګه محاسبه کېږي :

۱- د هغو عوايدو په شمول چې له بهرنيو سرچينو څخه يې تر لاسه کوي، د ماليې وړ عوايدو پر بنسټ .

۲- له هغې تر لاسه شوې ګټې څخه چې بل هېواد ته ورکول کېږي. پر عايداتو باندې د مالياتو پر بنسټ پدې صورت کې، ماليه د ماليې ورکونکي له عوايدو څخه هغې برخې ماليه دمجرابي وړ ده چې د ماليې ورکونکي له بهرنيو عوايدو پورې مربوطه وي.

۳- په هغه صورت کې چې په افغانستان کې مېشت حقيقي اشخاص له څو بهرنيو هېوادونو څخه عوايد ولري، پر عايداتو باندې

ماليات اشخاص مقيم

ماده پنجم:

(۱) ماليات بر عايدات اشخاص حقيقي مقيم افغانستان قرار ذيل محاسبه مي ګرځي:

۱- به اساس عوايد قابل ماليه به شمول عوايد يکه از منابع خارجي حصول مي نمايند.

۲- به اساس ماليات بر عايدات از مفاد حاصل شده که به کشور ديگر تأديه مي ګرځي. در اين صورت ماليه آن بخش از عوايد ماليه دهنده قابل مجرائي مي باشد که به عوايد خارجي ماليه دهنده مربوط باشد.

۳- در صورت يکه اشخاص حقيقي مقيم افغانستان از چندين کشور خارجي عوايد داشته باشند، با نظر داشت

تعلیماتنامہ قانون مالیات
بر عایدات، مجرائی مالیه متناسب
به عوایدیکه از کشور های
جداگانه حاصل می نمایند،
صورت می گیرد.

(۲) اشخاص حکمی مقیم
افغانستان به اساس عواید
قابل مالیه که از منابع داخلی و
خارجی حاصل می نمایند،
با نظر داشت احکام مندرج
فقره (۱) این ماده تابع
پرداخت مالیات بر عایدات
می گردند.

معافیت مالیات اشخاص

غیرمقیم

ماده ششم:

اشخاص غیر مقیم در صورتی
از معافیت پرداخت مالیات بر
عایدات مندرج فقره (۳)
ماده چهارم این قانون مستفید
می گردند که این
معافیت ها از طرف دولت

د مالیاتو د قانون د تعلیماتنامې
له په پام کې لرلو سره، د مالیې
مجرائي له هغو عوایدو سره متناسبه
صورت مومي چې له جلا هېوادونو
څخه یې ترلاسه کوي.

(۲) په افغانستان کې مېشت حکمي
اشخاص د مالیې وړ هغو عوایدو
پر بنسټ چې له کورنیو او بهرنیو
سرچینو څخه یې تر لاسه کوي، د
دې مادې په (۱) فقره کې د درج
شویو حکمونو له په پام کې نیولو
سره، پر عایداتو باندې د مالیاتو د
ورکړې تابع ګرځي.

د غیر مېشتو اشخاصو د مالیاتو

معافیت

شپږمه ماده:

غیر مېشت اشخاص په هغه صورت
کې د څلورمې مادې په (۳) فقره
کې پر عایداتو باندې د مالیاتو د
ورکړې درج شوي له معافیت څخه
ګټه اخلي چې دغه معافیتونه د
هغوی د متبوع هېواد لخوا په بالمثل

متبوع آنها به صورت بالمثل برای اشخاص افغانی غیر مقیم آن کشور پیشبینی گردیده باشد.

پرداخت مالیات و کسرات

مجاز

ماده هفتم:

(۱) اشخاص حقیقی و حکمی غیر مقیم که مصروف فعالیت های اقتصادی و تجارتی نباشند، تابع پرداخت مالیات بر عایدات به اساس عواید حاصله از منابع داخلی افغانستان از مدرک تکتانه، مفاد سهم، کرایه، حق الامتیاز و انواع عواید دیگر مطابق احکام این قانون می باشند.

(۲) کسرات مجاز مندرج این قانون از عواید غیر تکتانه، مفاد سهم، کرایه و حق الامتیاز اشخاص حکمی غیر مقیم در صورتی قابل تطبیق دانسته می شود که اظهار نامه

دول په هغه هېواد کې د افغانی غیر مېشتو اشخاصو لپاره اټکل شوي وي .

د مالیاتو ورکړه او مجاز

کسرات

اوومه ماده :

(۱) غیر مېشت حقیقی او حکمی اشخاص، چې په اقتصادي او سوداگريزو فعالیتونو بوخت نه وي، د افغانستان له کورنیو سرچینو څخه د ترلاسه شوو عوایدو پر بنسټ د ټکټانې، د ونډې د گټې، کرایې، حق الامتیاز او نورو هر ډول عوایدو له مدرکه د دې قانون د حکمونو مطابق، پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع دي .

(۲) د غیر مېشتو حکمي اشخاصو له ټکټانې پرته عوایدو، د ونډې له گټې، کرایې او حق الامتیاز څخه پدې قانون کې درج شوي مجاز کسرات په هغه صورت کې د تطبیق وړ گڼل کېږي چې پدې قانون او پر

عایداتو باندې د مالیاتو په تعلیماتنامه کې د درج شوو معلوماتو لرونکي حقيقي او صحيح اظهار ليک اړوندو څانگو ته وړاندې کړي .

د اقتصادي فعالیتونو مالیات

اتمۀ ماده :

(۱) هغه غیر مېشت حقيقي او حکمي اشخاص، چې په افغانستان کې په اقتصادي ، سوداگریزو او خدماتي فعالیتونو باندې بوخت دي، مکلف دي خپل مالیات د هغو عوایدو پر بنسټ چې د هېواد له کورنیو سرچینو څخه یې ترلاسه کوي ، ورکړي .

(۲) پر عایداتو باندې د مالیاتو کسرات په هغه صورت کې د مجرایي او محاسبې وړ ګڼل کېږي چې د هېواد له دننه سرچینو څخه په ترلاسه شوو عوایدو پورې مربوط وي .

(۳) د هغو الوتکو او د هغو د کارکوونکو له عوایدو څخه مالیه

حقيقي و صحيح محتوی معلومات مندرج این قانون و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات را به شعبات مربوط ارائه نمایند .

مالیات فعالیت های اقتصادی

ماده هشتم :

(۱) اشخاص حقيقي و حکمي غیر مقيم که در افغانستان مصروف فعالیت های اقتصادی، تجارتي و خدماتی می باشند، مکلف اند، مالیات خویش را به اساس عوایدیکه از منابع داخل کشور حصول می نمایند، بپردازند.

(۲) کسرات مالیات بر عایدات در صورتی قابل مجرایي و محاسبه پنداشته می شود که به عواید حاصله از منابع داخل کشور مربوط باشد.

(۳) مالیه از عواید طیارات و کارکنان آن که تحت بیرق دولت

خارجی در قلمرو افغانستان فعالیت می نمایند، به شرطی معاف پنداشته می شود که دولت خارجی به طیارات تحت بیرق افغانی و کارکنان مربوط آن در آن کشور، معافیت مشابه بدهد.

(۴) توزیع مصارف مربوط به عواید در داخل کشور بر حسب احکام این قانون و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات صورت می گیرد.

(۵) هرگاه شخص غیرمقیم در افغانستان از طریق نمایندگی غیر مستقل فعالیت نماید، عواید قابل مالیه نمایندگی مذکور منحصراً عواید یک شخصیت حکمی جداگانه و مستقل تعیین و طور ذیل محاسبه می گردد:

۱ - تادیات یا مبالغی که به سایر بخش های فعالیت

چی د افغانستان په قلمرو کې د بهرني دولت تر بیرغ لاندې فعالیت کوي ، پدې شرط معاف کېږي چې بهرنی دولت تر افغاني بیرغ لاندې الوتکو او د هغو اړوندو کارکوونکو ته په هغه هېواد کې ورته معافیت ورکړي .

(۴) د هېواد په دننه کې په عوایدو پورې د اړوندو لګښتونو توزیع د دې قانون او پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې د حکمونو مطابق صورت مومي .

(۵) که چېرې په افغانستان کې غیر مېشت شخص د غیر مستقلې نمایندګۍ له لارې فعالیت وکړي ، د نوموړې نمایندګۍ د مالې وړ عواید ، د یوه جلا او خپلواک حکمي شخصیت د عوایدو په توګه ټاکل کېږي او په لاندې ډول محاسبه کېږي :

۱- هغه ورکړې یا مبالغ چې د غیر مېشت شخص د فعالیتونو په نورو

شخص غیرمقیم تعلق می گیرد، مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده سیزدهم این قانون مفاد سهم پنداشته می شود.

۲ - مجرائی تادیات یا مبالغی که به سایر تادیات شخص غیرمقیم تعلق دارد، مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده هجدهم این قانون مجاز نمی باشد.

۳ - مصارفی که از طرف نماینده گی غیرمستقل یا بخش دیگر فعالیت شخص غیرمقیم که مستقیماً به دریافت عواید ناخالص نمایندگی متذکره مرتبط باشد، صورت می گیرد، منحصراً مصارف شخصیت حکمی مستقل پنداشته می شود.

مالیات دول خارجی و

مؤسسات بین المللی

ماده نهم:

مکلفیت مالیاتی دول خارجی، مؤسسات بین المللی و سایر

برخو پورې اړه مومي ، د دې قانون د دیارلسمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم مطابق د ونډې ګټه ګڼل کېږي .

۲- د هغو ورکړو او مبالغو مجرائي چې د غیر مېشت شخص په نورو ورکړو پورې اړه لري ، د دې قانون د اتلسمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي حکم مطابق مجاز نده .

۳- هغه لګښتونه چې د غیرمستقلې نمایندګۍ یا د غیر مېشت شخص د فعالیت د بلې برخې لخوا چې مستقیماً د نوموړې نمایندګۍ د ناخالصو عوایدو په ترلاسه کولو پورې مرتبط وي، صورت مومي ، د خپلواک حکمي شخصیت د لګښتونو په توګه ګڼل کېږي .

د بهرنیو دولتونو او نړیوالو

مؤسسو مالیات

نهمه ماده :

د بهرنیو دولتونو ، نړیوالو مؤسسو او د هغو د غیر مېشتو نورو

کارکنان غیر مقیم آنها بر اساس عوایدیکه از منابع داخلی حاصل می نمایند، مطابق موافقتنامه ها، قراردادها و پروتوکول هائیکه در زمینه با دولت افغانستان عقد گردیده، تثبیت می گردد.

معافیت مالیاتی مؤسسات

ماده دهم :

(۱) اعانه های حاصله و عواید از فعالیت لازم می مؤسساتیکه دارای شرایط ذیل باشند، از مالیات معاف اند:

- ۱ - مؤسسه مطابق قوانین نافذه ایجاد شده باشد.
- ۲ - مؤسسه غیر انتفاعی که صرف به منظور امور تعلیمی، کلتوری، ادبی و علمی یا خیریه ایجاد و فعالیت نماید.
- ۳ - تمویل کنندگان، سهامداران و اعضاء یا کارکنان مربوط،

کارکوونکو مالیاتی مکلفیت ، د هغو عوایدو پربنسټ چې له کورنیو سرچینو څخه یې ترلاسه کوي ، د موافقه لیکونو ، قرار دادونو او هغو پروتوکولونو مطابق چې پدې برخه کې یې د افغانستان له دولت سره عقد کړي دي ، تثبیتېږي .

د مؤسسو مالیاتی معافیت

لسمه ماده :

(۱) ترلاسه شوې اعانې او د هغو مؤسسو له لازمي فعالیت څخه لاس ته راغلي عواید چې د لاندې شرایطو لرونکي وي ، له مالیې څخه معاف دي :

- ۱- مؤسسه د نافذه قوانینو مطابق جوړه شوې وي .
- ۲- غیر انتفاعي مؤسسه چې یوازې د ښوونیزو ، کلتوري ، ادبي او علمي یا خیریه چارو په منظور جوړه او فعالیت وکړي .
- ۳- تمویلونکي، ونډه لرونکي او اړوند غړي یا کارکوونکي د دې

از مفاد موسسه مندرج اجزای
(۱ و ۲) این فقره حین فعالیت
یا انحلال استفاده نه نمایند.

(۲) طرز معافیت فعالیت های
مالیاتی مؤسسات مندرج
فقره (۱) این ماده در تعلیماتنامه
مالیات بر عایدات تنظیم
می گردد.

معافیت مالیاتی ادارات دولتی

ماده یازدهم:

عوايد ادارات دولتی و نمایندگی
های آن بشمول شاروالی ها تابع
مالیات بر عایدات نمی باشند.
تصدیهای دولتی از این حکم
مستثنی اند.

فصل دوم

تعیین عوايد قابل مالیه

اصطلاحات

ماده دوازدهم:

عوايد قابل مالیه: مبلغی است
که از عوايد شخص، شرکت

فقره (۱ و ۲) جزء کی ددرج شوې
مؤسسې له کتې څخه د فعالیت یا
انحلال په وخت کې کته وانخلي .

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې
ددرج شويو مؤسسو دمالیاتي
فعالیتونو د معافیت ډول پر عایداتو
باندې د مالیاتو په تعلیماتنامه کې
تنظیمېږي .

د دولتي ادارو مالیاتي معافیت

یوولسمه ماده :

د ښاروالیو په شمول د دولتي ادارو
او د هغو د نمایندگیو عوايد پر
عایداتو باندې د مالیاتو تابع ندي .
دولتي تصدی لډې حکم څخه
مستثنی دي .

دوه یم فصل

د مالیې وړ عوايدو ټاکل

اصطلاحگانې

دوولسمه ماده :

د مالیې وړ عوايد : هغه مبلغ دی
چې د شخص ، سهامی شرکت ،

سهامي، شرکت محدود المسؤليت يا سائر شخصيت های حکمی بعد از مجرائی معافیت ها و وضع کسرات مندرج این قانون باقی می ماند.

معافیت: مجرائی از عواید مالیّه ده است که مطابق احکام این قانون به وی داده می شود.

کسرات: مصارف تولید و مصارف بدست آوردن و محافظه عایدات است که وضع نمودن آن از عایدات طبق احکام این قانون مجاز می باشد.

مصارف و قیمت تمام شد یکّه مشخصاً بحیث معافیت یا کسرات ذکر نشده باشند، قابل وضع نیست.

زیان خالص عملیاتی: مبلغی است که بعد از مجرائی های مندرج این قانون از عایدات بیشتر باشد.

محدودالمسؤولیت شرکت یا نورو حکمی شخصیتونو له عوایدو څخه پدې قانون کې د درج شویو معافیتونو له مجرایي او دکسراتو له وضع کولو وروسته پاتې کېږي.

معافیت: د مالیه ورکوونکي له عوایدو څخه مجرایي ده چې د دې قانون د حکمونو مطابق هغه ته ورکول کېږي .

کسرات : د تولید لگښتونه او د عایداتو د لاس ته راوړلو او ساتلو لگښتونه دي چې له عایداتو څخه د هغو وضع کول د دې قانون د حکمونو مطابق مجاز دي .

هغه لگښتونه او تمامه شوې بیه چې مشخصاً د معافیت یا کسراتو په توګه ذکر شوي نه وي ، د وضع کولو وړ ندي .

عملیاتي نګه زیان: هغه مبلغ دی چې پدې قانون کې له درج شوو مجرایيو وروسته له عایداتو څخه زیات وي .

د ماليي تابع عايدات

ديارلسمه ماده :

- (۱) لاندې لاسته راغلی عايد پر عايداتو باندې د مالياتو تابع دی :
 - ۱- معاش، مزد ، فیس او کمېشن.
 - ۲- د سوداگريزو، صنعتي، ودانيزو او نورو اقتصادي فعاليتونو د معاملو ټول عوايد .
 - ۳- د منقول او غير منقول ملکيت له پلورلو څخه ترلاسه شوي عوايد .
 - ۴- ټکټ پولې ، د ونډې گټه ، کرایه، حق الامتياز، جايزې، مکافات، د قرعې او بخششيو له درکه عوايد .
 - ۵- د تضامني شرکت له عايد څخه شريکه ونډه .
 - ۶- له کار ، پانگې يا اقتصادي فعاليت څخه ترلاسه شوي نور عوايد .
 - ۷- نور هغه حالات چې په قانون کې تصريح شوي دي .
 - ۸- نور هغه عوايد چې په دې قانون

عايدات تابع ماليه

ماده سيزدهم:

- (۱) عايد حاصله ذيل تابع ماليات پر عايدات می باشد:
 - ۱- معاش، مزد ، فیس و کمېشن.
 - ۲- مجموع عوايد معاملات تجارتي، صنعتي، ساختماني و ساير فعاليت های اقتصادي .
 - ۳- عوايد حاصله از فروش ملکيت منقول و غير منقول.
 - ۴- ټکټ پولې، مفاد سهم، کرایه، حق الامتياز، جوايز، مکافات، عوايد از درک قرعه و بخششې ها.
 - ۵- سهم شريک از عايد شرکت تضامني
 - ۶- ساير عوايد حاصله از کار، سرمايه يا فعاليت اقتصادي.
 - ۷- ساير حالاتي که در قانون تصريح گرديده است.
 - ۸- ساير عوايد يکه در اين قانون

کې اټکل شوي ندي .

(۲) د ونډې گټه : د عوايدو هر ډول وېش دی چې د شرکت لخوا د پيسو ، شتمنۍ يا ونډه والو ته د هغوی له ونډې سره د متناسبې هر ډول گټې په شکل صورت مومي او لاندې موارد پکې شامل دي :

۱- هر ډول ملموسه او غير ملموسه شتمني .

۲- په شرکت کې ونډه .

۳- له شرکت څخه په هر ډول پېرودنه کې تخفيف .

۴- ونډه والو ته پور .

۵- د يوه شرکت له هر ډول شتمنۍ څخه گټه اخستل .

(۳) که چېرې ددې قانون په اتمه ماده کې درج، په افغانستان کې د غيرمېشت شخص غيرمستقله نمايندگۍ، غير مېشت شخص يا هر بل شخص ته چې له هغې سره مرتبط وي، څه مبلغ ورکړي يا يې ورکړه ومني، نوموړی مبلغ د ونډې دگټې په توگه گڼل کېږي.

پېښينی نگرديده است.

(۲) مفاد سهم: هرنوع توزيع عوايدی است که از طرف شرکت به شکل پول، دارائی یا هرنوع مفاد متناسب به سهم شان به سهامداران صورت گرفته و شامل موارد ذیل می باشد:

۱- هرنوع دارائی ملموس و غير ملموس.

۲- سهم در شرکت.

۳- تخفيف در هرنوع خريداري از شرکت.

۴- قرضه به سهامداران.

۵- استفاده از هرنوع دارائی یک شرکت.

(۳) هرگاه نمايندگي غيرمستقل شخص غيرمقيم در افغانستان مندرج ماده هشتم اين قانون به شخص غيرمقيم يا هر شخص ديگري که با آن مرتبط باشد، مبلغی را بپردازد يا پرداخت آنرا متقبل گردد، مبلغ متذکره منحيث مفاد سهم پنداشته می شود.

د مالیاتو غیر تابع عایدات

څوارلسمه ماده :

لاندې ترلاسه شوي مبالغ پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع ندي او د حقيقي او حکمي اشخاصو په اظهار لیک کې نه شاملېږي :

۱- د دولت لخوا بخششي ، تحفي، انعامونه، جائزې او مکافات .

۲- هغه بخششي ، تحفي ، انعامونه، جائزې او مکافات چې د بهرنیو دولتونو ، نړیوالو مؤسسو یا غیر انتفاعي مؤسسو لخوا د علمي ، هنري ، ادبي فعالیتونو ، ټولنیز پر مخګ او نړیوال تفاهم د تقدیرولو په منظور ورکول کېږي .

۳- د معلوماتو د زیاتېدو یا د کفایت او مسلکي او فني ښوونو د اصلاح او ترقی په منظور سکالرشپونه ، فیلوشپونه او نورې مرستې .

۴- دروغتیایي او ټکر (تصادم) له

عایدات غیر تابع مالیات

ماده چهاردهم:

مبالغ حاصله ذیل تابع مالیات بر عایدات نبوده، شامل اظهار نامه اشخاص حقیقی و حکمی نمی گردد:

۱ - بخششی ها، تحایف ، انعامات، جوایز و مکافات از طرف دولت.

۲ - بخششی ها، تحایف، انعامات، جوایز و مکافاتیکه از طرف دول خارجی، مؤسسات بین المللی یا مؤسسات غیر انتفاعی ایکه به منظور تقدیراز فعالیتهای علمی، هنری، ادبی، پیشرفت اجتماعی و تفاهم بین المللی، اعطاء می گردد.

۳ - سکالرشپ ها، فیلوشپ ها و سائر کمک ها به منظور تزئید معلومات یا اصلاح و ترقی کفایت و تعلیمات مسلکی و فنی.

۴ - عاید از بیمهٔ صحی

بیمې څخه عايد او د بېکارۍ د بيمې مخنيوي

۵- د ژوند له بیمې څخه عاید چې له مړینې وروسته ورکول کېږي .

۶- له ټپ، ناروغۍ يا د حيثيت له اعدامې څخه د راپيدا شوو زيانونو غرامات يا تلافی .

۷- استقرار

۸- د شرکتونو په واسطه د ونډې د سندونو او د پور (قرضې) د سندونو له صادرولو څخه لاسته راغلی عايد.

۹- د کورنیو سهامی شرکتونو او نورو حکمې شخصیتونو د الحاق له لارې د شتمنۍ ترلاسه کول .

۱۰- د داین په واسطه د مډیون د ملکیت د حقوقو د سلېولو له لارې د منقولې او غیر منقولې شتمنۍ ترلاسه کول .

۱۱- له مديونينو څخه د اصل پور ترلاسه کول .

۱۲- د دولتي او ښاروالیو د پور د سندونو کټه .

۱۳- د دې قانون د حکمونو

و تصادم و منافع بیمه
بیکاری.

۵ - عاید از بیمهٔ حیات که بعد از مرگ تادیه می‌گردد.

۶ - غرامات یا تلافی خسارات ناشی از جرح و مریضی یا اعادهٔ حیثیت.

۷ - استقرار.

۸ - عاید حاصله از صدور اسناد
سهم و اسناد قرضه توسط
شرکتها.

۹ - حصول دارائی از طریق الحاق
شرکتهای سهامی داخلی و سائر
شخصیت های حکمی.

۱۰ - حصول دارائی منقول
و غیر منقول از طریق
سلب حقوق ملکیت مدیون
توسط داین.

۱۱ - حصول اصل قرضه
از مديونين.

۱۲ - مفاد اسناد قرضه دولتی و
شاروالیها.

مطابق نور ترلاسه شوي مبالغ .

د احتراقي موادو مالياتي معافيت

پنځلسمه ماده :

د غذايي موادو ، احتراقي موادو او هغو جنسونو د بيې له درکه عوايد چې توليدوونکي شخص يايې د کورنۍ غړو هغه په مصرف رسولي يايې ترگټې اخستنې لاندې نيولي دي ، پرعيداتو باندې له مالياتو څخه معاف دي .

د غير منقولو مالونو پر کرايې يا

اجارې باندې ماليات

شپاړسمه ماده :

د غير منقولو مالونو د کرايې يا اجارې له درکه عوايد چې اساساً د سوداگرۍ يا صنعت او نورو اقتصادي فعاليتونو په منظور ترگټې اخستنې لاندې نيول کېږي ، پرعيداتو باندې د مالياتو تابع دي . د کرنيزو او باغي ځمکو مالیه او د څارويو مالیه د خاص قانون

۱۳ - سائر مبالغ حاصله طبق

احکام اين قانون.

معافيت مالياتي مواد احتراقي

ماده پانزدهم:

عوايد از درک قيمت مواد غذائي، مواد احتراقي و اجناسيکه شخص توليد کننده يا اعضای فاميل وی آنرا به مصرف رسانيده يا مورد استفاده قرارداده است، از ماليات بر عايدات معاف می باشد.

ماليات بر کرايه يا اجاره اموال

غيرمنقول

ماده شانزدهم:

عوايد از درک کرايه يا اجاره اموال غير منقول که اساساً به منظور تجارت يا صنعت و ساير فعاليت های اقتصادی مورد استفاده قرار می گيرد، تابع ماليات بر عايدات می باشد. مالیه اراضی زراعتی و

تابع ده .

له معاشونو او مزدوريو څخه د

ماليې د وضع کولو مکلفيت

اولسمه ماده :

(۱) وزارتونه ، ادارې اونورې

دولتي مؤسسې ، تصدی ، شرکتونه

او خیریه مؤسسې مکلف دي پر

معاشونو او مزدوريو باندې مالیه ، د

هغو د اجراء په وخت کې وضع او

د دولت حساب ته یې ولېږدوي .

(۲) د دولتي کارکوونکو د تقاعد

حقوق پر عایداتو باندې د مالیاتو

تابع ندي .

د مجرایي وړ لگښتونه

اتلسمه ماده :

(۱) د تولید د عادي او اړینو

لگښتونو کسر او وضع کول او د

حقيقي او حکمي اشخاصو د عوایدو

لاسته راوړل او ساتنه په لاندې ډول

مجاز دي، د مجرایي وړ دي، پدې

شرط چې د مالي کال په ترڅ کې

باغي و مالیه مواشی تابع قانون

خاص است.

مکلفیت وضع

مالیه از معاشات و دستمزد ها

ماده هفدهم:

(۱) وزارت ها، ادارات وسایر

مؤسسات دولتی، تصدی ها،

شرکت ها و مؤسسات خیریه

مکلف اند، مالیات بر معاشات و

دستمزد ها را حین اجرای آن وضع

و به حساب دولت انتقال دهند.

(۲) حقوق تقاعد کارکنان دولتی

تابع پرداخت مالیات بر عایدات

نمی باشد.

مصارف قابل مجرائی

ماده هجدهم:

(۱) کسر و وضع مصارف عادی و

ضروری تولید، بدست آوردن و

محافظه عواید اشخاص حقیقی

و حکمی قرار ذیل مجاز بوده،

قابل مجرائی می باشد، مشروط بر

اینکه در خلال سال مالی صورت گرفته یا طبق احکام این قانون بیکه از سه سال گذشته مالی متعلق باشد:

۱ - قیمت تمام شد اشیای تولیدی یا مصارف فروش و تجارت شامل مصرف بیمه حمل و نقل و امثال آن.

۲ - قیمت سامان و لوازم، مواد احتراقیه، برق، آب و سایر خدمات ضروری که جهت بدست آوردن عایدات یا در کار و تجارت مورد استفاده قرار می گیرد.

۳ - مزد، معاش، کمیشن و فیس ایکه در برابر خدمات کارکنان و مستخدمین تادیه می شود.

۴ - تکت پولی ناشی از قروض، کار و تجارت.

۵ - کرایه تادیه شده از درک اموال و ملکیتی که در کار یا تجارت ضروری بوده

بی صورت موندلی وی یا د دې قانون د حکمونو مطابق د تېرو دریو کلونو په یوه پورې اړه ولري :

۱- د حمل او نقل د بیمې او هغې ته دورته لگښت په شمول د تولیدي شیانو یا د پلورنې او سوداګرۍ د لگښتونو تمامه شوې بیه .

۲- د سامانونو او لوازمو ، احتراقیه موادو ، برېښنا ، اوبو ، او نورو هغو اړینو خدمتونو بیه چې د عایداتو د لاسته راوړلو لپاره یا په کار او سوداګرۍ کې تر ګټې اخستنې لاندې نیول کېږي .

۳- هغه مزد، معاش، کمیشن او فیس چې د کارکوونکو او مستخدمینو د خدمتونو په وړاندې ورکول کېږي .

۴- له پورونو، کار او سوداګرۍ څخه رامنځته شوې ټکټ پولې .

۵- د مالونو او هغه ملکیت چې په کار یا سوداګرۍ کې اړین وي او تر ګټې اخستنې لاندې نیول کېږي ، له درکه ورکړل شوې کرایه .

و مورد استفاده قرار می گیرد.
۶ - مصارف ترمیم و حفظ و مراقبت اموال و ملکیتی که در کار یا تجارت ضروری بوده و مورد استفاده قرار می گیرد.

۷ - اموال منقول و غیر منقول به استثنای (زمین زراعتی) که در کار تجارت مورد استفاده قرار گرفته و یا به منظور تولید عایدات در اختیار مؤلّد می باشد، استهلاك آن مطابق تعلیماتنامه مالیات بر عایدات قابل مجرائی است، مجموع کسرات استهلاك مال یا ملکیت بیشتر از قیمت تمام شد آن قابل مجرائی به مالیه ده نمی باشد، هرگاه شخص حقیقی یا حکمی از تادیات در بدل حصول دارائی مطابق حکم مندرج ماده هفتاد و دوم این قانون مالیه را وضع نه نمایند، مستحق مجرائی

۶- د هغو مالونو او ملکیت چې په کار یا سوداگری کې اړین وي او تر گټې اخستنې لاندې نیول کېږي، د ترمیم، ساتنې او څارنې لگښتونه.
۷- منقول او غیر منقول مالونه د (کرنیزې ځمکې) په استثنای چې په کار او سوداگری کې تر گټې اخستنې لاندې نیول شوي یا د عایداتو د تولید په منظور د مؤلّد په واک کې وي، استهلاك یې پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې مطابق، د مجرائی وړ دی، د مال یا ملکیت د استهلاك ټول کسرات د هغو له تمامې شوې بېې څخه زیات، مالیه ورکوونکي ته دمجرائی وړ ندي، که چېرې حقیقی یا حکمي شخص، د شتمنۍ د لاسته راوړلو په بدل کې له ورکړو څخه، ددې قانون د حکمونو د دوه اویایمې مادې د حکم مطابق، مالیه وضع نکړي، د هغه د شتمنۍ د تمامې شوې بېې د هغې برخې د استهلاك

استهلاک آن بخش از قیمت تمام شد دارائی که از آن مالیه وضع نشده است، نمی گردد.

۸ - مالیه و محصولی که بذات خود مصرف لازمی جهت کار و تجارت یا مصرف لازمی برای داشتن مال و ملکیت به منظور عایدات و یا مصرف لازمی برای تولید عایدات باشد، مشروط براینکه مالیه آن در ظرف سال مالی تادیه شده و یا تجمع نموده باشد. مالیاتیکه طبق احکام این قانون وضع گردیده و مالیاتیکه از جمله مصارف لازمی کار و تجارت به حساب نرود، قابل مجرائی نیست، مگر اینکه در این قانون طوری دیگری پیشبینی گردیده باشد.

۹ - خسارات وارده ناشی از حریق، زلزله، و سایر حوادث غیر مترقبه به اموال منقول و غیر منقول در خلال سه سال، مشروط براینکه

چې له هغې څخه مالیه وضع شوې نده، د مجرائي مستحق نه گرځي.

۸- هغه مالیه او محصول چې په خپل ذات کې د کار او سوداګرۍ لپاره لازمي لګښت یا د عایداتو په منظور د مال او ملکیت د لرلو لپاره لازمي لګښت او یا د عایداتو د تولید لپاره لازمي لګښت وي، پدې شرط چې مالیه یې د مالي کال په موده کې ورکړل شوې وي او یا ټوله شوې وي. هغه مالیات چې د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شوی دي او هغه مالیات چې د کار او سوداګرۍ د لازمي لګښتونوله جملې څخه ونه شمېرل شي، د مجرائي وړ ندي، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول اټکل شوي وي.

۹- ددريو کلونو په ترڅ کې منقولو او غیر منقولو مالونو ته له حریق، زلزلې او نورو ناڅاپي پېښو څخه ورپېښ شوي زیانونه، پدې شرط چې بیه یې تثبیت وي او پدې هکله

قيمت آن تثبيت بوده و سند
مثبتہ را در اين مورد ارائه و از
طرف مؤسسات بیمہ جبران
نگردیده باشد.

۱۰ - خسارۀ ناشی از قروض
غير قابل حصول در کار
یا تجارت طبق تعلیماتنامۀ مالیات بر
عایدات.

۱۱ - مفاد سهم تادیه شده به پول
توسط شخصیت حکمی ایکه مطابق
قوانین نافذہ کشور تأسیس
گردیده باشد.

۱۲ - سائر مصارف کار یا تجارت
و مصارف در اختیار داشتن
اموال منقول و غير منقول به منظور
تولید عایدات و مصارف
تولید عایدات مندرج اسناد
تقنینی مربوط.

(۲) کسر و وضع مصارف در
موارد آتی غير مجاز بوده ، قابل
مجرائی نمی باشد:

۱ - مصارف دعوت ها و اعلانات

مثبتہ سند وړاندې او د
بیمې د مؤسسولخوا جبران
شوي نه وي .

۱۰ - پر عایداتو باندې د مالیاتو د
تعلیماتنامې مطابق په کاریاسوداگری-
کې له نه ترلاسه کېدو وړ پورونو
څخه رامنځته شوی زیان .

۱۱ - د هغه حکمي شخصیت په
واسطه چې د هېواد د نافذہ قوانینو
مطابق تأسیس شوی وي، په پیسو
باندې د ورکړل شوې ونډې گټه .

۱۲ - د کار یا سوداگری- نور
لگښتونه او د عایداتو د تولید په
منظور د منقولو او غير منقولو
مالونو په واک کې د لرلو لگښتونه
او په اړوندو تقنیني سندونو کې
درج د عایداتو د تولید لگښتونه .

(۲) په لاندې مواردو کې د
لگښتونو کسر او وضع کول غير
مجاز او د مجرائي وړ ندي :

۱ - د بلنو او اعلانونو لگښتونه چې
په اقتصادي او سوداگریزو فعالیتونو

که مرتبط به فعالیت های اقتصادی و تجارتي نباشد.

۲ - اشخاص حقيقي و حکمی که مطابق احکام این قانون مکلف به وضع مالیات از مفاد سهم، تکتانه، حق الامتياز، کرایه، کمیشن، دستمزد، معاشات، معاملات مندرج ماده هفتاد و دوم این قانون وسایر عواید مشابه بوده اما مالیات آنرا وضع وتادیه ننموده باشد.

۳ - بالای نمایندگی غیرمستقل یک شخص غیرمقیم در افغانستان، هرگونه مخارج که به شخص غیرمقیم یا کدام شخص مرتبط با آن تادیه ویا متقبل گردد.

مصارف غیر قابل مجرائی

ماده نهم:

(۱) کسر و وضع مصارف شخصی بشمول اقلام ذیل غیر مجاز بوده قابل مجرائی نمی باشد:

پورې مرتبط نه وي .

۲- هغه حکمي او حقيقي اشخاص چې د دې قانون د حکمونو مطابق د ونډې له گټې، تکتانې، حق الامتياز، کرایې، کمیشن، اجورې، معاشونو، ددې قانون په دوه اویایمه ماده کې له درج شوو معاملو او نورو ورته عوایدو څخه د مالیاتو په وضع کولو مکلف دي، خو د هغو مالیات یې وضع کړي نه وي.

۳- په افغانستان کې د یوه غیر مستقل غیر مېشت شخص پر نمایندګۍ باندې هر ډول هغه خرڅونه چې غیر مېشت شخص یا ورسره کوم اړوند شخص ته ورکړل یا ومنل شي .

د نه مجرائي وړ لگښتونه

نولسمه ماده :

(۱) دلاندې اقلامو په شمول د شخصي لگښتونو کسر او وضع کول غیر مجاز دي، اود مجرائي وړ ندي :
۱- هغه ورکړې (تادیات) چې د

- ۱ - تادیاتیکه به اشخاص غرض منفعت و خوشی مالیه ده یا فامیلش صورت می گیرد.
- ۲ - مصارف حفظ و مراقبت، ترمیم، تعمیر، اصلاح مفروشات و سائر مصارف حویلی یا محل رهائش مالیه ده یا فامیلش یا هر مال و ملکیتی که مختص به استفاده مالیه ده و یا فامیلش باشد.
- ۳ - تکت پولی بر دیون شخصی.
- ۴ - مصارف رفت و آمد به محل کار و مصارف سفر برای مقاصد شخصی.
- ۵ - مصرف بیمه حیات، تصادم و صحت و بیمه علیه ادعای دیگران به منظور مسئولیت مالییه ده و فامیلش.
- مالیه ورکونکی یایی د کورنی د گتې او خوښۍ په غرض اشخاصوته صورت مومي .
- ۲- د مالیه ورکونکی یایی د کورنی د حویلی یا د اوسېدو د ځای د ساتنې او څارنې، ترمیمولو، تعمیر، دمفروشاتو د اصلاح لگښتونه او نورلگښتونه او یا هر مال او ملکیت چې د مالیه ورکونکی یایی د کورنی گتې اخستې ته مختص وي.
- ۳- پر شخصي ديونو باندې ټکت پولي.
- ۴- د کار ځای ته د تلو راتلو لگښتونه او د شخصي مقصدونو لپاره د سفر لگښتونه .
- ۵- د ژوند، ټکر(تصادم) او روغتیا د بیمې او د مالیه ورکونکي او د هغه د کورنۍ دځوندیتوب په منظور، د نورو د ادعا پر خلاف د بیمې لگښت.
- ۶- د هغو مالونو او ملکیت چې په

۶ - مصارف هر نوع بیمه غرض محافظت اموال و ملکیت که به مقاصد شخصی مورد استفاده قرار می گیرد.

(۲) کسر و وضع مصارف درموارد آتی نیز غیر مجاز بوده، قابل مجرائی نمی باشد :

۱ - قیمت تمام شد زمین، تعمیرات و اشیای دوامدار (ماشین، تجهیزات، اثاثیه ثابت، مفروشات و مصارف تمام شد الحاقیه یا اصلاحات در آنها). مصارف استهلاک مندرج جز (۷) فقره (۱) ماده هجدهم و احکام مندرج فصل سوم این قانون از این امر مستثنی است.

۲ - افزودی به ذخیره احتیاطی، ذخیره به مقصد قروض غیر قابل حصول و امثال آن.

۳ - مالیات تأدیه شده به دول خارجی از طرف اشخاص

شخصی مقصدونو تر گتې اخستې لاندې نیول کېږي، د ساتنې په غرض د هر ډول بیمې لگښت .

(۲) په لاندې مواردو کې د لگښتونو کسر او وضع کول هم غیر مجاز دي، د مجرائي وړ ندي :

۱- د ځمکې، ودانیو او دوامدارو شیانو (ماشین، تجهیزاتو، ثابتې اثاثې، مفروشاتو او د الحاقیې یا په هغې کې د اصلاحاتو تمام شوی لگښت) تمامه شوې بیه . د دې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې په (۷) جزء کې درج شوي لگښتونه او په درېیم فصل کې درج شوي حکمونه لدې امر څخه مستثنی دي .

۲- په احتیاطي زېرمې زیاتول، د نه ترلاسه کېدو وړ پورونو او هغو ته په ورته مقصد زېرمه .

۳- د غیر مېشتو اشخاصو لخوا چې د افغانستان له کورنیو سرچینو څخه عواید ترلاسه کوي، بهرنیو

غير مقيم كه از منابع داخل افغانستان عوايد حاصل مي نمايند، مگر اينكه معاهده اي در مورد موجود باشد.

عوايد منابع داخلي

ماده بيستم:

(۱) عوايد منابع داخلي قرار ذيل مي باشد:

۱- تكتانه قروض، تحويلي هاي مفادي و سرمايه گذاري ها.

۲- عوايد مفاد سهم از شرکتهای مقيم كه در افغانستان فعاليت مي نمايند.

۳- عوايد معاش، حق الزحمه و دستمزد از مشاغل آزاد در مقابل خدمات.

۴- عوايد كرايه ها و حق الامتياز از اموال منقول و غير منقول.

۵- عوايد فروش دارائي منقول و غير منقول.

۶- اخذ كميشن از فروشات

دولتونو ته وړكړل شوي ماليات ، خو دا چې پدې هكله ژمنليك موجود وي .

د كورنيو سرچينو عوايد

شلمه ماده:

(۱) د كورنيو سرچينو عوايد په لاندې ډول دي :

۱- د پورونو ټكتانه ، كټه ايزې: (مفادي) تحويلي او پانگه اچونې .

۲- له هغو مېشتو شركتونو څخه چې په افغانستان كې فعاليت كوي، د ونډې د كټې عوايد .

۳- د خدمتونو په وړاندې د معاش، حق الزحمې او له آزادو شغلونو څخه د مزدورۍ عوايد .

۴- د كرايو او له منقولو او غير منقولو مالونو څخه د حق الامتياز عوايد .

۵- د منقولې او غير منقولې شتمنۍ د پلورنې عوايد .

۶- د هر ډول بيمو په شمول له پلورنو څخه د كمېشن اخستل .

- ۷- د هېواد په دننه کې د سوداګريزو فعاليتونو عوايد .
- ۸- د هغو منقولو مالونو د پلورلو يا لېږدولو عوايد چې په سوداګريزو يا استخدومي فعاليتونو کې له هغو څخه ګټه اخستل کېږي .
- ۹- د حق الامتياز، فیس او کمېشن عوايد چې د افغاني مېشت لخوا ورکول کېږي .
- ۱۰- د نفتي موادو ، معدني موادو يا نورو سرچينو له اکتشاف او استخراج څخه راپيدا شوي عوايد .
- ۱۱- د هېواد په دننه کې د نورو عايداتي سرچينو عوايد چې د دې قانون د حکمونو مطابق د مالياتو تابع ګرځي .
- (۲) د دې قانون د موخو د تطبيق په منظور د نهه ويشتمې او دېرشمې مادې په استثنې د دې مادې د (۱) فقرې په (۵)
- بشمول انواع بيمه.
- ۷- عوايد فعاليت های تجارتي در داخل کشور.
- ۸- عوايد فروش يا انتقال اموال منقول که در فعاليت های تجارتي يا استخدومي از آن استفاده بعمل می آيد.
- ۹- عوايد حق الامتياز، فیس و کمیشن که توسط مقيم افغاني تأديه می گردد.
- ۱۰- عوايد ناشی از اکتشاف و استخراج مواد نفتی، مواد معدنی يا ساير منابع.
- ۱۱- عوايد ساير منابع عايداتي در داخل کشور که مطابق احکام اين قانون تابع ماليات قرار می گيرد.
- (۲) به منظور تطبيق اهداف اين قانون به استثنای مواد بيست و نهم و سی ام، اصطلاح

جزء کې د (غير منقولې شتمنۍ) اصطلاح په يوه شرکت يا بل بنسټ کې چې د شتمنۍ ارزښت يې اساساً د اشخاصو د مستقيم يا غير مستقيم مالکيت په پايله کې ترلاسه کېږي، په لاندې توګه د هر ډول ګټې په بر کې نيونکې ده :

۱- په افغانستان کې غير منقوله شتمني .

۲- د هايډرو کاربن ، د کانونو د جواز او د کانونو د واک ليک د قراردادونو په شمول هغه ډول چې د دې قانون په دوولسم فصل کې تصريح شوي دي ، په افغانستان کې د غير منقولې شتمنۍ ګټه .

(۳) د دې قانون د موخو د تطبيق په منظور د هغه د نهه ويشتمې او دېرشمې مادې په استثنې ، د کانونو له استخراج څخه رامنځته شوي عوايد چې د دې مادې د (۱) فقرې په (۱۰) جزء کې

(دارائى غيرمنقول) مندرج جز (۵) فقره (۱) اين ماده دربرگیرنده هر نوع مفاد در یک شرکت یا نهاد دیگری که ارزش دارائی آن اساساً در نتیجه مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم اشخاص دریافت می گردد، قرار ذیل است:

۱ - دارائى غيرمنقول در افغانستان.

۲ - مفاد دارائى غيرمنقول در افغانستان به شمول قراردادهای هايډروکاربن، جواز معادن و صلاحیت نامه معادن طوریکه در فصل دوازدهم این قانون تصریح گردیده است.

(۳) به منظور تطبیق اهداف این قانون به استثنای مواد بیست و نهم و سی ام آن عوايد ناشی از استخراج معادن که در جزء (۱۰) فقره (۱) این ماده

توضیح گردیده است ،
دربگیرنده هر نوع فروش و
سایر معاملات مفادی
می باشد.

فصل سوم
مفاد یا زیان از درک
فروش، تبادلہ یا انتقال
دارائی

مفاد تابع مالیات

بر عایدات

ماده بیست و یکم:
مفاد از درک فروش یا تبادلہ
دارائی های ثابت و سرمایه گذاری
در پیشه و تجارت ، تابع پرداخت
مالیات بر عایدات می باشد.

مفاد قابل مالیه سال مالی

ماده بیست و دوم:
مفاد حاصله از درک فروش یا
تبادلہ دارائی شرکت سهامی و یا
شرکت محدود المسئولیت،

توضیح شوی دی، د هر دول
پلورنی او نورو مفادی معاملو په بر
کې نیونکي دي .

درېم فصل

د شتمنی د پلورنې ، تبادلې
یا لېږدونې له درکه ګټه یا
زیان

پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع

ګټه

یو ویشتمه ماده :

د ثابتو شتمنیو د پلورلو یا تبادلې له
درکه ګټه او په کسب او سوداګرۍ
کې پانګونه پر عایداتو باندې د
مالیاتو تابع ده .

د مالي کال د ماليې وړ ګټه

دوه ویشتمه ماده :

د سهامی شرکت یا محدود المسئولیت
شرکت د شتمنی د پلورلو یا
تبادلې له درکه تر لاسه شوې
ګټه ، د هغه مالي کال د ماليې وړ

مفاد قابل مالیه سال مالی می باشد که در خلال آن انتقال دارائی صورت گرفته باشد.

مالیه از انتقال ملکیت

ماده بیست و سوم:

(۱) مفاد حاصله از درک فروش، تبادل یا سایر انواع انتقال ملکیت دارائی های ذیل، مفاد قابل مالیه شناخته می شود:

۱ - واگذاری پیشه یا تجارت، به شمول سر قلفی.

۲ - فابریکه، به شمول تجهیزات، ماشین آلات، تعمیرات و اراضی و یا اجزای آنها.

۳ - تجهیزاتی که در کار و فعالیت تجارتي و حمل و نقل اشخاص و اموال استعمال می گردد.

۴ - سهام در شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت.

(۲) مفاد حاصله از انتقال

گفته ده چې په ترڅ کې یې د شتمنی لېږدېدلو صورت موندلی وي .

د ملکیت له لېږدېدو څخه مالیه دروېشتمه ماده :

(۱) د لاندې شتمنیو د پلورلو ، تبادلې یا د ملکیت دنورو هر ډول لېږدېدو له درکه ترلاسه شوې گټه ، د مالېې وړگټه گڼل کېږي :

۱- د سر قلفۍ په شمول د کسب یا سوداگرۍ پرېښودل .

۲- د تجهیزاتو ، ماشین آلاتو ، ودانیو ، ځمکې (اراضی) او یا د هغو د اجزاوو په شمول فابریکه .

۳- هغه تجهیزات چې په سوداگریز کار او فعالیت او د اشخاصو او مالونو په حمل او نقل کې استعمالېږي .

۴- په سهامی یا محدودالمسئولیت شرکت کې ونلې .

(۲) له میراث څخه د پیدا شوې منقولې او غیر منقولې شتمنی له

دارائی منقول و غیر منقول
ناشی از میراث از حکم
مندرج فقره (۱) این ماده
مستثنی است.

کسر و وضع مصارف از عواید
قابل مالیه

ماده بیست و چهارم:

عواید فروش، تبادل و انتقال
دارائی ها (باستثنای میراث)، به
صورت مکمل راپور
داده شده و اقلام
ذیل حین تعیین مفاد قابل
مالیه از این عواید قابل وضع
می باشد:

۱ - قیمت تمام شد دارائی و
سرمایه گذاری فروخته
شده با کسر مبلغی
که از درک استهلاك از تاریخ
تصاحب آن الی زمان معامله قابل
مجرائی باشد.

۲ - مصارف فروش به شمول
کمیشن، اعلانات، تکت و ثایق و

لېږدېدو څخه لاسته راغلي ګټه د
دې مادې په (۱) فقره کې له
درج شوي حکم څخه
مستثنی ده .

له ماليې وړ عوایدو څخه د
لګښتونو کسر او وضع کول

څلېرېشتمه ماده :

د شتمنیو د پلورلو، تبادلې او
لېږدولو عواید (دمیراث په
استثنای)، په بشپړ ډول رپوټ
ورکول کېږي او لدې عوایدو
څخه د ماليې وړ ګټې د ټاکلو په
ترڅ کې لاندې اقلام د وضع کولو
وړ دي :

۱ - د شتمنی او پلورل شوې
پانګونې تمامه شوې بیه د هغه
مبلغ په کسر سره چې د استهلاك
له درکه د هغو د ترلاسه کولو له
نېټې څخه د معاملې تر وخته پورې د
مجرائي وړ وي .

۲ - د پلورنې لګښت د کمېشن،
اعلانونو، د وثایقو د ټکټ

په شمول او د شتمنیو د لېږدوني نور لگښتونه .

د ورځې په بیه د ماليې تثبیتول

پنځه ویستمه ماده :

د منقولو او غیر منقولو شتمنیو د لېږدوني د هر ډول معاملې په ترڅ کې (د میراث په استثني) د ورځې بیه ، د ماليې د سنجش او تثبیت بنسټ دی .

پرماليې ورکونې باندې د شتمنۍ

د لېږدوني د ډول نه اغېزه

شپږ ویستمه ماده :

د منقولې او غیر منقولې شتمنۍ د لېږدوني ډول (د میراث په استثني) له نوموړې لېږدوني څخه د ترلاسه شوې گټې پرماليې ورکونې باندې اغېزه نه لري .

له ماليې وړ عوایدو څخه د را

پیدا شوي زیان وضع کول

اووه ویستمه ماده :

د مالي کال په ترڅ کې په کسب یا سوداگرۍ کې د گټې اخستې وړ

سائر مصارف انتقال دارائی ها .

تثبیت مالیه به قیمت روز

ماده بیست و پنجم :

حین هر نوع معامله انتقال دارائی های منقول و غیر منقول (باستثنای میراث) قیمت روز اساس سنجش و تثبیت مالیه می باشد .

عدم تأثیر نوع انتقال دارائی بر

مالیه دهی

ماده بیست و ششم :

نوع انتقال دارائی منقول و غیر منقول (به استثنای میراث) بر مالیه دهی مفاد حاصله از انتقال مذکور تأثیر ندارد .

وضع زیان ناشی از عواید قابل

مالیه

ماده بیست و هفتم :

زیان ناشی از فروش یا تبادلۀ دارائی های ثابت مورد

استفاده در پیشه یا تجارت در خلال سال مالی، از عواید قابل مالیه مؤدی قابل وضع می باشد، مشروط بر اینکه مفاد فروش یا تبادل متذکره اصلاً قابل مالیه باشد.

عدم وضع اضافی زیان از عواید قابل مالیه

ماده بیست و هشتم:

زیان ناشی از فروش یا تبادل اسناد سهم، قابل وضع نمی باشد، مگر اینکه این زیان از مفاد حاصل از فروش یا تبادل اسناد سهم که در عین سال صورت گرفته است نشأت نموده باشد. مفادیکه باینصورت بدست می آید، از زیانی که از چنانچه معامله عاید می گردد اضافه باشد، مبلغ اضافگی تابع مالیه بوده اما اگر این زیان اضافه از مفاد باشد، مبلغ

ثابتو شتمنیوله پلورنی یا تبدلی خخه را پیدا شوی زیان د مؤدی له مالیې وړ عوایدو خخه د وضع وړ دی، پدې شرط چې د نوموړې پلورنې او تبدلې گټه اصلاً د مالیې وړ وي.

له مالیې وړ عوایدو خخه د اضافی زیان نه وضع کېدل

اته ویستمه ماده :

د ونډود سندونو له پلورنې یا تبدلې خخه را پیدا شوی زیان د وضع کولو وړندی، خو داچې د غه زیان د ونډې د سندونو له پلورنې یا تبدلې خخه له تر لاسه شوې گټې خخه چې په عین کال کې یې صورت موندلی دی راپیدا شوی وي. هغه گټه چې پدې ډول له تر لاسه کېږي له هغه زیان خخه چې له دغه ډول معاملې خخه عایدېږي، زیاته وي، اضافگی مبلغ د مالیې تابع دی، خو که دغه زیان له گټې خخه

اضافگی زبان قابل موضوعی
نمی باشد.

سنجش مالیه از تزئید ارزش
دارائی

ماده بیست و نهم:

طرز تثبیت و سنجش مالیه
تزئید ارزش دارائی قرارذیل
است :

۱ - مفاد مندرج ماده بیست و
سوم این قانون که در خلال (۱۸)
ماه یا بیشتر از آن ملکیت شخص
باشد، بداشتن یک و یا
چند شرط ذیل تثبیت و سنجش
می گردد:

- انتقال (باستثنای میراث)
طور فروش صورت نگرفته
باشد.

- دارائی، انتقال یافته ، دارائی
سرمایوی باشد.

- دارائی ، حین فروش یا
انحلال پیشه یا تجارت
انتقال یافته باشد.

اضافه وي، د زبان اضافگی مبلغ د
موضوعي وړندې .

د شتمنی د ارزښت له زیاتېدو
څخه د مالیې سنجش

نهه ویشتمه ماده :

د شتمنی د ارزښت د زیاتېدو د
مالیې د تثبیت او سنجش ډول په
لاندې توګه دی :

۱- د دې قانون په درویشتمه ماده
کې درج شوې ګټه چې په (۱۸)
میاشتو یا له هغې څخه په زیاته موده
کې د شخص ملکیت وي ، د
لاندې یوه یا څو شرطونو په لرلو
سره تثبیت او سنجول کېږي :

- لېږدېدنې (دمیراث په استثنای) د
پلورنې په ډول صورت نه وي
موندلی .

- لېږدول شوې شتمني، پانګه ایزه
شتمني وي .

- شتمنی ، د پلورنې یا د کسب او
سوداګری د انحلال په ترڅ کې
لېږدول شوې وي .

۲- مالیات بر عایدات شخص در خلال سال مالی که طبق یکی از شرایط مندرج جزء (۱) این ماده انتقال یابد، عبارت از حاصل ضرب عواید قابل مالیه اش از تمام منابع با نرخ مخصوص موضوعه مندرج جزء (۳) این ماده می باشد.

۳- نرخ مخصوص موضوعه مندرج این ماده قرار ذیل دریافت می گردد:

- مفاد حاصله از انتقال دارائی (به استثنای میراث) تقسیم تعداد سال های می شود که دارائی در ملکیت وی بوده باشد.

- مفاد متوسط سالانه یا مفاد حاصله از این روش با سایر عواید قابل مالیه جمع و مطابق نرخ جدول مندرج ماده چهارم این قانون سنجش و مالیه

۲- د مالی کال په ترڅ کې د شخص پر عایداتو باندې مالیات چې د دې مادې په (۱) جزء کې له درج شویو شرایطو څخه د یوه مطابق ولېږدول شي، د دې مادې په (۳) جزء کې درج له موضوعه مخصوص نرخ سره له ټولو سرچینو څخه د هغه د مالیې وړ عوایدو له حاصل ضرب څخه عبارت دي.

۳- پدې ماده کې درج موضوعه مخصوص نرخ په لاندې ډول ترلاسه کېږي:

- د شتمنۍ له لېږدېدو څخه ترلاسه شوې ګټه (دمیراث په استثنای)، د هغو کلونو پر شمېر باندې تقسیمېږي چې شتمني دهغه په ملکیت کې وي.

- کلنۍ متوسطه ګټه یا لدې تگلارې څخه ترلاسه شوې ګټه له مالیې وړ نورو عوایدو سره جمع او د دې قانون په څلورمه ماده کې د درج شوي جدول د نرخ مطابق، سنجش او ترلاسه شوې (حاصله)

حاصله تقسيم مبلغ باندې تقسيمېږي چې سنجش پرې شوی دی، مطلوب نرخ تثبيتوي، که چېرې مطلوب نرخ په سلو کې له دوو څخه لږ وي، په هغه صورت کې د تطبيق وړ نرخ په سلو کې دوه دی.

مالیات فروش اموال منقول و

غير منقول

ماده سي ام:

(۱) بارعايت حکم مندرج ماده بیست و سوم این قانون قیمت اموالیکه از طریق فروش یا انتقال اموال منقول و غیر منقول توسط شخص حقیقی حاصل می گردد، به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت یک فیصد مالیه هنگام انتقال ملکیت قرار می گیرد.

(۲) بارعايت حکم مندرج ماده بیست و سوم این قانون قیمت اموالیکه

مالیه پر هغه مبلغ باندې تقسيمېږي چې سنجش پرې شوی دی، مطلوب نرخ تثبيتوي، که چېرې مطلوب نرخ په سلو کې له دوو څخه لږ وي، په هغه صورت کې د تطبيق وړ نرخ په سلو کې دوه دی.

د منقولو او غير منقولو مالونو

د پلورنې مالیات

دېرشمه ماده :

(۱) ددې قانون په درويشتمه ماده کې د درج شوي حکم له په پام کې نيولو سره، دهغو مالونو بیه چې د حقيقي شخص لخوا د پلورنې یا د منقولو او غير منقولو مالونو د لېږد له لارې ترلاسه کېږي، د ملکیت د لېږدېدو په وخت کې پر عایداتو باندې د مالیاتو په عوض، په سلو کې د یوې مالیې د ورکړې تابع ګرځي.

(۲) ددې قانون په درويشتمه ماده کې د درج شوي حکم له په پام کې نيولو سره، دهغو مالونو بیه چې د

از طریق فروش یا انتقال اموال منقول توسط شخص حکمی حاصل می گردد، به عوض مالیات بر عایدات تابع پرداخت یک فیصد مالیه هنگام انتقال قرار می گیرد. این مالیات پیش پرداخت محسوب شده، حین ارائه بیلانس و اظهارنامه در مالیه مجرائی داده می شود.

فصل چهارم

شرکت ها

اصطلاحات

ماده سی و یکم:

(۱) شراکت: اتحاد دو یا بیشتر از دو شخص است که مطابق اساسنامه مربوط مشترکاً کار یا تجارت نموده و نفع یا زیان آنرا تقسیم می نمایند.

(۲) شریک: شخصی است که در

خرخلاق یا د منقول مالونو د لیرد له لارې د حکمي اشخاصو په واسطه لاسته راځي، پر عایداتو باندې د مالیاتو په عوض د لېږدېدو په وخت کې په سلو کې یو مالیه د ورکولو تابع ګرځي، دغه ډول مالیات منځکې ورکړه (پیش پرداخت) ګڼل کېږي او په مالیه کې د بېلانس او اظهارنامې په وړاندې کولو سره مجرائي ورکول کېږي.

خلورم فصل

شرکتونه

اصطلاحګانې

یوډېرشمه ماده :

(۱) شراکت : د دوو یا له دوو څخه د زیاتو اشخاصو یووالی (اتحاد) دی چې د اړوندې اساسنامې مطابق په ګډه سره کار او سوداګري کوي او ګټه یا زیان یې ویشي.

(۲) شریک : هغه شخص دی چې

- په شرکت کې ونډه ولري .
- (۳) د شراکت اساسنامه: د قواعدو ټولګه ده چې شريکانو هغه منلي او پر بنسټ يې شرکت اداره کوي .
- (۴) تضامني شرکت : هغه شرکت دی چې له شريکانو څخه هر يو په انفرادي يا ټوليزه توګه د شرکت د ټولو پورونو او د يونو په ورکړه مکلف دي .
- (۵) ګډ تضامني شرکت : هغه شرکت دی چې يو يا څو شريکان پکې د شرکت د پورونو او ديونو په نسبت د تضامني او غير محدود مسئوليت لرونکي وي او پاتې شريکان ، په شرکت کې د هغوی د ونډې تر اندازې پورې د محدود مسئوليت لرونکي وي .
- (۶) محدود المسئوليت شرکت : هغه شرکت دی چې شريکان پکې منفرداً د شرکت د پورونو او ديونو په نسبت مسئول نه وي او د هر شرکت سهم داشته باشد.
- (۳) اساسنامه شراکت : مجموع قواعديست که شرکا آنرا قبول نموده و باساس آن شرکت را اداره می نمایند.
- (۴) شرکت تضامنی: شرکتی است که هر یک از شرکا طور انفرادی یا دسته جمعی مکلف به تادیه تمام قروض و ديون شرکت می باشند.
- (۵) شرکت تضامنی مختلط: شرکتی است که در آن یک یا چند شریک نسبت به قروض و ديون شرکت دارای مسئولیت تضامنی و غیر محدود بوده و متباقی شرکا دارای مسئولیت محدود باندازه سهم شان در شرکت می باشند.
- (۶) شرکت محدود المسئوليت: شرکتی است که در آن شرکا منفرداً نسبت به قروض و ديون شرکت مسئول نبوده و

مسئولیت هر شریک محدود
باندازه سهم وی در شرکت
می باشد.

(۷) شرکت سهامی: شرکتی است
که سرمایه آن معین و منقسم به
اسهام بوده و اندازه مسئولیت
هر شریک به اندازه سهم آن
محدود باشد.

احکام قابل تطبیق بالای
شرکت های محدودالمسئولیت
و تضامنی مختلط

ماده سی و دوم:

(۱) شرکت محدودالمسئولیت
تابع احکام قابل تطبیق این قانون در
مورد شرکتهای سهامی می باشد.
به منظور این قانون، شرکای
همچو شرکت، سهامداران و توزیع
مفاد آن، مفاد سهم پنداشته
می شود.

(۲) شرکت تضامنی مختلط تابع
احکام قابل تطبیق این قانون درمورد
شرکت های تضامنی می باشد.

شریک مسئولیت به شرکت کی د
هغه د ونډې تر اندازه پورې
محدودوی .

(۷) سهامی شرکت: هغه شرکت دی
چې پانګه یې ټاکلې او په ونډو
وېشل شوې وي او د هر شریک د
مسئولیت اندازه د هغه د ونډې تر
اندازه پورې محدوده وي .

پر محدودالمسئولیت او تضامنی
مختلطو شرکتونو باندې د تطبیق
وړ حکمونه

دوه دېرشمه ماده :

(۱) محدودالمسئولیت شرکت، د
سهامی شرکتونو په هکله ددې
قانون د تطبیق وړ حکمونو تابع دی.
د دې قانون په منظور، د دغه ډول
شرکت شریکان ، ونډه لرونکي او
د ګټې وېش نې ، د ونډې ګټه
ګڼل کېږي .

(۲) تضامنی مختلط شرکت، د
تضامنی شرکتونو په هکله د دې
قانون د تطبیق وړ حکمونو تابع دی.

د تضامني شرکت مالیات

دري دېرشمه ماده :

تضامني شرکت د حکمي شخصيت په توګه پدې قانون کې درج پر عايداتو باندې د مالیاتو تابع ندی . شریکان د حقيقي اشخاصو په توګه په انفرادي ډول پر عايداتو باندې د مالیاتو تابع دي .

د تضامني شرکت عايدات د شریکانو د انفرادي عايداتو په صورت چې د هغو هر یو مکلف دی د شرکت له عايداتو څخه خپله ونډه په خپلو د ماليې وړ عوایدو کې داخله کړي ، پر عايداتو باندې د مالیاتو د ورکړې تابع دي .

دنگه (خالصو) عوایدو ټاکل

څلور دېرشمه ماده :

تضامني شرکت مکلف دی هر کال ټولو ترلاسه شوو مبالغو ، اړوندو لګښتونو او ورکړو (تأدياتو) څخه رپوټ ورکړي او خپل خالص عواید په انفرادي توګه وټاکي .

مالیات شرکت تضامني

ماده سی وسوم:

شرکت تضامني منحیت شخصيت حکمي تابع مالیات بر عايدات مندرج این قانون نمی باشد. شرکا منحیت اشخاص حقيقي طور انفرادی تابع مالیات بر عايدات می باشند.

عايدات شرکت تضامني بصورت عايدات انفرادی شرکا که هر یک آن مکلف است سهم خود را از عايدات شرکت در عواید قابل مالیه خود داخل نماید، تابع پرداخت مالیات بر عايدات می باشد.

تعیین عواید خالص

ماده سی و چهارم:

شرکت تضامني مکلف است، سالانه از تمام مبالغ حاصله، مصارف و تأديات مربوط راپور داده و عواید خالص خود را طور انفرادی تعیین نماید.

شرکت مکلف دی په جلا ډول د هر شریک له ونډې څخه په لاندې مواردو کې رپوټ ورکړي :

- ۱ - مفاد خالص یا زیان خالص.
- ۲ - مفاد یا زیان از درک فروش یا تبادل اموال و ملکیت منقول و غیر منقول .
- ۳ - معاش، تکت پولي، مفاد سهم، پیشکی و امثال آن.

تقسیم مبالغ حاصله

ماده سی و پنجم:

مبالغ حاصله، مصارف و مفاد خالص شرکت تضامنی چنین پنداشته می شود که طبق شرایط مندرج اساسنامه مربوط، توسط شرکا تقسیم گردیده است.

فصل پنجم

قواعد محاسبه

ترتیب و نگهداری اسناد

ماده سی و ششم:

اشخاص حقیقی و حکمی دارای

شرکت مکلف دی په جلا ډول د هر شریک له ونډې څخه په لاندې مواردو کې رپوټ ورکړي :

- ۱ - خالصه گټه یا خالص زیان .
- ۲ - د مالونو او منقول او غیر منقول ملکیت د پلورنې یا تبادلې له درکه گټه یا زیان.
- ۳ - معاش ، تکت پولي ، د ونډې گټه ، پیشکی او هغو ته ورته .

د ترلاسه شوو مبالغو وېش

پنځه دېرشمه ماده :

د تضامني شرکت ترلاسه شوي مبالغ، لگښتونه او خالصه گټه داسې گڼل کېږي چې په اړونده اساسنامه کې ددرج شوو شرایطو مطابق، د شریکانو په واسطه ویشل شوي دي.

پنځم فصل

د محاسبې قواعد

د سندونو ترتیبول او ساتنه

شپږ دېرشمه ماده :

د مالې وړ عوایدو لرونکي حقیقي

عواید قابل مالیه مکلف اند، تمام اسناد و دفاتر و صورت حساب معاملات اموال منقول و غیر منقول و عواید خود را در سال مالی مربوط ترتیب و نگهداری نموده ، در صورت مطالبه به دسترس مؤظفین مربوط وزارت مالیه قرار دهند.

طریقه بعدی محاسبه

ماده سی و هفتم:

شرکتهای سهامی و محدود المسئولیت مکلف اند عواید خود را توسط طریقه بعدی محاسبه که عواید و مصارف را وقتیکه قابل تادیه می شود، در نظر می گیرد، تثبیت نمایند.

طریقه نقدی محاسبه

ماده سی و هشتم:

مالیه دهنده مکلف است، عواید قابل مالیه خود را طبق طریقه نقدی محاسبه حینیکه تادیه عواید و مصارف صورت می گیرد، تثبیت

او حکمی اشخاص مکلف دي د خپلو منقولو او غیر منقولو مالونو او عوایدو ټول سندونه او دفترونه او د معاملو صورت حساب په اړوند مالي کال کې ترتیب او وساتي او د غوښتنې په صورت کې يې د ماليې وزارت د اړوندو مؤظفینو په واک کې ور کړي .

د محاسبې وروستی طریقه

اووه دېرشمه ماده :

سهامي او محدودالمسئولیت شرکتونه مکلف دي خپل عواید د محاسبې د وروستی طریقي په واسطه چې عواید او لگښتونه کله چې د ورکړې وړ ګرځي ، په پام کې نیسي ، تثبیت کړي .

د محاسبې نقدي طریقه

اته دېرشمه ماده :

مالیه ورکوونکی مکلف دی، خپل د ماليې وړ عواید د محاسبې د نقدي طریقي مطابق ، هغه وخت چې د عوایدو او لگښتونو ورکړه صورت

نمايد. ماليه دهنده می تواند به موافقه وزارت ماليه جهت تثبيت عوايد خود طريقه بعدی را نیز تعيين نمايد. شرکت های سهامی و محدود المسئوليت از اين امر مستثنی بوده، وضع استهلاكات مطابق تعليماتنامه مالیات بر عايدات صورت می گیرد.

شکل و محتوای اسناد و

دفتري

ماده سی و نهم:

وزارت ماليه، به منظور اداره سالم مالیات بر عايدات، تثبيت عوايد واقعی و ارائۀ راپور درست از آن، شکل و محتوای اسناد و دفاتر مالیات دهنده را تثبيت نمايد.

مومي، تثبيت کړي. ماليه ورکونکی کولای شي د ماليې وزارت په موافقه د خپلو عوايدو د تثبيت لپاره وروستی. طريقه هم وټاکي. سهامی او محدود المسئوليت شرکتونه لدې امر څخه مستثنی دي ، د استهلاكاتو وضع پر عايداتو باندې د مالیاتو د تعليماتنامې مطابق صورت مومي .

د سندونو او دفترونو ډول او

محتوي

نهه دېرشمه ماده :

د ماليې وزارت کولای شي پر عايداتو باندې د مالیاتو د سالمې ادارې ، د واقعی عوايدو د تثبيت او له هغو څخه د سم رپوټ د وړاندې کولو په منظور، د مالیاتو ورکونکي د سندونو او دفترونو ډول او محتوى تثبيت کړي .

د کال آخره موجودي

څلویښتمه ماده :

اجناس ، محصولات او هغه مواد چې په کار او سوداګرۍ کې تر ګټې اخستې لاندې نیول کېږي ، د هر مالي کال په آخر کې موجودي کېږي او بیه اېښودنه یې د تمامی شوې بیې یا د بازار د بیې (هره یوه چې لږ وي) پر بنسټ صورت مومي . هغه مالیه ورکونکي چې په صنایعو ، سوداګرۍ یا په نورو کارونو بوخت وي، مکلف دی د خپلو اجناسو ، محصولاتو او اړوندو موادو موجودي د مالیې وزارت د ترتیب شوې کړنلارې مطابق اجراء کړي .

د سوداګریزو دوو یا زیاتو

مؤسسو د عوایدو تثبیت

یو څلویښتمه ماده :

په هغه صورت کې چې دوه یا زیاتې سوداګریزې مؤسسې یا اقتصادي

موجودی اخیر سال

ماده څهلم:

اجناس، محصولات و موادیکه در کار و تجارت مورد استفاده قرار می گیرد، در اخیر هر سال مالی موجودی گردیده و قیمت گذاری آن به اساس قیمت تمام شد یا قیمت بازار (هر یک که کمتر است) صورت می گیرد. مالیه دهنده ایکه در صنایع، تجارت یا سائر کارها مصروف بوده مکلف است موجودی اجناس، محصولات و مواد مربوط شانرا طبق طرزالعمل مرتبه وزارت مالیه اجرا نماید.

تثبیت عواید دو یا بیشتر

مؤسسات تجارتي

ماده څهلم ویکم:

در صورتیکه دو یا بیشتر مؤسسات تجارتي یا فعالیت های اقتصادی،

طور مستقیم یا غیر مستقیم ملکیت عین اشخاص حقیقی یا حکمی بوده یا تحت تصرف آنها قرار داشته باشد، وزارت مالیه می تواند، به مقصد معلوم نمودن عواید قابل مالیه و جلوگیری از فرار آن، مبلغ حاصله، کسرات، اعتبارات یا مجرائی ها را بین آنها تقسیم و توزیع نماید.

فصل ششم

احکام خاص در مورد

شرکت های سهامی و

محدودالمسئولیت

مجرائی زیان عملیاتی

ماده چهل و دوم:

(۱) در صورتیکه شرکت سهامی یا شرکت محدودالمسئولیت در یک سال مالی زیان خالص عملیاتی داشته باشد، این زیان از عواید قابل مالیه اش در خلال سه سال بعدی و هر سال

فعالیتونه ، به مستقیمه یا غیرمستقیمه توگه دعین حقیقی یا حکمی اشخاصو ملکیت وی یایی تر تصرف لاندې وی ، د مالیې وزارت کولای شي، د مالیې وړ عوایدو د معلومولو اوله تېښتې (فرار) څخه یې دمخنیوي په مقصد، ترلاسه شوی مبلغ، کسرات، اعتبارات یا مجرائی گانې دهغو ترمنځ تقسیم اوو وېشي.

شپږم فصل

د سهامی او محدود-

المسئولیت شرکتونو په

هکله خاص حکمونه

د عملیاتی زیان مجرائی

دوه څلورېښتمه ماده :

(۱) په هغه صورت کې چې سهامی شرکت یا محدودالمسئولیت شرکت په یوه مالی کال کې عملیاتی خالص زیان ولري ، دغه زیان په دریو راوړسته کلونو کې او هر کال د زیان درېیمه (ثلث)

ثلث زیان آن مجرائی داده می شود. حکم مندرج فقره (۴) ماده چهل و هفتم این قانون از این امر مستثنی است.

(۲) هرگاه شرکت مقیم کشور به منظور حصول عواید از منبع ای که خارج از افغانستان فعالیت دارد، عواید قابل مالیه خود را مطابق حکم مندرج ماده دوازدهم این قانون یا خساره خالص عملیاتی مندرج فقره (۱) این ماده را با نظر داشت فعالیت های که به منظور تولید عواید از یک منبع در داخل افغانستان و فعالیت های آن که به منظور تولید عواید از یک منبع در خارج افغانستان می باشد، به طور جداگانه ثبت و ارائه نماید، زیان خالص عملیاتی از فعالیت هائیکه

برخه دهغه له مالیې وړ عوایدو څخه مجرائي ورکول کېږي . د دې قانون د ۱ ووه څلورېنتمې مادې په (۴) فقره کې درج شوی حکم لدې امر څخه مستثنی دی .

(۲) که چېرې په هېواد کې مېشت شرکت له هغې سرچینې څخه چې له افغانستان څخه بهر فعالیت لري د عوایدو د ترلاسه کولو په منظور ، خپل د مالیې وړ عواید د دې قانون په دوو لسمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق یا د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی عملیاتي خالص زیان د هغو فعالیتونو له په پام کې نیولو سره چې په افغانستان کې دننه له یوې سرچینې څخه د عوایدو د تولید په منظور او دهغه فعالیتونه چې له افغانستان څخه په بهر کې د عوایدو د تولید په منظور وي ، په جلا توګه ثبت او وړاندې کړي ، له هغو فعالیتونو څخه عملیاتي خالص زیان چې له افغانستان څخه په بهر

در منبع خارج از افغانستان عاید می گردد، از همان عواید منبع خارجی قابل کسر بوده و انتقال می یابد. زیان متذکره از عواید قابل مالیه که منبع آن در داخل افغانستان می باشد، قابل کسر نیست.

توزیع دارائی های شرکت به

سهمداران

ماده چهل و سوم:

توزیع دارائی های شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت به سهمداران یا شرکای شرکت توسط سهمدار یا شریک به حیث تنقیص در قیمت تمام شد سهم یا تنقیص در سرمایه اش پنداشته می شود. مفاد سهم و سهم وقت انحلال از این امر مستثنی است.

توزیع دارائی ها حین انحلال

شرکت

ماده چهل و چهارم:

توزیع دارائی ها حین انحلال

سرچینه کی رامنخته کېږي، د هماغې بهرنۍ سرچینې له عوایدو څخه دکسر وړ دی اولېږدول کېږي. نوموړی زیان له هغو مالیې وړ عوایدو څخه چې سرچینه یې په افغانستان کې وي، دکسر وړ ندی.

ونډو لرونکو ته د شرکت د

شتمنیو وېشل

دري څلورېنښتمه ماده :

د ونډه لرونکي یا شریک په واسطه د شرکت ونډو لرونکو یا شریکانو ته دسهمي یا محدودالمسئولیت شرکت د شتمنیو وېش د ونډې د تمامې شوې بېې د تنقیص یا بې په پانگه کې دتنقیص په توگه گڼل کېږي. د ونډې گټه او د انحلال د وخت ونډه لدې امر څخه مستثنی ده.

د شرکت د انحلال پر وخت

شتمنیو وېش

څلور څلورېنښتمه ماده :

د ونډه لرونکي یا شرکت په واسطه

دسهمي يامحدودالمسئوليت شرکت
دانحلال په وخت کې د شتمنيو
وېش، د دې قانون د درېيم فصل د
مندرجاتو مطابق د شتمنيو د پلورنې
يا تبادلې د وجهې په توگه گڼل
کېږي .

مبلغ يا نورې وېشل شوې شتمنۍ د
ورځې د نرخ پر بنسټ منفي د
ونډه لرونکي د ونډې تمامه شوې
بيه يا د شرکت د پانگې مبلغ (چې
وېش له هغه څخه صورت مومي) ،
د ونډه لرونکي يا شريک له ماليې
وړ عوايدو څخه عبارت دي .

د جزئي يا کلي انحلال په صورت
کې دسهمي يا محدودالمسئوليت
شرکت د شتمنيو وېشل، د شرکت د
گټې يا زيان په توگه نه گڼل کېږي .

د پيسو يا نورو شتمنيو وېش

پنځه څلوېښتمه ماده :

پيسې يا نورې هغه شتمنۍ چې د
سهمي يا محدودالمسئوليت شرکت
په واسطه له ترلاسه شوو عوايدو

شرکت سهامي يامحدودالمسئوليت
توسط سهامدار يا شرکت
مطابق مندرجات فصل سوم
این قانون بحيث وجه فروش يا
تبادل له دارائی ها پنداشته
می شود.

مبلغ يا ساير دارائی های
توزيع شده باساس نرخ روز،
منفی قیمت تمام شد سهم
سهمدار يا مبلغ سرمايه شرکت
(که توزيع از آن صورت
می گیرد) عبارت از عوايد قابل
مالیه سهامدار يا شریک می باشد.

توزيع دارائی های شرکت سهامي يا
محدود المسئوليت در صورت
انحلال جزئي يا کلي به حيث مفاد
يا زيان شرکت پنداشته نمی شود.

توزيع پول يا ساير دارائی ها

ماده ٤٧ و پنجم:

پول يا ساير دارائی های که
توسط شرکت سهامي يا
محدودالمسئوليت از عوايد

حاصلہ بہ سهامداران یا شرکا
توزيع می گردد، مفاد سهم
پنداشته شده ، شامل حالات ذیل
می باشد:

۱ - مفاد سهم تادیه شده به
پول توسط شرکت سهامی یا
محدودالمسئولیتی که مطابق
قوانین کشور ایجاد گردیده،
از عواید شرکتی که آنرا تادیه
می نماید، به استثنای حکم
جزء (۲) فقره (۲) ماده هجدهم
این قانون ، قابل مجرائی
می باشد.

۲ - هرگاه مفاد سهم بصورت
اسناد سهم یا قرضه
و امثال آن تادیه گردد،
از عایدات شرکت سهامی یا
محدودالمسئولیت قابل وضع
نمی باشد.

۳ - مفاد سهمیکه بشکل
پول تادیه می شود ، حین
حصول، عایدات قابل

خنه ونده لرونکو یا شریکانو ته
وبشل کبری ، د ونډې گټه
گنل کبري، لاندې حالات پکې
شامل دي :

۱- دهغه سهامی یا محدودالمسئولیت
شرکت په واسطه چې د هېواد د
قوانینو مطابق جوړ شوی له ترلاسه
شوو عوایدو خنخه په پیسو باندې د
ورکړل شوې ونډې گټه ، دهغه
شرکت له عوایدو خنخه چې ورکوي
يې ، د دې قانون د اتلسمې مادې د
(۲) فقرې د (۲) جزء په استثنی ، د
مجرائي وړ ده .

۲ - که چېرې د ونډې گټه ، د
ونډې یا پور یا هغو ته د ورته
سندونو په ډول ورکړل شي ، د
سهامي یا محدودالمسئولیت شرکت
له عایداتو خنخه د وضع کولو
وړنده.

۳ - د هغې ونډې گټه چې د پیسو
په ډول ورکول کېږي، د ترلاسه
کېدو په وخت کې ، د ترلاسه

ماليه حاصل ڪنده محسوب
مي ڳرڊڊ. مفاد سھميڪه
بشڪل اسناد سھم قرضه
و امثال آن تاديہ مي ڳرڊڊ، حين
حصول، بحيث عوايد قابل
ماليه حاصل ڪنده محسوب
نمي شود.

وضع نمودن ماليه

ماده چهل و ششم:

(۱) اشخاص حڪمي انتفاعي يا غير
انتفاعي ايڪه مطابق قوانين ڪشور
ايجاد شده باشند، مكلف به
وضع ماليات بر عايدات
بطور ذيل مي باشند:

۱ - وضع ماليه از معاشات و
دستمزد های کارکنان مربوط
مطابق احکام این قانون.

۲ - وضع بيست فيصد ماليه از
عوايد تکت پولی، مفاد سھم،
حق الامتياز، جوايز، مكافات،
عوايد از درك قرعه و
بخشي ها، حق الخدمت، مطابق

ڪوونڪي د ماليي وڙ عايداتو په توڳه
گنل ڪېږي. د ونډې هغه گټه چې د
پور د ونډو د سندونو يا هغو ته د
ورته په ډول ورکول ڪېږي، د
ترلاسه کېدو په وخت کې، د
ترلاسه ڪوونڪي د ماليي وڙ عوايدو
په توڳه نه گنل ڪېږي.

د ماليي وضع كول

شپږ څلويښتمه ماده:

(۱) هغه انتفاعي يا غير انتفاعي
حڪمي اشخاص چې د هېواد د
قوانينو مطابق جوړ شوي وي، په
لاندې توڳه پر عايداتو باندې د
مالياتو په وضع کولو مکلف دي:

۱- د دې قانون د حکمونو مطابق
د اړوندو کارکوونکو له معاشونو او
مزدوريو څخه د ماليي وضع کول.

۲- د دې قانون د حکمونو مطابق
له ټکټ پولی، د ونډې له گټې،
حق الامتياز، جايزو، مکافاتو، د
قرعي او بخشي شي گانو، له درکه
عوايدو حق الخدمت څخه په

سلو کي د شلو ماليې وضع کول .

(۲) په دې ماده کې درج وضع شوې ماليه د راتلونکې مياشتې تر لسمې نېټې پورې دولت ته ورکول کېږي .

(۳) حکمي اشخاص چې د دې قانون د حکمونو مطابق له معاشونو او مزدوريو څخه د ماليې وضع کول اجراء کوي ، مکلف دي د مالي کال په تېرېدو سره د راتلونکي کال د لومړۍ مياشتې په ترڅ کې هغو اشخاصو ته چې ماليه يې له معاش او مزد څخه وضع شوېده ، په هغه ترتيب سره چې د ماليې وزارت يې تجويز وي، د ماليې د وضع کولو ، د معاش د اندازې او په نورو مواردو کې له جزئياتو څخه په ليکلي توگه خبر ورکړي .

(۴) هغه شخص چې ماليه وضع کوي ، مکلف دی د مياشتنيو ورکړو (تأدياتو) او د ماليې د وضع کولو جزئيات د ماليې وزارت ته د راتلونکې مياشتې تر لسمې نېټې

احکام اين قانون.

(۲) ماليه وضع شده مندرج اين ماده الي تاريخ دهم ماه بعد به دولت تاديه می گردد.

(۳) اشخاص حکمی که وضع ماليه از معاشات و دستمزد ها را مطابق احکام قانون اجرا می نمایند، مکلف اند با گذشت سال مالی در خلال ماه اول سال بعد به اشخاصی که ماليه از معاش و مزد شان وضع گردیده، به ترتیبی که وزارت ماليه تجويز می نماید جزئیات را درمورد وضع ماليه، اندازه معاش و ساير موارد ديگر، کتباً اطلاع دهند.

(۴) شخصی که ماليه را وضع می نماید، مکلف است جزئیات تادیات و ماليه وضع شده ماهانه را به وزارت ماليه الي تاريخ دهم ماه بعد

به ترتيبی که وزارت ماليه تجویز می نماید، گزارش دهد.

(۵) هرگاه مقدار صحیح مالیه از یک منبع مطابق به احکام این قانون وضع گردیده باشد، طوری پنداشته می شود که مالیات بر عایدات کاملاً رفع گردیده است.

(۶) اشخاص حقیقی ای که عواید بیشتر از یک منبع داشته باشد، مکلف به خانه پری و ارائه اظهارنامه بوده، مالیه آن طبق احکام این قانون سنجش گردیده و مبلغ وضع شده قبلی از مالیات، قابل مجرائی دانسته می شود.

مجرائی استهلاك و زیان

ماده چهل و هفتم:

(۱) تشبثات منظور شده که مطابق احکام قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی ثبت و

پورې په هغه ترتیب سره چې د مالیې وزارت یې تجویز وي ، رپوټ ورکړي .

(۵) که چېرې له یوې سرچینې څخه د مالیې صحیح مقدار د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شوی وي ، داسې ګڼل کېږي چې پر عایداتو باندې مالیات بشپړ رفع شوي دي .

(۶) هغه حقیقی اشخاص چې له یوې څخه له زیاتو سرچینو څخه عواید ولري ، د اظهار لیک په ډکولو او وړاندې کولو مکلف دي، مالیه یې د دې قانون د حکمونو مطابق سنجول کېږي او د مخه وضع شوي مبلغ له مالیاتو څخه د مجرائي وړ ګڼل کېږي .

د استهلاك او زیان مجرائي

اووه څلوېښتمه ماده :

(۱) هغه منظور شوي تشبثات چې د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانګې اچونې د قانون د حکمونو مطابق

راجستر شده باشند ، از تاريخ اول سرطان سال ۱۳۸۳ حسب آتی مستحق مجرای استهلاك تعميرات و تجهيزات پنداشته می شوند. حکم مندرج جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم از این امر مستثنی است:

۱- برای تعمیر، مدت چهار سال.

۲- برای تجهيزات، مدت دو سال.

(۲) استهلاك مجاز تعميرات و تجهيزات د رهر سال مالی به صورت مساویانه سنجش و مجرائی داده می شود. هر گاه سرمایه ثابت تشبث در مدت کمتر از نصف سال مالی د راختیار وی قرار داشته باشد، از نصف مجرائی استهلاك سالانه در همان سال مستفید می گردد، در صورتی که سرمایه ثابت بیشتر از شش ماه در اختیار وی قرار داشته باشد،

ثبت اورا رجستر شوي وي، د ۱۳۸۳ کال د چنگاښ له لومړۍ نېټې څخه په لاندې ډول د ودانیو او تجهيزاتو د استهلاك د مجرائي مستحق گڼل کېږي . د اتلسمې مادې د (۱) فقرې په (۷) جزء کې درج شوی حکم لدې امر څخه مستثنی دی :

۱- د ودانیۍ لپاره، څلور کاله موده .

۲- د تجهيزاتو لپاره، دوه کاله موده.

(۲) د ودانیو او تجهيزاتو مجاز استهلاك په هر مالي کال کې په مساویانه توګه سنجش اومجرااء ورکول کېږي. که چېرې د تشبث ثابته پانګه، د مالي کال له نیمایي څخه کمه موده د هغه په واک کې وي، په هماغه کال کې د کلني استهلاك له نیمایي مجرائي څخه ګټه اخستی شي او په هغه صورت کې چې ثابته پانګه له شپږو میاشتو څخه زیات دهغه په واک کې پاتې شي داستهلاك له

بشپړې مجرايي څخه په هماغه کال کې برخمن کېږي.

(۳) هغه منظور شوي تشبثات چې د مالي کال په اوږدو کې له عملياتي خالص زیان سره مخامخ شوي وي، د قانوني دفتر او سندونو په کتنې سره، د دې قانون په دوه څلویښتمه ماده کې د درج شوو تشبثاتو په استثنی د ۱۳۸۳ کال د چنگاښ له لومړۍ څخه په هر را وروسته کال کې د رامنځته شوي زیان تر بشپړ رفع کېدو پورې، له خپلو ماليې وړ عوایدو څخه مجرايي ترلاسه کوي. د منظورو شوو تشبثونو د وارده زیان محاسبه د دې قانون په دوه څلویښتمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق صورت مومي. پدې قانون کې د درج شوي استهلاک لگښتونه او د مالياتي معافیت په میعاد (مودې) پورې اړوند نور لگښتونه او له منظوري د مخه میعاد لگښتونه،

از مجرائی کامل استهلاک در همان سال مستفید می شود. (۳) تشبثات منظور شده که در طول سال مالی مواجه به زیان خالص عملیاتی گردیده باشند، به ملاحظه دفتر و اسناد قانونی به استثنای تشبثات مندرج ماده چهل و دوم این قانون از اول سرطان سال ۱۳۸۳ در هر سال بعدی الی رفع کامل زیان وارده، از عواید قابل مالیه شان مجرایي حاصل می نمایند. محاسبه زیان وارده تشبث های منظور شده، مطابق حکم مندرج ماده چهل و دوم این قانون صورت می گیرد. مصارف استهلاکات مندرج این قانون و سایر مصارف مربوط به میعاد معافیت مالیاتی و مصارف میعاد قبل از منظوری

د عملیاتی خالص زیان په محاسبه کې نه شاملېږي. کي نه شاملېږي.

د عملیاتی خالص زیان په محاسبه کې نه شاملېږي.

فصل هفتم

اووم فصل

مالیات شرکت های بیمه

د بیمې د شرکتونو مالیات

احکام قابل تطبیق در مورد

د بیمې د شرکتونو په هکله د

شرکت های بیمه

تطبیق وړ حکمونه

ماده ۴۰ و هشتم:

اته څلورېنیمه ماده :

احکام مندرج مواد این فصل در مورد شرکت های بیمه قابل تطبیق می باشد، مشروط براینکه حاوی شرایط ذیل باشند:

ددې فصل په موادو کې درج شوي حکمونه د بیمې د شرکتونو په هکله د تطبیق وړ دي ، پدې شرط چې د لاندې شرطونو لرونکي وي :

۱ - مطابق قوانین افغانستان بشکل شرکت های سهامی تأسیس شده باشد.

۱- د افغانستان د قوانینو مطابق د سهامی شرکتونو په ډول جوړ شوي وي .

۲ - فعالیت شرکت، بیشتر از یک ساحه بیمه، مانند بیمه حادثات و زیان، بیمه حیات و سائر فعالیت های بیموی را در بر داشته باشد.

۲- د شرکت فعالیت، د بیمې له یوې ساحې څخه زیات لکه د پېښو او زیان بیمه ، د ژوند بیمه او نورو بیموي فعالیتونو په شان په بر کې ولري .

۳ - برای هر ساحه بیمه و سائر

۳- د خپلې بیمې د هرې ساحې او

فعالیتونو لپاره د جلا محاسبې او
زېرمې لرونکي وي .

د بیمې د شرکتونو پر عایداتو
باندې د مالیاتو تابع عواید
نه خلوېښتمه ماده :

د بیمې د شرکتونو لاندې عواید پر
عایداتو باندې د مالیاتو تابع
دي :

۱- د ټکټ پولې ، د ونډې
د گټې ، د کرایې عواید او نور هغه
عواید چې له پانگونې او ملکیت
څخه لاسته راځي .

۲- له غیر بیمې فعالیتونو څخه
ترلاسه شوي عواید .

۳- د حریق، غلا، د ناروغۍ د
پېښو، زیانونو یا هغه زیان په مقابل
کې د بیمې له حق څخه ترلاسه
شوي عواید چې بیمه ئې د یوې
ټاکلې مودې لپاره وي او بیمه
کېدونکي ونه کړای شي د هغې د
مودې له تېریدو وروسته پولي ادعا
وکړي.

فعالیتوهای خود دارای محاسبه و
ذخایر جداگانه باشد.

عواید تابع مالیات بر عایدات
شرکت های بیمه
ماده ټول و نهه:

عواید ذیل شرکتوهای
بیمه، تابع مالیات بر عایدات
می باشد:

۱ - عواید تکت پولی ، مفاد
سهم ، کرایه و سائر عوایدیکه
از سرمایه گذاری و ملکیت بدست
می آید.

۲ - عواید حاصله از فعالیتوهای غیر
بیمه.

۳ - عواید حاصله از حق
بیمه در مقابل حریق، سرقت،
حادثات مریضی، خسارات یا
زیانیکه بیمه آن برای یک
مدت معین بوده و بیمه
شونده نتواند بعد از انقضای
میعاد آن ادعای پولی
نماید.

۴- له پانگه ايزو معاملو څخه ترلاسه شوي عوايد .

د بيمه شوو مالياتي معافيت

پنځوسمه ماده :

د بيمې هغه حق چې د ليکلي قرار داد د عقد په موجب اخستل شوی او بيمه شوو يا د هغو منتفعو اشخاصوته د مشخصې کتې وروستی ورکړه ايجاب کړي ، پر عايداتو باندې له مالياتو څخه معاف دی .

د بيمې د شرکتونو د نه مجرايي

وړ ورکړې

يو پنځوسمه ماده :

په بيمې پورې اړوند لاندې لگښتونه او ورکړې چې د بيمې حق يې د دې قانون په پنځوسمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق له مالياتو څخه معاف دي ، د مجرايي وړ ندي:

۱- د بيمې د صادرېدو کمېشن او نور لگښتونه .

۴- عوايد حاصله معاملات سرمايوي.

معافيت مالياتي بيمه شدگان

ماده پنجاهم:

حق بيمه که به موجب عقد قرار داد تحريري اخذ شده و تاديه نهائی مفاد مشخص را به بيمه شدگان يا اشخاص منتفع شان ايجاب نمايد، از ماليات بر عايدات معاف اند.

تاديات غير قابل مجرائی

شرکت های بيمه

ماده پنجاه و یکم:

مصارف و تاديات ذيل مربوط به بيمه که حق بيمه آن مطابق حکم مندرج ماده پنجاهم اين قانون از ماليات معاف است، قابل مجرائی نمی باشد:

۱- کمیشن و سائر مصارف صدور بيمه.

۲ - تادیه منافع بیمه به مشترکین یا اشخاص ذینفع آن.

تادیات قابل مجرائی

شرکت های بیمه

ماده پنجاه و دوم:

(۱) مصارف و تادیات ذیل شرکتهای بیمه از عواید شان قابل مجرائی است:

۱ - مبلغ تادیه شده ناشی از بیمه که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۲ - کمیشن و سائر مصارف صدور که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۳ - مصارف بیمه مجدد که حق بیمه از درک آن تابع مالیات باشد.

۴ - افزودی به ذخایر غرض جبران خساره ادعا ها، مشروط براینکه چنان ذخایر از صد فیصد حق بیمه حمل و نقل و پنجاه فیصد

۲- مشترکینو یا نورو ذینفعو اشخاصو ته یی دیمیی دگتو ورکړه.

د بیمی د شرکتونو د مجرایي

وړ ورکړې

دوه پنځوسمه ماده :

(۱) د بیمی د شرکتونو لاندې لگښتونه او ورکړې د هغو له عوایدو څخه د مجرایي وړ دي :

۱- له هغې بیمې څخه را پیدا شوی ورکړل شوی مبلغ چې د بیمې حق دهغه له درکه د مالیاتو تابع وي .

۲- کمېشن او د صادرېدو نور لگښتونه چې د بیمې حق د هغو له درکه د مالیاتو تابع وي .

۳- د بیا بیمې لگښتونه چې د بیمې حق د هغو له درکه د مالیې تابع وي.

۴- د ادعاگانو د زیان د جبران په غرض په زېرمو کې زیاتوالی ، پدې شرط چې هغه ډول زېرمې د حمل او نقل د بیمې د حق له سل په سلو کې او د هغو زیانونو او پېښو د

حق بیمه سایر امکانات خساره و حادثات ايکه در ظرف سال مالی بدست آمده است، تجاوز نکند.

۵ - افزودی به ذخایر زیان عملیات بیمه ايکه حق بیمه مربوط به آن تابع مالیه باشد، مشروط براینکه این ذخایر از دوچند مبلغ سرمایه گذاری شده در ساحه بیمه متذکره تجاوز نکند.

۶ - سایر مصارف ضروری کار و عملیات مندرج فصل (۲) این قانون و مصارف مندرج ماده پنجاه و یکم این قانون از این امر مستثنی است.

(۲) انتقال یا تادیه از ذخایر مندرج اجزای (۴ و ۵) فقره (۱) این ماده عواید قابل مالیه را در سال مالی مربوط تشکیل می دهد. انتقال یا تادیه ناشی از ادعا ها یا خسارات حقیقی یا تادیات

امکانات د بیمې د حق له پنځوس په سلو کې څخه چې د مالي کال په اوږدو کې لاسته راغلي ، تجاوز ونکړي.

۵- د هغې بیمې د عملیاتو د زیان په زېرمو زیاتېدل چې په هغې پورې د بیمې اړوند حق د مالیه تابع وي ، پدې شرط چې دغه زېرمې دنوموړې بیمې په ساحه کې د پانگې اچول شوي مبلغ له دوه چنده څخه تجاوز ونکړي.

۶- د دې قانون په دوه یم فصل کې درج شوي دکار او عملیاتو نور اړین لگښتونه او د دې قانون په یو پنځوسمه ماده کې درج شوي لگښتونه لدې امر څخه مستثنی دي.

(۲) ددې مادې د (۱) فقرې په (۴ او ۵) جز کې له درج شویو زېرمو څخه لېږدو نه یا ورکړه ، په اړوند مالي کال کې دمالیه وړعواید جوړوي. له ادعاگانو یا حقیقي زیانونو یا په پیسو باندې د ونډې له

گټې څخه را پيدا شوې لېږدونه او ورکړه له دې امر څخه مستثنې ده .

د بيمې د بهرنيو شرکتونو د

ماليې وړ عوايدو تثبيت

دري پنځوسمه ماده :

د بيمې له هغه حق څخه را پيدا شوي عوايد چې د بيمې د بهرني شرکت يا د بيا بيمې شرکت په واسطه د افغانستان له دننه څخه لاس ته راځي ، په لاندې توگه پر عايداتو باندې د مالياتو تابع دي:

۱- د بيمې د هغه حق د مبلغ اندازه چې شرکت يې د مالي کال په ترڅ کې د هېواد له دننه څخه لاس ته راوړي ، معلومه شي.

۲- د بيمې دهغه حق د ټول مبلغ اندازه چې شرکت د مالي کال په ترڅ کې له مختلفو هېوادونو څخه لاس ته راوړي دي ، وټاکل شي.

۳- په نورو هېوادونو کې له خپلو فعاليتونو څخه د شرکت دخالصو عوايدو

مقاد سهم به پول، از اين امر مستثنی است.

تثبيت عوايد قابل ماليه شرکت

های خارجی بیمه

ماده پنجاه و سوم:

عوايد ناشی از حق بیمه که توسط شرکت خارجی بیمه یا شرکت بیمه مجدد از داخل افغانستان بدست می آید، طور ذیل تابع پرداخت مالیات بر عايدات می باشد:

۱ - اندازه مبلغ حق بیمه ايکه شرکت در خلال سال مالی از داخل کشور بدست می آورد، معلوم گردد.

۲ - اندازه مبلغ مجموعی حق بیمه ايکه شرکت در خلال سال مالی از ممالک مختلف بدست آورده است، تعیین گردد.

۳ - اندازه عوايد خالص شرکت ناشی از فعاليتهايش در ساير

اندازه پر عايداتو باندې د مالياتو اود ونډې دگټې له ورکړې دمخه، تثبيت شي.

۴- په (۱) جز کې درج شوي ټاکلي مبلغ په (۲) جز کې پر درج شوي ټاکلي مبلغ باندې تقسيم، په (۳) جز کې له درج شوي ټاکلي مبلغ سره ضرب، د ماليې له ور عوايدو څخه عبارت دي.

اتم فصل

د بانکونو، سهامی

شرکتونو، پور او پانگې

اچونې مالیه

د مالیاتو د ورکړې تابع ګټه

څلور پنځوسمه ماده:

له پانگه ییزو معاملو څخه د ونډې د ګټې، ټکټ پولی، تخفیف یا تنزیل، کرایې، فیس، کمېشن او ګټې له درکه د بانکونو، سهامی شرکتونو د پور او پانگې اچونې عايدات، پر عايداتو باندې د مالیاتو تابع دي.

کشور ها قبل از تادیه مالیات بر عايدات ومفاد سهم تثبيت گردد.

۴- مبلغ معینه مندرج جز (۱) تقسیم مبلغ معینه مندرج جز (۲) ضرب مبلغ معینه مندرج جز (۳) این ماده عبارت از عوايد قابل مالیه می باشد.

فصل هشتم

مالیه بانک ها، شرکت های

سهامی، قرضه و سرمایه

گذاری

مفاد تابع پرداخت مالیات

ماده پنجاه و چهارم:

عايدات بانکها، شرکتهای سهامی، قرضه و سرمایه گذاری از درک مفاد سهم، تکت پولی، تخفیف یا تنزیل، کرایه، حق الزحمه، فیس، کمیشن و مفاد از معاملات سرمایوی تابع پرداخت مالیات بر عايدات می باشد.

د اړينو لگښتونو مجرائي

پنځه پنځوسمه ماده :

د دې قانون په څلور پنځوسمه ماده کې له درج شويو عوايدو څخه د کار اړين لگښتونه د مجرايي وړ دي .

د پانگه ييزو معاملو له درکه زيانونه او د پورونو او په پيسو باندې د ونډې د گټې د ورکړې له درکه د زيانونو په وړاندې پر زېرمې باندې زياتوالي هم د مجرايي وړ دي .

پر زېرمې باندې زياتوالي

شپږ پنځوسمه ماده :

د پورونو له درکه د زيانونو په وړاندې پر زېرمې باندې زياتوالي په هغه شرط د مجرايي وړ دي چې د مالي کال په پای کې د نه ورکړل شوو اصلو پورونو په سلو کې له پنځه ويشتو څخه تجاوز ونکړي. (له هغې پرته چې د زېرمې په موخه وي) له نوموړې زېرمې څخه هره لېږدېدنه يا ورکړې د هغه مالي

مجرائي مصارف ضروري

ماده پنجاه و پنجم:

مصارف ضروري کار از عوايد مندرج حکم ماده پنجاه و چهارم اين قانون قابل مجرائي می باشد.

خسارات از درک معاملات سرمايوي و افزودی به ذخيره در مقابل خسارات از درک قروض و تاديه مفاد سهم به پول نیز قابل مجرائي می باشد.

افزودی به ذخيره

ماده پنجاه وششم:

افزودی به ذخيره در مقابل خسارات از درک قروض به شرطی قابل مجرائي می باشد که از بيست و پنج فيصد اصل قروض تاديه نشده در اخير سال مالی تجاوز نکند. هر انتقال يا تاديات از ذخيره متذکره (باستثنای آنکه مطابق به هدف ذخيره باشد)

کال ڇي پکي لږدېدنې يا ورکرو
صورت موندلي دي ، د ماليې د ورکړې
وړ عايدات جوړوي.

په ارزښت کي زياتوالي يا
لږوالي

اووه پنځوسمه ماده :

د شتمنۍ په توگه د ونډې ، پور او
هغو ته د ورته سندونو په ارزښت
کي زياتوالي يا لږوالي ددې قانون د
حکمونو مطابق ، تر هغه
وخته پورې چې د پلورنې
يا تبادلې له لارې يې ځانته
د واقعيت څېره نيولې نه وي ،
د اعتبار وړ ندي . کله چې گټه
يا زيان د نوموړې شتمنۍ د پلورنې
يا تبادلې له لارې تحقق ومومي ،
دغه گټه يا زيان دهغه
کال عايدات يا زيان
جوړ وي چې پکي پلورنې
يا تبادلې صورت موندلي دي .

عايدات قابل ماليه سالي را که
درآن انتقال يا تاديات
صورت گرفته، تشکيل مي دهد.

تزئيد يا تنقيص در
ارزش

ماده پنجاه و هفتم:

تزئيد يا تنقيص در ارزش اسناد
سهم، قرضه وامثال آن منحيث
دارائي طبق احکام اين قانون تا
زمانیکه از طريق فروش يا
تبادلـه صورت واقعيـت
را بخود نگرفته باشد،
مدار اعتبار نيست. زمانیکه
مفاد يا زيان از طريق فروش
و تبادلـه دارائي متذکره
تحقق يابد اين مفاد
يا زيان عايدات و يا زيان
سالي را تشکيل مي دهد که
درآن فروش ويا تبادلـه
صورت گرفته است.

نهم فصل

د عايداتو له سرچينو څخه د

مالياتو وضع كول

د ماليي وضع كول او لېږدول

اته پنځوسمه ماده :

هغه حقيقي او حتمي انتفاعي او
غير انتفاعي اشخاص چې د
کارکوونکو شمېرې د کال په یوې
میاشتې کې دوه تنه یا له هغو څخه
زیات وي او ټول وزارتونه، تصدی،
بناروالۍ او نورې دولتي ادارې
مکلف دي د دې قانون په څلورمه
ماده کې د درج شویو حکمونو له په
پام کې نیولو سره، له ورکړې
وړټولو معاشونو او مزدوریو څخه
مالیه وضع او د دولت د عوایدو
حساب ته یې ولېږدوي.

د کورونو او ودانیو مالیه

نهمه پنځوسمه ماده :

(۱) هغه کورونه او ودانۍ
چې د سوداگریزو یا کاري

فصل نهم

وضع نمودن مالیات از منابع

عايدات

وضع و انتقال مالیه

ماده پنجاه و هشتم:

اشخاص حقيقي و حتمي
انتفاعي و غير انتفاعي ايکه
تعداد کارکنان شان در يکي
از ماه های سال دو نفر يا بيشتر
از آن باشد و کليه وزارت ها،
تصدی ها، شاروالی ها و ساير
ادارات دولتی مکلف اند
از تمام معاشات و مردهای قابل
تأديه با نظر داشت احکام
مندرج ماده چهارم اين قانون
مالیه وضع و به حساب عوايد
دولت انتقال نمایند.

مالیه کرایه منازل و ساختمان ها

ماده پنجاه و نهم:

(۱) منازل و ساختمان های که
به منظور انجام فعالیت های

تجارتی ویا دفاتر کاری
به اشخاص حقیقی یا حکمی به
کرایه داده می شود،
از کرایه آن تابع پرداخت
مالیات موضوعی قرار ذیل
می باشند:

۱- در صورتیکه کرایه ماهوار آن
از ده هزار افغانی الی یکصد هزار
افغانی باشد، ده فیصد.

۲- در صورتیکه کرایه ماهوار
بیشتر از یکصد هزار افغانی
باشد، پانزده فیصد.

(۲) مستأجرین منازل و
ساختمانهای مندرج فقره (۱) این
ماده مکلف اند مالیه عواید را
مطابق طرز العملی که توسط
وزارت مالیه وضع می گردد،
تأدیه نمایند.

(۳) مالیه مندرج این ماده
که منحیث مسؤولیت مالیاتی
مؤجر توسط مستأجر وضع
می گردد، کرایه الی پنداشته

دفتر و نو د فعالیتونو د سرته
رسولو په منظور، حقیقی
یا حکمی اشخاصو ته په کرایه
ورکول کېږي، په لاندې ډول د
هغو له کرایې څخه د موضوعي مالیو
د ورکړې تابع دي :

۱- که چېرې میاشتنۍ کرایه
له لسو زرو افغانیو څخه تر سلو زرو
افغانیو پورې وي، په سلو کې لس.

۲- که چېرې میاشتنۍ کرایه له سلو
زرو افغانیو څخه زیاته وي، په سلو
کې پنځلس.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې د
درج شوو کورونو او ودانیو
مستأجرین مکلف دي د عوایدو
مالیه د هغې کړنلارې مطابق چې
د مالیې وزارت په واسطه وضع
کېږي، ورکړي.

(۳) پدې ماده کې درج شوې مالیه
چې د مؤجر د مالیاتي مسئولیت په
توگه د مستأجر په واسطه وضع
کېږي، هغه کرایه گڼل کېږي چې

می شود که به مؤجر تادیبه شده است. این مالیه پیش پرداخت مسئولیت مالیاتی مؤجر محسوب و حین تادیبه مالیه مجرائی داده می شود. در صورت بروز منازعه میان مؤجر و مستأجر در رابطه به تادیبه کرایه، مستأجر می تواند سند مالیات وضع شده را منعیث سند تادیبه کرایه به مقامات مربوطه ارائه نماید.

(۴) تأدیاتی که در بدل استفاده از جایداد حاصل می گردد، شامل انواع ذیل می باشد:

- انواع واحد پولی، اموال، خدمات و هر گونه نفعی که شخص یا اشخاص از طریق به کرایه دادن ملکیت بدست می آورند.
- مصارف ترمیمات و بازسازی که به مصرف مستأجر، در ملکیت صورت می گیرد.

مؤجر ته ورکړل شوې ده . دغه مالیه د مؤجر د مالیاتی مسئولیت د دمخه ورکړه حسابېږي او د مالیه د ورکړې په وخت کې مجرایي ورکول کېږي . د کرایې د ورکړې په اړه د مؤجر او مستأجر ترمنځ د شخړې د رامنځته کېدو په صورت کې ، مستأجر کولای شي د وضع شوو مالیاتو سند د کرایې د ورکړې د سند په توګه اړوندو مقاماتو ته وړاندې کړي .

(۴) هغه ورکړې چې له جایداد څخه د ګټې اخستنې په بدل کې ترلاسه کېږي ، لاندې ډولونه پکې شامل دي:

- هر ډول پولې واحد ، مالونه ، خدمتونه او هر ډول ګټه چې شخص یا اشخاص یې د ملکیت د په کرایې ورکولو له لارې لاسته راوړي.
- د هغو ترمیماتو او بیاجوړونې لګښتونه چې د مستأجر په لګښت ، په ملکیت کې صورت مومي .

(۵) در صورتی که کرایه ملکیت کمتر از ارزش واقعی آن باشد، وزارت مالیه می تواند کرایه را مطابق نرخ روز توسط هیئت با صلاحیت تثبیت نماید.

(۶) دفاتر رهنمای معاملات مکلف اند یک کاپی از قرارداد منعقد ملکیت را حین عقد قرارداد به وزارت مالیه تسلیم نمایند، در صورت تأخیر یا تزویر در اسناد توسط رهنمای معاملات، وزارت مالیه به منظور رسیدگی، موضوع را رسماً به وزارت عدلیه خبر می دهد.

(۷) هر گاه ثابت گردد که کرایه، بیست فیصد کمتر از نرخ روز تثبیت گردیده، با نظر داشت حکم فقره (۵) این ماده، اجراءات صورت می گیرد.

در صورت اختلاف در مورد تثبیت کرایه،

(۵) به هغه صورت کې چې د ملکیت کرایه د هغه له واقعي ارزښت څخه لږ وي، د ماليې وزارت کولای شي کرایه د ورځې د نرخ مطابق د واکمن هیئت په واسطه تثبیت کړي.

(۶) د معاملو د لارښوونې دفترونه مکلف دي د قرار داد د عقدولو په وخت کې د منعقد قرارداد یوه کاپي د ماليې وزارت ته ورکړي، د معاملو د لارښوونې لخوا د ځنډ یا په سندونو کې د تزویر په صورت کې، د ماليې وزارت د څېړنې په منظور، موضوع رسماً د عدليې وزارت ته خبر ورکوي.

(۷) که چېرې ثابت شي چې کرایه د ورځې له نرخ څخه په سلو کې شل لږ تثبیت شوې ده، د دې مادې د (۵) فقرې د حکم له په پام کې نیولو سره اجراءات صورت مومي.

د کرایي د تثبیت په هکله د اختلاف په صورت کې، مؤجر مکلف دی

مؤجر مکلف است ثابت نماید که نرخ تعیین شده از طرف وزارت مالیه صحت ندارد، این حکم زمانی قابل تطبیق پنداشته می شود که وزارت مالیه دلایل و اسنادی را بدست می آورد که مقدار کرایه مندرج قرار داد کمتر از آن است، که پرداخته می شود. در این صورت وزارت مالیه می تواند مؤجر را به پرداخت مجازات نقدی دو چند مبلغ ایکه در قرارداد کتمان شده است، مکلف نماید.

(۸) هر گاه مالیه قابل پرداخت، طی پانزده روز بعد از تاریخ معینه تأدیه نگردد، اجراءات ذیل صورت می گیرد:

۱- انتقال حق شخص مؤجر در

ثابته کړي چې د مالي وزارت لخوا ټاکل شوی نرخ صحت نه لري ، دغه حکم هغه وخت د تطبیق وړ ګڼل کېږي چې د مالي وزارت داسې دلایل او سندونه لاسته راوړي چې په قرار داد کې د درج شوې کرایې مقدار له هغه څه څخه لږ دی چې ورکول کېږي. پدې صورت کې د مالي وزارت کولای شي مؤجر د هغه مبلغ په دوه چنده چې په قرارداد کې پټ شوی دی، د نغدي مجازاتو په ورکړه مکلف کړي.

(۸) که چېرې د ورکړې وړ مالیه له ټاکلې نېټې وروسته په پنځلسو ورځو کې ورکړل شي ، لاندې اجراءات صورت مومي:

۱- له جایداد څخه د ګټې اخستنې

یک توافقنامه کرایه یا قرارداد های مشابه آن، جهت حصول پول در بدل استفاده از جایداد طوری عملی می گردد که حق فوق الذکر بعد از یادداشت تحریری وزارت مالیه به صفت نماینده دولت مؤقتاً به وزارت مالیه منتقل گردد.

۲- هر گاه مستأجر، مالیه قابل تأدیه را در خلال (۳۰) روز بعد از دریافت یادداشت وزارت مالیه تحویل ننماید، حق مؤجر در قرارداد کرایه و یا قرارداد های مشابه به آن، جهت اخراج کرایه نشین نسبت عدم پرداخت کرایه طوری عملی می گردد که حق مذکور به وزارت مالیه منحیث نماینده دولت منتقل گردد. این حالت تا زمانی باقی می ماند که وزارت مالیه عواید ناشی از کرایه وهرمالیه اضافی قابل تأدیه

به بدل کې د پیسو د ترلاسه کولو لپاره، دکرایې په یوه موافقه لیک یا قرارداد کې د مؤجر شخص حق داسې عملی کېږي چې پورته ذکر شوی حق، د دولت داستازي په صفت د مالیې وزارت له لیکلې یاددښت وروسته مؤقتاً مالیې وزارت ته ولېږدول شي .

۲- که چېرې مستأجر ، د ورکړې وړ مالیه د مالیې وزارت د یاددښت له ترلاسه کولو وروسته په (۳۰) ورځو کې تحویل نکړي ، د کرایې په قرارداد یا ورته قراردادونو کې د مؤجر حق ، دکرایې د نه ورکولو له امله دکرایه کښېناستونکي د ایستلو لپاره پداسې ډول عملی کېږي چې نوموړی حق د دولت د استازي په توګه د مالیې وزارت ته ولېږدېږي . دغه حالت ترهغه وخته پورې پاتې کېږي چې د مالیې وزارت له کرایې او ددې قانون په شپاړسم فصل کې درج دورکړې وړ هر ډول اضافي

ماليي څخه را پيدا شوي عوايد ترلاسه کړي.

د مالياتو د ورکړې او لېږدېدو وخت

شپېتمه ماده :

هغه کار فرما چې د دې قانون په اته پنځوسمه ماده کې د درج شوي حکم مطابق، د ماليي په وضع کولو باندې مکلف دی، وضع شوی مبلغ د راتلونکې مياشتې تر لسمې پورې هغه ټاکلي بانکي حساب ته چې د ماليي وزارت لخوا ورپېژندل کېږي، په بانک کې تحويلوي. کار فرما مکلف دی د مالياتو د وضع کولو رپوټ پر عايداتو باندې د مالياتو د تعليماتنامې مطابق اړوندو مالياتي ادارو ته وړاندې کړي.

د صورت حساب برابرول

يو شپېتمه ماده :

(۱) کار فرما مکلف دی د ماليي وزارت د لارښود مطابق اړوندو

مندرج فصل شانزدهم اين قانون را حصول نمايد.

ميعاد پرداخت ماليات و انتقال

ماده شصتم:

کارفرمايکه مطابق حکم مندرج ماده پنجاه و هشتم اين قانون مکلف به وضع نمودن ماليات می باشد، مبلغ وضع شده را الی دهم ماه بعدی به حساب معينه بانکي ايکه از طرف وزارت ماليه معرفی می شود، تحويل بانک می نمايد. کارفرما مکلف است راپور وضع ماليات را مطابق تعليماتنامه ماليات بر عايدات به شعبات مربوط مالياتي ارائه نمايد.

تهيه صورت حساب

ماده شصت و يکم:

(۱) کارفرما مکلف است، مطابق رهنمود وزارت ماليه صورت

حساب معاش و ماليه کارکنان مربوط را طور انفرادی تهیه والی اخیرماه اول سال بعدی به وزارت ماليه یا شعبات مالیاتی و کارکنان مربوط ارائه نماید.

(۲) کارفرمای مندرج فقره (۱) این ماده مکلف است راپور توحیدی سالانه مالیات وضع شده از معاشات ومزدها را با توضیح ، محل ووقتیکه از طرف وزارت ماليه تثبیت می گردد، ارائه نماید.

میعاد ارائه صورت حساب

ماده شصت و دوم:

(۱) مؤدی مکلف است راپور صورت حساب معاش و ماليه سالانه خویش را یک و نیم ماه بعد از ختم سال مالی به شعبات مالیاتی مربوطه ارائه نماید.

(۲) هرگاه مؤدی واجد شرایط آتی

کارکونکو د معاش او مالیې صورت حساب په انفرادي توګه برابر او د راتلونکي کال د لومړۍ میاشتې تر پایه پورې یې د مالیې وزارت یا مالیاتي څانګو او اړوندو کارکونکو ته وړاندې کړي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی کارفرما مکلف دی له معاشونو او مزدوریو څخه د وضع شوو کليو مالیاتو توحیدي رپورت د ځای او وخت په څرګندولو سره چې د مالیې وزارت لخوا تثبیتېږي، وړاندې کړي.

د صورت حساب دوړاندې کولو وخت

دوه شپېتمه ماده :

(۱) مؤدي مکلف دی د خپل کلي معاش او مالیې د صورت حساب رپورت، د مالي کال له پایته رسېدو یوه نیمه میاشت وروسته ،اړوندو مالیاتي څانګو ته وړاندې کړي .

(۲) که چېرې د لاندې شرایطو

صورت حساب معاش و ماليه سالانه خود را بعد از تصديق کارفرما به شعبات مالياتي در خلال يک و نيم ماه بعد از ختم سال مالي ارائه نمايد، از ترتيب اظهار نامه جداگانه معاف مي باشد:

۱ - ماليه ده عايد ديگري غير از معاش يا مزد يکه ماليات از آن وضع گرديده در خلال سال مالي نداشته باشد.

۲ - ماليه ده در خلال سال مالي توسط بيشتر از يک کارفرما استخدام نشده باشد.

۳ - ماليه وضع شده با نورم مندرج فقره (۳) ماده چهارم اين قانون مطابقت داشته باشد.

ارائه اظهارنامه

ماده شصت و سوم:

مؤدى که از معاشات يا مردهاى تابع وضع ماليات

لرونكى مؤدى د خپل كلني معاش او ماليي صورت حساب ، د کارفرما له تصديق وروسته د مالي کال له پايته رسېدو وروسته د يوې نيمې مياشتې په ترڅ کې وړاندې کړي ، د جلا اظهارليک له وړاندې کولو څخه معاف دی :

۱- ماليه ورکوونکى له معاش يا مزد پرته چې ماليه ور څخه وضع شوې وي ، د مالي کال په ترڅ کې بل عايد و نلري .

۲- ماليه ورکوونکى د مالي کال په اوږدو کې له يوه کارفرما څخه د زياتو لخوا استخدام شوى نه وي.

۳- وضع شوې ماليه ددې قانون د څلورمې مادې په (۳) فقره کې له درج شوي نورم سره مطابقت ولري.

د اظهارليک وړاندې کول

دري شپېتمه ماده :

هغه مؤدى چې د مالياتو د وضع له تابع معاشونو او مزدوريو څخه له

از بيشتر از يک کارفرما دارای عوايد بوده يا هم غير از معاشات و مزد ها از ساير منابع عوايد داشته باشد، مکلف است اظهار نامه ماليات بر عايدات خود را مطابق احکام اين قانون ارائه نمايد. مبالغ وضع شده ماليه به مؤدی قابل مجرائی می باشد.

فصل دهم

ماليه معاملات انتفاعی

ماليه عرضه خدمات و معاملات

انتفاعی

ماده شصت و چهارم:

ماليه انتفاعی: عبارت از ماليه است که از سرجمع عوايد ناخالص (فروشات) قبل از وضع هر نوع کسرات مطابق نورم مندرج ماده شصت و ششم اين قانون اخذ می گردد. (۱) شخص حکمی که اجناس و

يوه کارفرما له زیاتو خخه د عوايدو لرونکی وي او يا هم له معاشونو او مزدوريو پرته له نورو سرچينو خخه عوايد ولري ، مکلف دی پرعايداتو باندي د مالياتو خپل اظهارليک د دې قانون د حکمونو مطابق وړاندي کړي . د ماليې وضع شوي مبالغ مؤدي ته د مجرائي وړ دي .

لسم فصل

د انتفاعي معاملو ماليه

د خدمتونو د وړاندي کولو او

انتفاعي معاملو ماليه

خلور شپيته ماده:

انتفاعي ماليه: له هغې ماليې خخه عبارت ده چې د ناخالصو عوايدو له سرجمع (خرڅلاو) خخه د هر ډول کثراتو له وضع کولو دمخه، ددې قانون په (۶۶) ماده کې د درج شوي نورم مطابق اخستل کېږي. (۱) هغه حکمي شخص چې اجناس

خدمات را در مقابل قیمت عرضه می نماید، مکلف به پرداخت مالیه معاملات انتفاعی می باشد.

(۲) شخص حقیقی که اجناس یا خدمات را در مقابل قیمت عرضه می نماید و عاید آن در هر ربع مبلغ هفت صد و پنجاه هزار افغانی و یا بیشتر از آن باشد، مکلف به پرداخت مالیه معاملات انتفاعی می باشد. اشخاص مندرج فقره های (۲)، (۳)، (۴ و ۵) ماده شصت و ششم این قانون از این حکم مستثنی است.

(۳) اشخاصی که به توريد اموال می پردازند، تابع دو فیصد مالیه معاملات انتفاعی قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکی بوده و منحیث پیش پرداخت مالیات معاملات انتفاعی وی پنداشته می شود.

(۴) مالیه مندرج فقره (۳) این ماده در گمرک اخذ می شود که اموال

او خدمتونه د بیې په مقابل کې وړاندې کوي، دانتفاعي مالیه په ورکړه مکلف دی.

(۲) هغه حقیقی شخص چې اجناس یا خدمتونه د بیې په وړاندې عرضه کوي او عاید یې په هره ربع کې اووه سوه پنځوس زره یا له هغو څخه زیات وي، د انتفاعي معاملو د مالیه په ورکړه مکلف دی.

ددې قانون د (۶۶) مادې په (۲)، (۳)، (۴ او ۵) فقره کې درج شوي اشخاص، لدې حکم څخه مستثنی دي.

(۳) هغه اشخاص چې د مالونو په واردولو لاس پورې کوي، دانتفاعي معاملو د گمرکي محصول په شمول د وارډو شوو مالونو د تمامې شوې بیې د دوه فیصده مالیه تابع دي.

(۴) ددې مادې په (۳) فقره کې درج شوې مالیه، په هغه گمرک کې اخستل

کېږي چې مالونه په هغه کې محصولېږي.
(۵) له یوه کاري واحد څخه د ترلاسه شوو عوایدو سرجمع، د تجزیې وړ ندی.

(۶) که چېرې د خدمتونو او مالونو له وړاندې کولو څخه ترلاسه شوي عواید، پرنفدو پیسو، جنس یا خدمت پر وړاندې کولو باندې مشتمل وي، دپلورنې له درکه دجنس یا د ترلاسه شوي خدمت ارزښت، د ورځې له نرخ څخه عبارت دی.

د انتفاعي معاملو له ماليې څخه

معافیت

پنځه شپېتمه ماده:

لاندې عواید د انتفاعي معاملو له ماليې څخه معاف دي:

۱- د ټکټانې د تحصیل له درکه ترلاسه شوي عواید.

۲- د اسعارو له تبادلې د بانکي حساب او پس انداز له فعالیت، پراماناتو باندې له معاملې یا له بانکي حساب څخه دهغو له اخستلو، د

در آن محصول می گردد.
(۵) سرجمع عواید حاصله از یک واحد کاری، قابل تجزیه نمی باشد.

(۶) هرگاه عواید حاصله از عرضه خدمات و اموال مشتمل بر پول نقد، جنس یا ارائه خدمت باشد، ارزش جنس و ارائه خدمت حاصله از درک فروش، عبارت از نرخ روز می باشد.

معافیت از مالیة معاملات

انتفاعی

ماده شصت و پنجم:

عواید ذیل از مالیة معاملات انتفاعی معاف می باشد:

۱- عاید حاصله از درک تحصیل ټکټانه.

۲- فیس حاصله از تبادلۀ اسعار، فعالیت حساب بانکی و پس انداز معامله روی امانات یا اخذ آن

از حساب بانکی، صدور چک یا تضمین نامه ها، بانکداری از طریق انترنت، تهیه رهن یا قرضه، ارائه کربدت تدریجی.

۳- قرارداد نقدی موکول به تاریخ معین در آینده.

۴- عقد قرارداد موکول به آینده با انتقال فزیکي جنس مندرج قرارداد.

۵- حق الیمه از درک تهیه هرگونه بیمه یا بیمه مجدد.

۶- مفاد سهمیکه توسط سهامدار از شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت یا تضامنی از درک سهام یا تکتانه شراکت سهامدار اخذ می گردد.

۷- عاید حاصله از درک صادرات اجناس و خدمات.

۸- عاید حاصله از درک عرضه خدمات مندرج مواد

چک یا تضمین لیکونو له صادرولو، د انترنت له لارې له بانکداری، د رهن یا پور له برابرولو، د تدریجی کربدت له وړاندې کولو څخه ترلاسه شوی فیس.

۳- په راتلونکې کې ټاکلې نېټې ته موکول نغدي قرارداد.

۴- په قرارداد کې د درج شوي جنس له فزیکي لېږد سره، راتلونکې ته د موکول قرارداد عقد.

۵- د هر ډول بیمې یا بیا بیمې د برابرولو له درکه حق الیمه.

۶- دهغه سهم ګټه چې د سهم لرونکي په واسطه له سهامې یا محدودالمسئولیت یا تضامني شرکت څخه د سهم لرونکي د سهامو یا د شراکت د ټکټانې له درکه اخستل کېږي.

۷- داجناسو او خدمتونو دصادربدو له درکه ترلاسه شوی عاید.

۸- ددې قانون په (۱۷ یا ۴۶) ماده کې ددرج شوو خدمتونود وړاندې

(۱۷ یا ۴۶) این قانون.

۹- عاید حاصله از کرایه یا اجاره جایداد رهایشی به شخص حقیقی در صورتی که مستأجر از جایداد من حیث اقامتگاه رهایشی خویش برای اضافه تر از شش ماه سال مالی استفاده نموده باشد.

۱۰- عاید حاصله از فروش جایداد شخص حقیقی خارج روند معمولی فعالیت های تجاری وی. فروشات صرف در صورتی خارج از روند معمولی فعالیت های تجاری شخص حقیقی پنداشته می شود که چنین فروشات بصورت منظم و دوامدار صورت نگیرد.

اندازه مالی معاملات انتفاعی

ماده شصت و ششم:

(۱) دو فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از هر نوع فعالیت های

کولو له در که ترلاسه شوی عاید.

۹- حقیقی شخص ته د اوسپدنې د جایداد له کرایې یا اجارې څخه ترلاسه شوی عاید، په هغه صورت کې چې مستأجر له جایداد څخه د خپلې اوسپدنې د ځای په توګه، د مالی کال له شپږو میاشتو څخه زیاته ګټه اخستې وي.

۱۰- د حقیقی شخص د جایداد له پلورنې څخه ترلاسه شوی عاید، د هغه د سوداګریزو فعالیتونو له معمولي بهیر څخه بهر پلورنې یوازې په هغه صورت کې د حقیقی شخص د سوداګریزو فعالیتونو له معمولي بهیر څخه بهر ګڼل کېږي چې دغه ډول پلورنې په منظمه او دوامداره توګه صورت ونه مومي.

د انتفاعي معاملو د مالیې اندازه

شپږ شپېتمه ماده:

(۱) ددې مادې له (۲) څخه تر (۵) فقره کې د درج شوو اشخاصو په استثنی، ددې قانون د (۶۴) مادې

انتفاعي اشخاص مندرج فقره های (۱ و ۲) ماده شصت و چهارم این قانون به استثنای اشخاص مندرج فقره های (۲ الی ۵) این ماده.

(۲) دو فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از خدمات هتل ها یا مهمان خانه ها و رستوران های که ماهوار کمتر از حد مندرج فقره (۲) ماده شصت و چهارم این قانون عاید داشته باشد.

خدمات هتل یا مهمانخانه به مفهوم این قانون عبارت از تهیه خوابگاه و ارائه خدمات (نان، نوشابه، لباس شویی و خدمات مخابراتی) می باشد که اشخاص مؤقتاً به حیث مسافر در آنجا اقامت دارند.

(۳) پنج فیصد عواید حاصله (قبل از وضع کسرات) از خدمات هتل ها یا مهمان خانه ها و

په (۱ او ۲) فقره کې د درج شوو اشخاصو له هر ډول انتفاعي فعالیتونو څخه (د کسراتو له وضع کولو دمخه) د ترلاسه شوو عوایدو په سلو کې دوه .

(۲) د هغو هټلونو یا مېلمستونونو او رستورانونو له خدمتونو څخه چې په میاشت کې ددې قانون د (۶۴) مادې په (۲) فقره کې له درج شوي حد څخه لږ عاید ولري او (د کسراتو له وضع د مخه) د ترلاسه شوو عوایدو په سلو کې دوه.

د هټل یا مېلمستون خدمتونه ددې قانون په مفهوم عبارت دي، له هغو اشخاصو ته چې مؤقتاً هلته د مسافر په توګه استوګنه لري، د خوب د خونې برابرول اود خدمتونو (ډوډۍ، څښاک، جامو پرېمینیځلو او مخابراتي خدمتونو)، وړاندې کول.

(۳) دهغو هټلونو یا مېلمستونونو او رستورانونو له خدمتونو څخه چې په میاشت کې ددې قانون د (۶۴)

رستوران ٺاھي ڪھ عوايد شان
بيشتر از حد مندرج فقره (۲)
ماده شصت و چهارم اين
قانون باشد.

خدمات رستوران به مفهوم
اين قانون عبارت از خدمات تهيه
غذا يا نوشابه توسط تأسيسات
كه در آنجا تسهيلات صرف
عاجل غذا به مراجعين فراهم
مي گردد و رسانيدن غذاي تهيه
شده و يا به معني فروش غذاي
طبخ شده كه در محوطه رستوران
آماده شده باشد.

(۴) پنج فيصد عوايد حاصله
(قبل از وضع كسرات) از
خدمات سالون ها و كلوپ هاي
برگذاري محافل.

(۵) ده فيصد عوايد حاصله
(قبل از وضع كسرات) از درك
خدمات مخابرات، ترانسپورت
هوائي، هتل ها و رستوران هاي
داراي خدمات بالا.

مادي په (۲) فقره ڪي له درج شوي
حد څخه زيات وي، (دكسراتو له
وضع د مخه) د ترلاسه شوو عوايدو
په سلو ڪي پنځه.

د رستوران خدمتونه ددې قانون په
مفهوم عبارت دي له د خوړو يا
څښاک د برابرولو خدمتونه د هغو
تأسيساتو په واسطه چي هلته
مراجعينو ته د خوړو د بېرني خوړلو
اسانتياوي برابرېږي اود برابر شوو
خوړو رسول يا د پخو شوو خوړو د
خرڅلاو په معني چي د رستوران
په انگړ ڪي چمتو شوي وي.

(۴) دمحفلونو د جوړولو دسالونونو
او کلوپونو له خدمتونو څخه د
ترلاسه شوو عوايدو (دکسراتو له
وضع د مخه) په سلو ڪي پنځه.

(۵) دمخابراتو، هوايي ترانسپورت،
د لوړو خدمتونو لرونکو هوټلونو او
رستورانونو د خدمتونو له درکه، له
ترلاسه شوو عوايدو څخه (دکسراتو
له وضع د مخه) په سلو ڪي لس.

خدمات مخابراتي و خطوط هوائي به مفهوم اين قانون عبارت از خدمات مخابراتي (تهيه هر نوع خدمات تيلفوني، انترنت و فکس) مي باشد و خدمات مسافري که مبداء پرواز آن افغانستان باشد.

(۶) هرگاه ماليه دهنده مندرج فقره هاي (۳، ۴ و ۵) اين ماده ادعا نمايد که یک يا چند ماه عوايد ناشي از عرضه خدمات تابع ماليه مندرج اين فقره ها را نداشته، مکلف است، موضوع را کتباً ضميمه اظهارنامه مالياتي به وزارت ماليه اطلاع و تسليم نمايد. هرگاه ادعا مورد تائيد قرار گيرد، تابع پرداخت ماليه مندرج فقره هاي فوق نمی باشد. در صورتیکه ادعاي مذکور خلاف حقيقت ثابت

مخابراتي اود هوايي کربنو خدمتونه ددې قانون په مفهوم عبارت دي له مخابراتي خدمتونه، (دهرډول تيلفوني، انترنت او فکس خدمتونو برابرول دي) د مسافر بری هغه خدمتونه چې د الوتنې مبداء يې افغانستان وي.

(۶) که چېرې ددې مادې په (۳، ۴ او ۵) فقره کې درج شوی ماليه ورکونکی ادعا وکړي چې يوه يا څو مياشتې په دغو فقرو کې د درج شوې ماليې تابع خدمتونو له وړاندې کولو څخه راپيدا شوي عوايد نلري، مکلف دی موضوع په ليکلي توگه د مالياتي اظهارليک په ضميمه د ماليې وزارت ته خبر او تسليم ورکړي، که چېرې ادعا دتائيد وړ وگرځي، په پورتنیو فقرو کې د درج شوې ماليې تابع ندی، په هغه صورت کې چې نوموړې ادعا د حقيقت خلاف ثابته شي، ددې مادې په (۳، ۴ او ۵)

گردد، علاوه بر پرداخت مالیه مندرج فقره های (۳، ۴ و ۵) این ماده مطابق حکم مندرج فقره (۲) ماده نود و هشتم این قانون مکلف به تادیه مالیه اضافی نیز می باشد.

(۷) وزارت مالیه جهت تطبیق بهتر این ماده و تعیین معیارهای آن طرزالعمل وضع و اجرا می نماید.

تطبیق مالیه معاملات انتفاعی

ماده شصت و هفتم:

(۱) مالیه معاملات انتفاعی از سرجمع عواید حاصله، بدون نظر داشت اینکه مالیه دهنده در طول سال جاری یا سالهای قبلی مفاد یا زیان نموده است قابل تادیه می باشد.

(۲) مبلغ ایکه از درک مالیه معاملات انتفاعی پرداخته شده است، حین سنجش عواید قابل سال مربوط به حیث قلم مصرف،

فقره کی د درج شوې مالیې پر ورکړه برسېره، ددې قانون د اته نوي یمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، داضافي ماليې په ورکړه هم مکلف دی.

(۷) د ماليې وزارت ددې مادې د ښه تطبیق اود هغې د معیارونو د ټاکلو لپاره، کړنلاره وضع او اجراء کوي.

د انتفاعي معاملو د ماليې تطبیق:

اووه شپېتمه ماده:

(۱) دانتفاعي معاملو مالیه، د ترلاسه شوو عوایدو له سرجمع څخه، ددې له په نظر کې نیولو پرته چې مالیه ورکوونکي د روان کال یا دمخه کلونو په اوږدو کې ګټه یا زیان کړی دی، دورکړې وړ ده.

(۲) هغه مبلغ چې د انتفاعي معاملو د ماليې له درکه، ورکړل شوی دی، د ماليې وړ اړوندو عوایدو د سنجولو په وخت کې، د لګښت د

قلم په توگه، د مجرايي وړ دی.

(۳) ددې قانون د (۶۴) مادې په

(۳) فقره کې درج شوي ماليه، د

انتفاعي معاملو د ماليې د مکلفیتونو

د سنجولو په وخت کې، د مجرايي

وړ ده. که چېرې ورکړل شوی

مبلغ د هماغه کال د ورکړې وړ

انتفاعي معاملو له ماليې څخه

زیات وي، اضافي مبلغ په وروستیو

دورو کې د مجرايي وړ ندی.

یوو لسم فصل

ثابت مالیات

قابل مجرائی می باشد.

(۳) مالیة مندرج فقره (۳)

ماده شصت و چهارم این

قانون، حین سنجش مکلفیت های

مالیة معاملات انتفاعی، قابل

مجرائی می باشد. هرگاه مبلغ تادیه

شده بیشتر از مالیة معاملات

انتفاعی قابل تادیه همان سال باشد،

مبلغ اضافی در دوره های بعدی

قابل مجرائی نمی باشد.

فصل یازدهم

مالیات ثابت

فعالیات های انتفاعی تابع مالیات

ثابت

ماده شصت و هشتم:

اشخاصی که فعالیت های

انتفاعی مندرج احکام این

فصل را انجام می دهند

تابع پرداخت مالیات ثابت،

به عوض مالیات بر عایدات و مالیة

د ثابتو مالیاتو تابع انتفاعي

فعالیتونه

اته شپېتمه ماده:

هغه اشخاص چې ددې فصل په

حکمونو کې درج شوي انتفاعي

فعالیتونه سرته رسوي، پر عایداتو

باندي د مالیاتو او انتفاعي

معاملو د مالیاتو په عوض د ثابتو

مالیاتو د ورکړې تابع دي .

د ثابتو مالیاتو د ورکړې وخت

نهه شپېتمه ماده :

د مالي کال په ترڅ کې ثابتـه ماليه د ورکړې وړ ده ، خو دا چې په قانون کې بل ډول اټکل شوي وي .

د وارداتي مالونو ثابته ماليه

اویایمه ماده :

(۱) هغه اشخاص چې د سوداګریز جواز لرونکي دي او د مالونو په واردولو لاس پورې کوي ، د هغو د ګمرکي محصول په شمول د واردو شوو مالونو د تمامې شوې بېې په سلو کې د دوو ثابتې ماليې تابع دي . ورکړل شوې ماليه د هغوی پر کلنیو عایداتو باندې د مالیاتو د دمخه ورکړې په توګه ګڼل کېږي او دغه ډول ورکړې ، د دې قانون د حکمونو مطابق ، د نوموړو اشخاصو د تادیاتي مکلفیت په وړاندې په پام کې نیول کېږي .

معاملات انتفاعی می باشند.

میعاد تادیه مالیه ثابت

ماده شصت و نهم:

مالیه ثابت درخلال سال مالی قابل تادیه می باشد، مگر اینکه در قانون طور دیگری پیشبینی گردیده باشد.

مالیه ثابت اموال وارداتی

ماده هفتم:

(۱) اشخاصی که دارای جواز تجارتي بوده و به توريد اموال می پردازند، تابع دو فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول ګمرکی آن می باشند. مالیه تادیه شده منحیث پیش پرداخت مالیات بر عایدات سالانه وی پنداشته شده و چنین تادیات درمقابل مکلفیت تادیاتی شخص مذکور مطابق احکام این قانون مد نظر گرفته می شود.

(۲) اشخاصی که بدون داشتن جواز تجارتی به تورید امـوال می پردازند، تابع پرداخت سه فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکی آن به عوض مالیات بر عایدات پنداشته می شود.

(۳) اشخاصی که جواز نامه تجارتی مؤقت داشته، به تورید امـوال تجارتی میپردازند و اظهار نامه مالیاتی را به وزارت مالیه ارائه نمیدارند، تابع پرداخت سه فیصد مالیه ثابت قیمت تمام شد اموال وارده به شمول محصول گمرکی آن به عوض مالیات بر عایدات پنداشته می شوند.

(۴) مالیات مندرج فقره های

(۲) هغه اشخاص چې د سوداگريز جواز له لرلو پرته د مالونو په واردولو لاس پورې کوي ، پرعایداتو باندې د مالیاتو په عوض د هغو د گمرکي محصول په شمول د وارډو شوو مالونو د تمامې شوې بېي په سلو کې د دریو ثابتې ماليې د ورکړې تابع دي .

(۳) هغه اشخاص چې مؤقت سوداگريز جواز لري او د سوداگريزو مالونو په واردولو لاس پورې کوي او مالیاتي اظهارليک د ماليې وزارت ته نه وړاندې کوي ، پرعایداتو باندې د مالیاتو په عوض د هغو د گمرکي محصول په شمول د وارډو شوو مالونو د تمامې شوې بېي په سلو کې د دریو ثابتې ماليې د ورکړې تابع گڼل کېږي .

(۴) د دې مادې په فکرو کې درج

این ماده در گمرکی اخذ می شود که اموال در آنجا محصول می گردد.

ماليه ثابت عراده جات

ماده هفتاد و یکم:

اشخاصی که به مقصد فعالیت تجارتي توسط وسایط نقلیه دست داشته، به انتقال اموال و حمل و نقل اشخاص می پردازند، قبل از تجدید جواز سیر، ذیلاً مکلف به پرداخت مالیه سالانه پنداشته می شوند:

۱- عراده باربری به اساس تن:

- از یک الی دو تن، مبلغ دوهزارو ششصد افغانی.

- بیشتر از دو الی سه تن، مبلغ سه هزارو چهارصد افغانی.

- بیشتر از سه الی چهارتن، مبلغ چهار هزارو دوصد افغانی.

- بیشتر از چهار الی پنج تن، مبلغ

شوي ماليات په هغه گمرک کې اخستل کېږي چې مالونه هلته محصول کېږي .

د عراده جاتو ثابته ماليات

يو اويايمه ماده :

هغه اشخاص چې په لاس کې د شتو وسایطو په واسطه د سوداگريز فعالیت په مقصد د مالونو په لېږدولو او د اشخاصو په حمل او نقل لاس پورې کوي، د جواز سیر له نوي کولو دمخه په لاندې توگه د کلنۍ ماليې په ورکړه مکلف گڼل کېږي:

۱- بار وړونکې عراده د تن په اساس:

- له یوه څخه تر دوو تنو پورې، دوه زره او شپږ سوه افغانی.

- له دوو څخه زیات تر دریو تنو پورې، درې زره او څلور سوه افغانی.

- له دریو څخه زیات تر څلورو تنو پورې، څلور زره او دوه سوه افغانی.

- له څلورو څخه زیات تر پنځو تنو

- پورې ، پنځه زره افغانۍ.
- پورې ، شپږ زره افغانۍ .
- پورې،اووه زره اوپنځه سوه افغانۍ .
- پورې ، نهه زره افغانۍ .
- پورې، لس زره اوپنځه سوه افغانۍ .
- څوار لسو تنو پورې، دوولس زره افغانۍ.
- تڼو پورې، ديارلس زره او پنځه سوه افغانۍ.
- تڼو پورې ، پنځلس زره افغانۍ .
- تڼو پورې، شپاړس زره او پنځه سوه افغانۍ .
- له شلو څخه زيات تر پنځه ويشتو تنو پورې، اتلس زره او پنځه سوه افغانۍ .
- پنج هزار افغانۍ.
- بیشتر از پنج الی شش تن، مبلغ شش هزار افغانۍ.
- بیشتر از شش الی هشت تن، مبلغ هفت هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از هشت الی ده تن، مبلغ نه هزار افغانۍ.
- بیشتر از ده الی دوازده تن ، مبلغ ده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از دوازده الی چهارده تن، مبلغ دوازده هزار افغانۍ.
- بیشتر از چهارده الی شانزده تن، مبلغ سیزده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از شانزده الی هجده تن، مبلغ پانزده هزار افغانۍ.
- بیشتر از هجده الی بیست تن، مبلغ شانزده هزارو پنجصد افغانۍ.
- بیشتر از بیست الی بیست و پنج تن، مبلغ هجده هزارو پنجصد افغانۍ.

- له پنځه ويشتو تنو څخه زيات، په اتلس زره او پنځه سوه افغانيو برسېره يو تن پنځه سوه افغانی .
- د ترلېر د اګسل د پاسه د مجاز وزن له مجموع څخه زيات، له پنځه سوه کيلوګرامه څخه اضافه، يو تن، دوه سوه افغانی.
- ۲- مسافر وړونکي عراده جات :
- له دريو څخه تر پنځو تنو پورې په ظرفيت تکسي ، دوه زره افغانی .
- د پنځو تنو له ظرفيت پورته تکسي په دوه زره افغانيو برسېره ، يوه څوکۍ دوه سوه افغانی .
- څوارلس څوکۍ مکرو بس ، دوه زره او شپږ سوه افغانی .
- له پنځلسو څخه تر يوويشتو څوکیو پورې هر ډول بس ، څلور زره افغانی .
- له دوه ويشتو څخه تر نهه ويشتو څوکیو پورې ، شپږ زره افغانی .
- له دېرشو څخه تر نهه دېرشو څوکیو پورې ، اووه زره افغانی .
- بيشتر از بيست و پنج تن، فی تن مبلغ پنجمصد افغانی بر علاوه مبلغ هجده هزارو پنجمصد افغانی .
- از مجموع وزن مجاز بالای اکسل تريلر بالاتر از پنجمصد کيلو گرام فی تن اضافه، مبلغ دو صد افغانی.
- ۲- عراده جات مسافر بری:
- تکسی به ظرفیت سه الی پنج نفر مبلغ دو هزار افغانی .
- تکسی بالاتر از ظرفیت پنج نفر بر علاوه دو هزار افغانی ، فی چوکی ، مبلغ دو صد افغانی .
- مکرو بس چهارده چوکی ، مبلغ دو هزارو ششصد افغانی .
- انواع بس از پانزده الی بیست و یک چوکی ، مبلغ چهار هزار افغانی .
- از بیست و دو الی بیست ونه چوکی ، مبلغ شش هزار افغانی .
- از سی الی سی ونه چوکی ، مبلغ هفت هزار افغانی .

- له څلوېښتو څخه تر نهه څلوېښتو
څوکیو پورې اوو زره او پنځه سوه
افغانی.
- له پنځوسو څخه تر شپېتو څوکیو
پورې ، اته زره افغانی.
- له شپېتو څوکیو څخه زیاتې،
پر اتو زرو افغانیو بر سېره ، یوه
څوکی دوه سوه افغانی.
- ۳- عراده جات د سلنډر په
حساب:
- څلور سلنډره عراده جات، یوه
عراده ، یو زر او پنځه سوه افغانی.
- شپږ سلنډره عراده جات ، یوه
عراده ، دوه زره افغانی.
- اته سلنډره عراده جات ، یوه
عراده، درې زره افغانی.
- له اتو سلنډرو څخه زیات
عراده جات، پر درې زره افغانیو
برسېره یوسلنډر ، پنځه سوه
افغانی.
- ۴- رېکشا:
- د موټر سایکل رېکشا ، یوه
- از چهل الی چهل ونه چوکی،
مبلغ هفت هزارو پنجمصد
افغانی.
- از پنجاه الی شصت چوکی ،
مبلغ هشت هزار افغانی.
- بیستراز شصت چوکی، بر علاوه
مبلغ هشت هزار افغانی، فی چوکی
مبلغ دو صد افغانی.
- ۳ - عراده جات به حساب
سلنډر:
- عراده جات چهار سلنډر، فی
عراده مبلغ یکهزارو پنجمصد افغانی.
- عراده جات شش سلنډر ، فی
عراده مبلغ دو هزار افغانی.
- عراده جات هشت سلنډر فی
عراده مبلغ سه هزار افغانی.
- عراده جات بیستراز هشت
سلنډر بر علاوه سه هزار افغانی،
فی سلنډر مبلغ پنجمصد
افغانی.
- ۴ - رېکشا:
- رېکشای موټر سایکل ، فی

عراده، پنځه سوه افغانۍ.

- رېکشا يوه عراده، يو زر افغانۍ.

د قراردادي موضوعي ماليه

دوه اويايمه ماده :

(۱) هغه اشخاص چې د سوداگريز جواز لرونکي ندي او هغه اشخاص چې د منظوري شوي اساسنامې مغاير مواد، لوازم، خدمتونه او ودانيزې چارې له دولتي ادارو، بنارواليو، دولتي تصديو، خصوصي بنسټونو او نورو اشخاصو سره قرارداد وکړي، پرايډاتو باندې د مالياتو په عوض د ثابتې ماليې د اووه فيصده په ورکړه مکلف گڼل کېږي. دغه ماليه له ورکړې وړ جوهره څخه وضع کېږي.

(۲) د جواز لرونکي اشخاص چې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي خدمتونه او مواد له نوموړو بنسټونو سره ترسره کوي، د دوه فيصده قراردادي ماليې تابع دي.

عراده پنځصد افغانۍ.

- رېکشا، في عراده مبلغ يکهزار افغانۍ.

ماليه موضوعي قراردادي

ماده هفتاد و دوم:

(۱) اشخاصي که دارنده جواز تجارتي بوده و اشخاصي که مغاير اساسنامه منظور شده مواد، لوازم، خدمات و امور ساختماني را با ادارات دولتي، شاروالي ها، تصديدهاي دولتي، نهادهاي خصوصي وسایر اشخاص قرار داد نمایند، مکلف به تاديئه هفت فيصد ماليه ثابت به عوض ماليات بر عايدات پنداشته می شوند. اين ماليه از وجوه قابل پرداخت وضع می گردد.

(۲) اشخاص دارنده جواز که خدمات و مواد مندرج فقره (۱) اين ماده را با نهادهاي متذکره انجام می دهند تابع دو فيصد ماليه قراردادي می باشند. ماليه

مندرج این فقره درمقابل مکلفیت های مالیاتی بعدی قابل محاسبه و مجرائی می باشد.

(۳) مالیات مندرج فقره (۱ و ۲) این ماده توسط اشخاص تأدیه کننده حین تأدیه وضع و الی ده روز به حساب مربوط اداره مالیاتی انتقال نماید. قراردادکننده های مندرج این ماده مکلف اند حین عقد قرارداد کاپی آنرا همزمان به اداره مالیاتی مربوط بفرستند. اشخاص حقیقی که طبق حکم مندرج فقره (۱) ماده هفدهم این قانون، معاشات تابع مالیه را اخذ می نمایند، از این حکم مستثنی اند.

مالیه ثابت عواید نمایشات

ماده هفتاد و سوم:

(۱) مالیه ثابت صرف بالای

پدې فقره کې درج شوې مالیه، د وروستیو مالیاتي مکلفیتونو په وړاندې، د محاسبې او مجرائي وړ ده.

(۳) ددې مادې په (۱ او ۲) فقره کې درج شوي مالیات، د تأدیه کوونکو اشخاصو په واسطه د ورکړې په وخت کې وضع او تر لسو ورځو پورې دې د مالیاتي ادارې اړوند حساب ته ولېږدوي. پدې ماده کې درج شوي قرارداد کوونکي مکلف دي، د قرارداد د عقد په وخت کې د هغه کاپي په یوه وخت مالیاتي اړونده ادارې ته واستوي. هغه حقیقي اشخاص چې ددې قانون د اوولسمې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د مالیې وړ معاشونه اخلي، لدې امر څخه مستثنی دي.

د نندارو د عوایدو ثابته مالیه

دري اوایمه ماده :

(۱) ثابته مالیه یوازي په افغانستان

اشخاص حقيقي مقيم افغانستان و
اشخاص حقيقي و حکمی غیر مقيم
افغانستان تطبيق می گردد.

(۲) اشخاص مندرج فقره (۱) این
ماده که خدمات تفریحی مانند
تئاتر، نمایش فلم، رادیو یا تلویزیون
موسیقی یا مسابقات ورزشی را در
داخل افغانستان عرضه می نمایند،
تابع مالیه ثابت معادل ده فیصد
عواید حاصله از فروش تکت
می باشند. مالیه ثابت متذکره،
بعوض مالیات بر عایدات و مالیه
معاملات انتفاعی وضع می گردد.
این مالیه طبق حکم مندرج فقره
(۹) ماده هشتاد و هشتم این قانون
تأدیه می گردد، مالیه در دفتر
مالیاتی محلی که خدمات در آنجا
عرضه می گردد، قابل تأدیه می
باشد. سایر اشخاصی که خدمات
تفریحی را اجراء یا فراهم
می نمایند، مطابق احکام این قانون
تابع مالیات بر عایدات

کې پر مېشتو حقيقي اشخاصو او په
افغانستان کې پر نه مېشتو حقيقي او
حکمي اشخاصو باندې تطبيقېږي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې
درج شوي اشخاص، چې تفریحی
خدمتونه لکه تیاتر، د فلم ننداره،
رادیو یا تلویزیون، موسیقی یا
ورزشي مسابقې د افغانستان په دننه
کې وړاندې کوي، د تکت له پلورلو
څخه د لاسته راغلو عوایدو، د لسو
فیصدو معادل ثابتې مالیې تابع دي.
نوموړې ثابته مالیه، پر عایداتو باندې
د مالیاتو اود انتفاعي معاملو د مالیې
په عوض وضع کېږي دغه مالیه
ددې قانون د اته اتیایمې مادې په
(۹) فقره کې د درج شوي حکم
مطابق، ورکول کېږي. مالیه د سیمې
په مالیاتي دفتر کې چې خدمتونه هلته
وړاندې کېږي د ورکړي وړ
ده. نور هغه اشخاص چې تفریحی
خدمتونه اجراء یا برابروي، ددې
قانون د حکمونو مطابق، پر عایداتو

وماليه معاملات انتفاعي
قرار می گیرند.

مالیه ثابت تشبثات کوچک
(اصناف)

ماده هفتاد و چهارم:

(۱) اشخاص حقیقی که
مصرف کار و فعالیت واجد
شرایط ذیل باشند، طبق حکم
مندرج ماده هفتاد و پنجم این قانون
مکلف به پرداخت مالیه ثابت
می باشند:

۱- اشخاص حقیقی که عواید
داشته، تابع مالیه موضوعی
و معاف مندرج احکام این
قانون نباشد.

۲- مجموع عواید اشخاص حقیقی
که در سال مالی کمتر از سه
میلیون افغانی گردد.

(۲) اشخاص حقیقی مندرج فقره
(۱) این ماده مکلف به خانه پری و
ارائه اظهارنامه مالیات بر عایدات ،
مطابق حکم مندرج فقره (۶) ماده

باندې د مالیاتو اود انتفاعي معاملو د
مالیې تابع گرځي.

د کوچنیو تشبثاتو (اصنافو)
ثابته مالیه

څلور او پایمه ماده:

(۱) هغه د لاندې شرایطو لرونکي
حقيقي اشخاص چې په کار او
فعالیت بوخت وي، ددې قانون په
(۷۵) ماده کې د درج شوي حکم
مطابق، د ثابتې مالیې په ورکړه
مکلف دي:

۱- هغه حقيقي اشخاص چې
عواید لري، ددې قانون په
حکمونو کې د درج شوې موضوعي
او معاف مالیې تابع نه وي.

۲- دهغو حقيقي اشخاصو د عوایدو
مجموع چې په مالي کال کې له
دریو میلیونو افغانیو څخه لږ وي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې
درج شوي حقيقي اشخاص، ددې قانون
داته اټایمې مادې په (۶) فقره کې د درج
شوي حکم مطابق، پر عایداتو باندي

هشتاد و هشتم این قانون می باشند.
مالیه ثابت قابل تأدیه مطابق حکم
مندرج ماده هفتاد و پنجم این
قانون، محاسبه می گردد.

تعیین مالیات ثابت بالای فعالیت
های اقتصادی کوچک

(اصناف)

ماده هفتاد و پنجم:

(۱) هرگاه اشخاص حقیقی
در خلال سال مالی از درک
منابع تابع مالیه موضوعی
مندرج احکام این قانون
و سایر منابع الی مبلغ شصت هزار
افغانی عاید داشته باشد، از مالیه
معاف می باشد.

(۲) هرگاه اشخاص مندرج فقره
(۱) این ماده در خلال سال مالی
به استثنای عوایدی معاف از مالیه و
عوایدیکه تابع مالیه موضوعی
قرار می گیرد بیشتر از شصت
هزار الی مبلغ یکصد و پنجاه هزار
افغانی عاید داشته باشد

د مالیاتو د اظهارلیک په ډکولو او وړاندې
کولو مکلف دي. د ورکړې وړ ثابته مالیه،
ددې قانون په پنځه اویایمه ماده کې ددرج
شوي حکم مطابق، محاسبه کېږي.

پر کوچنیو اقتصادي فعالیتونو
(اصنافو) باندې د ثابتو مالیاتو

ټاکل

پنځه اویایمه ماده:

(۱) که چېرې حقیقی اشخاص د
مالي کال په ترڅ کې ددې قانون په
حکمونو کې د درج شوې موضوعي
ماليې تابع سرچینو او نورو سرچینو
له درکه تر شپېتو زرو افغانیو پورې
عاید ولري، له ماليې څخه
معاف دي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱)
فقره کې درج شوي اشخاص، د
مالي کال په ترڅ کې، له ماليې څخه
د معاف عوایدو او هغو عوایدو چې
دموضوعي ماليې تابع ګرځي، په
استثنای، له شپېتو زرو څخه زیات تر
یو سلو پنځو سو زرو افغانیو پورې

مكلف به پرداخت ماليه ثابت مبلغ پنجمند افغانی در هر ربع سال می باشد.

(۳) هرگاه اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده در خلال سال مالی به استثنای عواید معاف از مالیه و عوایدیکه تابع مالیه موضوعی قرار می گیرد، بیشتر از مبلغ یکمصد و پنجاه هزار افغانی الی مبلغ پنجمند هزار افغانی عاید داشته باشد، مكلف به پرداخت مالیه ثابت مبلغ یکهزار و پنجمند افغانی بر علاوه مبلغ ثابت مندرج فقره (۲) این ماده در هر ربع سال می باشد.

(۴) هرگاه اشخاص در خلال سال مالی به استثنای عواید معاف از مالیه یا عواید موضوعی تابع مالیه موضوعی مندرج احکام این قانون بیشتر از مبلغ پنجمند هزار افغانی الی مبلغ سه میلیون افغانی عاید داشته باشد مكلف به پرداخت سه

عاید ولری، د کال په هره ربع کې د پنځه سوه افغانیو ثابتې مالیې په ورکړه، مکلف دي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص، د مالي کال په ترڅ کې له مالیې څخه د معاف عوایدو او هغو عوایدو چې د موضوعي مالیې تابع ګرځي په استثنی، له یو سلو پنځو سو زرو افغانیو څخه زیات تر پنځه سوه زرو افغانیو پورې عاید ولري، ددې مادې په (۲) فقره کې پر درج شوي ثابت مبلغ برسېره، د یو زرو پنځه سوه افغانیو ثابتې مالیې په ورکړه مکلف دي.

(۴) که چېرې اشخاص د مالي کال په ترڅ کې له مالیې څخه د معاف عوایدو یا ددې قانون په حکمونو کې درج د موضوعي مالیې تابع موضوعي عوایدو په استثنی له پنځه سوه زرو افغانیو څخه زیات تر دریو میلیونو افغانیو پورې عاید ولري، له

فیصد مالیه ثابت از عواید ناخالص خود میباشد یا می تواند مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده چهارم این قانون از عواید قابل مالیه خود مالیات بر عایدات پردازد، انتخاب میعاد تطبیق مالیات بر عایدات مالیه معاملات انتفاعی یا مالیه ثابت مؤدی از مدت سه سال کمتر نمی باشد.

تعدیل معافیت ها

ماده هفتاد و ششم:

(۱) تعدیل معافیت ها و نورمهای مالیاتی مندرج احکام این قانون به پیشنهاد وزارت مالیه و منظوری مقامات ذیصلاح صورت می گیرد.

(۲) وضع مالیه و معافیت های مالیاتی بدون موافقه وزارت مالیه جواز ندارد.

خپلو ناخالصو عوایدو څخه د درې فیصده ثابتې مالې په ورکړه مکلف دي یا کولی شي ددې قانون د څلورمې مادې په (۳) فقره کې د درج شوي حکم مطابق، د مالې ورکړې وړخپلو عوایدو څخه پر عایداتو باندې مالیات ورکړي، دانتفاعي معاملو دمالې پر عایداتو باندې دمالیاتو یا دموډي دثابتي مالې دتطبیق د وخت ټاکل، له دریو کلونو څخه لږ نه وي.

د معافیتونو تعدیل

شپږ اويايمه ماده :

(۱) ددې قانون په حکمونو کې د درج شوو مالیاتي معافیتونو اونورو تعدیل، دمالې وزارت په وړاندیز او دواکمنو مقامونو په منظوری صورت مومي.

(۲) د مالې وضع کول او مالیاتي معافیتونه، د مالې وزارت له موافقې پرته جواز نه لري.

دوولسم فصل

دکان دجواز، دکان دواک لیک

یا د هایدروکاربن د قرارداد

پر لرونکي باندې د

مالیاتو د وضع کولو لپاره

مالیاتي مقررات

تعریفونه

اووه او یایمه ماده:

(۱) لاندې اصطلاحگانې پدې فصل کې لاندنۍ معناوې لري:

۱- د هایدروکاربونونو قرارداد :

د پلټنې له یوه قرارداد یا په هر هغه قانون کې د درج شویو خدمتونو له قرارداد څخه عبارت دی چې په افغانستان کې هایدروکاربونونو په هکله تطبیق شي. هایدروکاربونونه له نفتو او ګاز او دهغو له نورو مشتقاتو څخه عبارت دي.

۲- د کانونو واک لیک: له هغه اجازه لیک څخه عبارت دی چې د کانونو د قانون د حکمونو مطابق د

فصل دوازدهم

مقررات مالیاتي جهت

وضع مالیات بالای

دارنده جواز معدن، صلاحیت

نامه معدن یا قرارداد

هایدروکاربن

تعريفات

ماده هفتاد و هفتم:

(۱) اصطلاحات آتی در این فصل معانی ذیل را دارد:

۱ - قرارداد هایدروکاربن ها: عبارت از یک قرارداد تفحص یا قرارداد خدمات مندرج هر قانون ایکه درمورد هایدروکاربن ها در افغانستان تطبیق گردد، می باشد. هایدروکاربن ها عبارت از نفت و ګاز و سایر مشتقات آن می باشد.

۲ - صلاحیت نامه معادن: عبارت از اجازه نامه است که مطابق احکام قانون معادن از طرف

وزارت معادن به منظور اکتشاف معادن سنگ، بهره برداری دایمی معادن سنگ، بهره برداری مواد بیکاره قبلاً استخراج شده، بهره برداری حرفه ئی، تجارت، پروسس، حمل و نقل و یا تغییر شکل دهی مواد منرالی اعطا می گردد.

۳- جوازنامه: عبارت از سند است که به منظور اکتشاف یا بهره برداری از معادن مطابق قانون معادن اعطاء می گردد.

۴ - دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایدروکاربن: به مؤدی اطلاق می گردد که دارنده جوازنامه و صلاحیت نامه معدن بوده و یا یکی از جوانب ذیدخل در قرارداد هایدروکاربن باشد.

۵ - دارائی دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایدروکاربن: عبارت از دارائی

کانونو وزارت لخوا د ډبرو د کانونو، د اکتشاف، د ډبرو دکانونو د دایمی گټې اخستې، د دمخه استخراج شوو بیکاره موادو د گټې اخستې، حرفه یي گټې اخستې، سوداگری، پروسس، حمل او نقل یا دمنرالي موادو ډول ته د بدلون ورکولو په منظور، ورکول کېږي.

۳- جواز لیک: له هغه سند څخه عبارت دی چې د کانونو د اکتشاف یا گټې اخستې په منظور، دکانونو د قانون مطابق، ورکول کېږي.

۴- د کان د جواز، دکان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی: پر هغه مؤدي باندې اطلاقېږي چې د کان د جوازلیک او واک لیک لرونکی وي او یا د هایدرو کاربن په قرارداد کې له اړوندو اړخونو څخه یو وي.

۵- د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد د لرونکي شتمني: له هغې شتمنۍ څخه

عبارت ده چي :

- له (۱۲) مياشتو څخه زيات اغېزناک عمر ولري.

- د کان په جواز ، د کان په واک ليک يا د هايډرو کاربن په قرارداد کې په درج شويو فعاليتونو کې د مستقيمي گټې اخستې په منظور پېرودل يا ودان شوي وي .

(۲) يوه حلقه څاه چې د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد لرونکي په ذريعه د هايډرو کاربونونو د پلټنې ، پر مختيا يا توليد په منظور کيندل شوي وي ، د نوموړي شخصيت د شتمنۍ په توگه گڼل کېږي او ټول هغه لگښتونه چې د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد دلرونکي، بل شخص چې له نوموړي شخصيت سره د قرارداد پربنسټ څاه و کني په ذريعه يا د څاه په بندولو لگېدلې وي ، د څاه د کيندلو د لگښتونو

است که:

- عمر مؤثر بيشتر از (۱۲) ماه داشته باشد .

- به منظور استفاده مستقيم در فعاليت های مندرج جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايډروکاربن خريداري و يا اعمار شده باشد .

(۲) یک حلقه چاه که ذریعۀ دارندۀ جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرار داد هايډروکاربن به منظور تفحص، انکشاف يا توليد هايډروکاربن ها حفرگرديده باشد، منحيث دارائی شخصيت مذکور پنداشته شده و تمام مخارج که درجریان حفر چاه ذريعه دارندۀ جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايډروکاربن، شخص ديگرايکه به اساس قرارداد به شخصيت مذکور چاه را حفر نمايد، يا مسدود نمودن چاه به مصرف رسيده باشد،

په توگه گڼل کېږي ، که چېرې د
څاه د کیندلو یا د څاه د کیندلو د
قرارداد لگښتونه له یوه مالي
کال څخه زیات دوام ومومي ،
داسې گڼل کېږي چې نوموړي
شخصیت په هر کال کې جلا
شتمني لاسته راوړې او د هرې
شتمنۍ ارزښت ، د څاه کیندلو یا د
څاه د کیندلو د قرارداد د هماغه
کال له لگښتونو سره برابر دی .

د دوولسم فصل اولویت

اته اویایمه ماده :

پدې فصل کې ددرج شوو حکمونو
په استثنی ، ددې قانون په فصلونو
کې درج شوي مواد، دکان د جواز،
دکان دواک لیک یا دهایدرو کاربن
دقرارداد پر لرونکي په همغه شان
چې پر یوه معمولي مؤدي باندې
تطبیقېږي ، د تطبیق وړ دي ، خودا
چې د دې فصل د یوې مادې په
ذریعه بدلون ومومي.

منحیث مصارف حفر چاه پنداشته
می شود. هرگاه مصارف حفر یا
قرارداد حفر چاه بیشتر از یک سال
مالی ادامه یابد، طوری محسوب
می گردد که شخصیت مذکور
دارائی جداگانه را درهرسال
بدست آورده و ارزش هر
دارائی مساوی به مصارف
حفرچاه و یا قرارداد حفرچاه
درهمان سال می باشد.

اولویت فصل دوازدهم

ماده هفتاد و هشتم:

مواد مندرج فصول این قانون به
استثنای احکام مندرج این
فصل بالای دارنده جواز معدن،
صلاحیت نامه معدن یا قرار داد
هایدروکاربن به همان شیوه ایکه
بالای یک مؤدی معمولی تطبیق
می گردد، قابل تطبیق بوده ،
مگر اینکه ذریعه یک ماده این فصل
تغییر نماید.

د کان د جواز لرونکو مالیاتی

مکلفیتونه

نهه اویایمه ماده:

(۱) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی ، له واک لیکونو، جوازونو او قراردادونو څخه د هر یوه په اعتبار د جلا مؤدي په توګه ګڼل کېږي .

(۲) که چېرې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی ، د هایدرو کاربن له یوه څخه په زیاتو قراردادونو کې ذیدخل اړخ او یا د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا له یوه څخه د زیاتو او یا له پورته دواړو مواردو څخه د مرکب لرونکی وي، داسې حسابېږي چې هغه د هایدرو کاربن ، د کان د جواز او د کان د واک لیک د اړوندو سوداګریزو فعالیتونو پربنسټ د مجزا شخص په توګه ګڼل کېږي.

مکلفیت های مالیاتی دارندگان

جواز معدن

ماده هفتاد ونهم:

(۱) دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن به اعتبار هر یک از صلاحیت نامه ها، جوازها و قراردادها ، منحیث مؤدی جداگانه پنداشته می شود.

(۲) هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن، جناح ذیدخل در اضافه تراز یک قرارداد هایدروکاربن، یا دارنده بیشتراز یک جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا مرکب ازهر دومورد فوق باشد، اینطور محسوب می گردد که وی منحیث شخص مجزابه اساس فعالیت های تجارتي مربوط هر قرارداد هایدرو-کاربن، جواز معدن و صلاحیت نامه معدن پنداشته می شود.

(۳) هرگاه قرارداد هايډروکاربن، جواز معدن و صلاحيت نامه معدن تمدید گردد، تمدید آنها منحیث بخش از قرارداد اصلی هايډروکاربن، جواز و صلاحيت نامه معدن به منظور تطبيق این ماده، محسوب می گردد.

(۴) هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن و یا قرار داد هايډروکاربن، جناح ذیدخل دراضافه تراز یک قرارداد هايډروکاربن و یا دارنده بیشتر از یک جواز یا صلاحيت نامه معدن و یا مرکب از هر دو مورد فوق بوده و متقبل مصارف اضافه تراز یک قرارداد هايډروکاربن، جواز و یا صلاحيت نامه معدن گردد، مصارف متذکره میان بخش های مختلف فعالیت نظر به نحوه استفاده و بکاربرد مصارف، تقسیم می گردد.

(۳) که چبرې د هايډرو کاربن قرارداد، د کان جواز او د کان واک لیک تمدید شي، د هغو تمدید د هايډرو کاربن د قرارداد، د کان د جواز او واک لیک د اصلي برخې په توګه، د دې مادې د تطبيق په منظور ګڼل کېږي.

(۴) که چبرې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هايډرو کاربن د قرارداد لرونکی د هايډروکاربن له یوه څخه په زیاتو قراردادونو کې ذیدخل اړخ او یا د کان د جواز، یا د کان د واک لیک له یوه څخه زیاتو یا له پورته دواړو مواردو څخه د مرکب لرونکی وي او د هايډرو کاربن د قرارداد، د کان د جواز یا واک لیک له یوه څخه د زیاتو د لګښتونو متقبل شي، نوموړي لګښتونه د فعالیت د مختلفو اړخونو ترمنځ له لګښتونو څخه د ګټې اخستنې او د کارولو ډول ته په ګټې سره وېشل کېږي.

د انتفاعي معاملو مالیه

اتيایمه ماده:

ددې قانون په لسم فصل کې درج د انتفاعي معاملو مالیه پرلاندې عوایدو باندې د تطبیق وړ نده :

۱- د کاني موادو د پلورنې له مدرکه (هغه ډول چې د ۱۳۸۴ کال د کاني موادو په قانون کې تعريف شوي دي) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د لرونکي عواید چې دکان د جواز یا واک لیک تابع دي .

۲- د هایډرو کاربن د پلورنې له مدرکه ، د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د لرونکي عواید چې د هایډرو کاربن د قرارداد تابع دي.

۳- د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایډرو کاربن د قرارداد د پلورنې یا لېږدونې له مدرکه د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د

مالیه معاملات انتفاعی

ماده هشتادم:

مالیه معاملات انتفاعی مندرج فصل دهم این قانون بالای عواید ذیل قابل تطبیق نمی باشد:

۱ - عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن ازمدرک فروش مواد معدنی (طوريکه در قانون مواد معدنی سال ۱۳۸۴ تعريف گردیده است) که تابع جواز و یا صلاحیت نامه معدن می باشد.

۲ - عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن ازمدرک فروش هایډروکاربن که تابع قرارداد هایډروکاربن می باشد.

۳ - عواید دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایډروکاربن ازمدرک فروش یا انتقال جواز معدن، صلاحیت نامه

هايدرو کاربن د لرونکي عوايد.

د استهلاك وضع کېدل

يو اتيايمه ماده :

(۱) د دې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې د (۷) جزء پر خلاف، د کان د جواز ، دکان دواک ليک يا د هايدرو کاربن د قرارداد لرونکي چې دخپلې شتمنۍ د ترلاسه کولو په منظور ، د ودانۍ يا د ودانۍ د اشغال د حق په استثني لگښتونه مني، کولای شي د شتمنۍ د ترلاسه کولو لگښتونه د برابرې فيصدۍ پر بنسټ هر کال له لاندې مواردو څخه لږ مجرايي ترلاسه کړي:

۱- د شتمنۍ اغېزناک عمر(د استهلاك دوره) .

۲- د کسراتو د مجرايي پنځه کاله له هغه کال څخه چې شتمني پکې ترلاسه شوې ده، پيل کېږي .

(۲) ددې قانون د اتلسمې مادې د (۱) فقرې د (۷) جزء پر خلاف د

معادن و يا قرارداد هايدروکاربن.

وضع استهلاك

ماده هشتاد ويکم :

(۱) برخلاف جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم اين قانون ، دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرار داد هايدروکاربن که به منظور حصول دارائي خویش به استثنای تعمير يا حق اشغال تعمير، متقبل مصارف می گردد، می تواند مصارف حصول دارائي را به اساس فيصدي مساويانه، هر سال کمتر از موارد ذيل مجرائی حاصل نمايد:

۱ - عمر مؤثر دارائي (دوره استهلاك) .

۲ - پنج سال مجرائی کسرات از ساليکه دارائي در آن حصول گرديده است، آغاز می گردد.

(۲) برخلاف جزء (۷) فقره (۱) ماده هجدهم اين قانون یک دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن

يا قرار داد هايډروکاربن که به منظور اعمار يا حصول دارائی یعنی تعمير يا حصول حقوق جهت اشغال تعمير ، متقبل مصارف بدون کرایه سالانه می گردد، مصارف متذکره را به اساس فیصدی مساویانه درجریان (۱۵) سال وضع نموده می تواند. وضع کسرات در سال ایکه مصارف را در آن متقبل گردیده است، آغاز می گردد.

(۳) یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هايډروکاربن ایکه متقبل مصارف حصول صلاحیت نامه معدن، جواز معدن و یا قرارداد هايډروکاربن می گردد، مصارف حصول صلاحیت نامه، جواز معدن یا قرار داد هايډروکاربن را به اساس فیصدی مساویانه هر سال

يا د هايډروکاربن د قرارداد لرونکی چې د شتمنی د ودانولو يا ترلاسه کولو يعنې وداني يا د ودانی د نیولو (اشغال) لپاره د حقوقو د ترلاسه کولو په منظور له کلنی کرایې پرته لگښتونو متقبل کېږي، ذکر شوي لگښتونه د برابرې فیصدی پر بنسټ د (۱۵) کلونو په بهیر کې وضع کولای شي. د کسراتو وضع کول له هغه کال څخه چې لگښتونه پکې متقبل شوی دی، کېږي، پیل کېږي .

(۳) د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هايډرو کاربن د قرارداد لرونکی چې د کان د واک لیک ، د کان د جواز یا د هايډرو کاربن د قرارداد د ترلاسه کولو د لگښتونو متقبل کېږي ، د کان د واک لیک، د کان د جواز یا د هايډرو کاربن د قرارداد د ترلاسه کولو لگښتونه د برابرې فیصدی پر بنسټ ، هر کال له هغو کلونو څخه چې

از سال های که صلاحیت نامه، جواز و قرارداد فوق الذکر مورد تطبیق قرار می گیرند، وضع نموده می تواند.

(۴) ارزش استهلاك دارائی دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن در هر زمان من حیث مصارف اصلی منفی هر نوع کسرات مصارف اعمار یا حصول دارائی متذکره که مطابق این ماده مجاز دانسته شده، محسوب می گردد. هرگاه شخصیت فوق الذکر، دارائی خویش را بیشتر از ارزش بعد از وضع استهلاك آن بفروش رساند، قیمت اضافی از عواید قابل مالیه شخص مذکور محسوب می گردد. هرگاه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن

پورته ذکر شوی واک لیک، جواز او د هایدرو کاربن قرارداد تر تطبیق لاندې نیول کېږي، وضع کولای شي.

(۴) د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد د لرونکي د شتمني د استهلاك ارزښت، په هر وخت کې د اصلي لگښتونو په توګه منفي د ذکر شوې شتمني د ودانولو یا ترلاسه کولو د لگښتونو هر ډول کسرات چې د دې مادې مطابق مجاز ګڼل شوي دي، محسوبېږي. که چېرې پورته ذکر شوی شخصیت، خپله شتمني له ارزښت زیاته، دهغې له استهلاك وروسته وپلوري، اضافي بیه د نوموړي شخص له مالېې وړ عوایدو څخه محسوبېږي. که چېرې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکي خپله شتمني له ارزښت څخه په ټیټه د هغې د

دارائی خویشرا کمتر از ارزش
بعد از وضع استهلاک آن بفروش
رساند، می تواند مجرائی تفاوت
ارزش بعد از استهلاک و قیمت
فروش را در سالیکه دارائی در آن
بفروش رسیده ، بدست بیاورد.

مصارف اعمار سرکها

ماده هشتاد و دوم:

(۱) این ماده بالای دارنده
جواز معدن، صلاحیت نامه معدن
یا قرار داد هایدروکاربن که
متقبل مصارف اعمار سرک جهت
پیش برد فعالیت های که مطابق
جواز معدن ، صلاحیت نامه معدن
یا قرار داد هایدروکاربن می گردد،
تطبیق می شود.

(۲) شخصیت که در فقره (۱)
این ماده تشریح گردید،
می تواند مصارف اعمار سرک را
در ظرف پانزده سال،
با کسر مصارف سالی که در آن
سرک تکمیل می گردد،

استهلاک له وضع کولو وورسته
و پلوري ، کولای شي له استهلاک
او د پلورنې له بېې د وورسته
ارزښت د توپیر مجرائي په هغه کال
کې چې شتمنې پکې پلورل شوې
ده، لاس ته راوړي.

د سرکونو د جوړولو لگښتونه

دوه اتیایمه ماده :

(۱) دغه ماده دکان د جواز، دکان
دواک لیک یا د هایدرو کاربن د
قرارداد پر هغه لرونکي باندې چې د
هغو فعالیتونو د پر مخبیلو لپاره چې
د کان د جواز، د کان د واک لیک
یا د هایدرو کاربن د قرارداد مطابق،
د سرک جوړولو لپاره لگښتونه
مني، تطبیقېږي.

(۲) هغه شخصیت چې د دې مادې
په (۱) فقره کې تشریح شوی دی ،
کولای شي د سرک د جوړولو
لگښتونه لکه څرنګه چې د دې
مادې په (۱) فقره کې څرګنده
شوې ده، دهغه کال د لگښتونو په

چنانچه در فقره (۱) اين ماده توضيح گرديده است، وضع نمايد.

(۳) اين فقره بالای دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايديروکاربن که مطابق جواز معدن، صلاحيت نامه معدن ويا قرارداد هايديروکاربن، حقوق خویش را به شخص ديگر بفروش ميرساند ودرنتيجه شخص فروشنده سرک را که در فقره (۱) اين ماده تشریح گرديده است، استفاده ننموده و حاصل کننده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قرارداد هايديروکاربن ها از سرک متذکره استفاده می نمايد، تطبيق می گردد. درچنين حالت، شخص حاصل کننده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن يا قراردادهايديروکاربن مستحق وضع مصارف کسر ناشده اعمار سرک برای سالهای باقیمانده کسرات

کسر سره چي سرک پکي بشپري، د پنخلسو کلونو په موده کې، وضع کړي.

(۳) دغه فقره د کان د جواز، د کان د واک ليک يا د هايديروکاربن د قرارداد په لرونکي باندې چي د کان د جواز، د کان د واک ليک يا د هايديروکاربن د قرارداد مطابق خپل حقوق په بل شخص باندې پلوري او په پايله کې پلورونکي شخص له هغه سرک څخه چي د دې مادې په (۱) فقره کې تشریح شوی دی گټه نه اخلي او د کان د جواز، د کان دواک ليک يا د هايديروکاربونونو د قرارداد ترلاسه کونکي له نوموړي سرک څخه گټه اخلي، تطبيقېږي. پداسې حالت کې دکان دجواز، د کان د واک ليک يا دهايديروکاربونونو ترلاسه کونکي شخص دکسراتو دپاتې کلونو لپاره دسرک د جوړولو د نه کسر شوو لگښتونو دوضع کولو

می باشد. سال های متباقی کسر مصارف سرک با منفی نمودن تعداد سالهای که مالک و یا مالکین قبلی آن به اساس این ماده مستحق استهلاک بودند، از پانزده سال محاسبه می گردد.

(۴) در صورتیکه فقره (۳) این ماده بالای اعمار سرک ایکه در فقره (۱) این ماده توضیح گردیده است، تطبیق گردد، شخصی که حقوق خویش را مطابق جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرارداد هایدروکاربن بفروش میرساند، مطابق حکم این ماده مستحق مجرائی مصارف اعمار سرک در سالی که حقوق مذکور در آن فروخته شده و یا در سال های بعدی آن نمی باشد.

مصارف قبل از تولید

ماده هشتاد و سوم:

(۱) برخلاف ماده هجدهم این

مستحق دی. دسرک دلگبنتونو دکسرپاتی کلونه دهغو کلونودشمبر په منفی کولو سره چې پخواني مالک یا مالکان یې ددې مادې پربنسټ داستهلاک مستحق وو، له پنځلسو کلونو څخه محاسبه کېږي. (۴) په هغه صورت کې چې د دې مادې (۳) فقره دهغه سرک پر جوړولو باندې چې د دې مادې په (۱) فقره کې تشریح شوی دی تطبیق شي، هغه شخص چې خپل حقوق دکان دجواز، دکان د واک پانې یا دهایدرو کاربن د قرارداد مطابق پلوري، ددې مادې د حکم مطابق په هغه کال کې چې نوموړي حقوق پکې پلورل شوي یا دهغه په راوړسته کلونو کې دسرک د جوړولو دلگبنتونو دمجرایي مستحق ندی .

له تولید د مخه لگبنتونه

دري اتيایمه ماده :

(۱) د دې قانون د اتلسمې مادې

قانون، دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن ويا قرارداد هايديروکارين صرف مصارف قبل از توليد را به اساس فيصدي مساويانه در هر سال طی ميعاد وصول مصارف قبل از توليد مجرائي گرفته می تواند، در صورتي که :

۱ - "مصارف قبل از توليد" عبارت از مصارف است که دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن ويا قرار داد هايديروکارين قبل از توليد تجارتي مواد معدني در مدت فعاليت مربوط به جواز معدن، صلاحيت نامه معدن متقبل شده باشد. با آنها، مصارف قبل از توليد دربرگیرنده مصارف حصول دارائي دارنده جواز معدن، صلاحيت نامه معدن ويا قرار داد

پرخلاف د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايديرو کارين د قرارداد لرونکي يوازي له توليد څخه د مخه لگښتونه د برابرې فيصدي پر بنسټ په هر کال کې له توليد څخه د دمخه لگښتونو د رسېدو په موده کې په هغه صورت کې مجرائي اخستي شي چې :

۱ - "له توليد څخه دمخه لگښتونه" له هغو لگښتونو څخه عبارت دي چې د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايديرو کارين د قرارداد لرونکي د کان په جواز، د کان په واک ليک يا د هايديرو کارين په قرارداد پورې د اړوندو فعاليتونو په موده کې د سوداگريزو کاني موادو له توليد څخه دمخه متقبل شوی وي. لدې سره سره له توليد څخه د مخه لگښتونه ، د کان د جواز، د کان د واک ليک يا د هايديرو کارين د قرارداد د لرونکي د شتمني د ترلاسه کولو لگښتونه ،

هايډروکاربن معادن يا مصارف
اعمار سرک نمی باشد.

۲ - "ميعاد وصول دوباره مصارف
قبل از توليد" در فعاليت های
استخراج معادن و يا هايډروکاربن
که ذريعه دارنده جواز معدن،
صلاحيت نامه معدن يا قرار داد
هايډروکاربن دريکي از ساحات
تعريف شده در جواز معدن
و يا صلاحيت نامه معدن
عبارت از مدت کمتر از ميعاد
ذيل باشد:

- پانزده سال.

- تعداد سالهای باقیمانده در جواز
يا صلاحيت نامه.

- "ميعاد وصول دوباره مصارف
قبل از توليد" برای یک شرکت
هايډروکاربن عبارت از تعداد
سالهای باقیمانده در قرارداد
می باشد.

(۲) دارنده جواز معدن ،
صلاحيت نامه معدن يا قرارداد

د کانونو يا د سرک د جوړولو
لگښتونه په بر کې نه نيسي.

۲- د کانونو يا د هايډرو کاربن د
استخراج په فعاليتونو کې « له توليد
خنځه د دمخه لگښتونو د بيا رسېدو
موده » چې د کان د جواز ، د کان
د واک ليک يا د هايډرو کاربن د
قرارداد لرونکي په ذريعه د کان په
جواز يا د کان په واک ليک کې له
تعريف شوو ساحو خنځه په يوې کې
د لاندې ميعاد له لږې مو دې خنځه
عبارت وي :

- پنځلس کاله .

- په جواز يا واک ليک کې د پاتو
کلونو شمېر .

۳- د هايډروکاربن ديوه
شرکت لپاره "له توليد
خنځه د دمخه لگښتونو
د بيا رسېدو موده" په قرارداد کې د
پاتو کلونو شمېردی .

(۲) د کان د جواز ، د کان د واک
ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد

هایدروکاربن طوری پنداشته می شود که فعالیت های تولیدات تجارتي مواد معدنی و هایدروکاربن ها را در یکی از موارد ذیل (هر کدام آنها که نخست واقع گردد) آغاز نموده است:

۱ - درسالیکه وزارت مالیه و وزارت معادن یادداشت کتبی را مبنی بر اینکه وزارت خانه های متذکره به استناد یادداشت تحریری شخصیت فوق الذکر پذیرفته اند که شخصیت متذکره فعالیت های تجارتي را آغاز نموده است، صادر نمایند.

۲ - در صورتیکه یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن دارای صلاحیت نامه معادن باشد، از سالیکه فروشات مواد معدنی شش فیصد بیش از مصارف قبل از تولید را تشکیل دهد که وی در سال قبلی

لرونکی داسی گنل کبری چي د کاني مواد او هایدرو کاربونو سوداگریز فعالیتونه يي له لاندې مواردو څخه په یوه کې (له هغو څخه هر یو چې لومړی واقع شي) پیل کړيدي:

۱- په هغه کال کې چې د مالیې وزارت او د کانونو وزارت، پدې هکله چې ذکر شوو وزارتخانو د پورتنی ذکر شوي شخصیت دلیکلي یادښت په استناد، منلې ده چې ذکر شوي شخصیت سوداگریز فعالیتونه پیل کړيدي، لیکلی یادښت صادر کړي.

۲- په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان دواک لیک یا د هایدرو کاربن د قراردادو لرونکی، د کانونو د واک لیک لرونکی وي، له هغه کال څخه چې د کاني موادو پلورنه، له تولید څخه ددمخه لگښتونو په سلو کې له شپږو څخه زیات تشکیل کړي چې هغه په تېر

کال کې متقبل شوی دي .

۳- په هغه صورت کې چې یو ذکر شوی شخصیت د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی وي ، هغه کال چې پکې د هایدرو کاربونونو د پلورنې له درکه عواید تر هغې وړاندې د نوموړي شخصیت په واسطه د متقبل شوو له تولید څخه د دمخه لگښتونو د ټاکلي حد له فیصدي څخه د لگښتونو د ټاکلي حد فیصدي د (۱۰۰) پر عدد باندې د هایدرو کاربن د کلونو د تقسیم له لارې لاسته راځي .

(۳) که چېرې د کان د جواز ، د کان د واک لیک، د هایدرو کاربن د قراردادو لرونکی ، د کان په جواز، د کان په واک لیک یا د هایدرو کاربن په قرارداد کې درج شوي خپل حقوق په بل شخصیت چې هغه هم د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی دی وپلوري ،

متقبل شده است.

۳ - در صورتیکه یک شخصیت متذکره دارای قرارداد هایدروکاربن باشد، سالی که در آن عواید بابت فروش هایدروکاربن ها از فیصدی حد معین مصارف قبل از تولید متقبل شده توسط شخصیت مذکور قبل از آن فیصدی حد معین مصارف از طریق تقسیم تعداد سال های هایدروکاربن بر عدد (۱۰۰) بدست می آید.

(۳) هرگاه یک دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هایدروکاربن حقوق مندرج جواز، صلاحیت نامه یا قرارداد هایدروکاربن خویش را به شخصیت دیگری که وی نیز دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن معادن

است، بفروش برساند، شخصیت
اولی می تواند مصارف متقبله
قبل از تولید خویش را در مصارف
حصول حقوق جواز، صلاحیت نامه
یا قرارداد که مطابق فقره (۱)
قبلاً وضع نشده باشد،
علاوه نماید.

وضع کسرات جهت اعانه
به یک صندوق پولی برای
تمویل بودجه مکلفیت های
محیطی و اجتماعی

ماده هشتاد و چهارم:

دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه
معدن یا قرار داد هایدروکاربن
هر مقدار پول را که باید در
رابطه به مکلفیت محیطی و
اجتماعی تادیه گردد، مطابق ماده
هشتاد و دوم قانون مواد معدنی
منتشره جریده رسمی شماره
(۸۵۹) سال ۱۳۸۴ و یا به اساس
یک پلان لازمی هرقانون ایکه بالای

لومړنی شخصیت کولای شي
خپل له تولید څخه ددمخه
متقبله لگښتونه د جواز، واک لیک
یا د قرارداد د حقوقو د ترلاسه
کولو په لگښتونو کې چې
د (۱) فقرې مطابق د مخه وضع
شوي نه وي، ورزیات کړي.

د چاپیریالي او ټولنیزو مکلفیتونو
د بودجې د تمویل لپاره یوه پولی
صندوق ته د اعانې په منظور د
کسراتو وضع کول

څلور اتیایمه ماده:

د کان د جواز، د کان د واک
لیک یا د هایدروکاربن د قرارداد
لرونکی هره اندازه پیسی چې ښایي
د چاپیریالي او ټولنیز مکلفیت په اړه
ورکړل شي. د ۱۳۸۴ کال د
رسمی جریده په (۸۵۹) گڼه کې
خپور شوي د کاني موادو د قانون د
دوه اتیایمي مادې مطابق، یا د هر
هغه قانون د لازمي پلان پر بنسټ

هایدروکاربن ها قابل تطبیق باشد، وضع نماید.

پول متذکره به نهاد تأدییه می گردد که هیچگونه رابطه مستقیم یا غیر مستقیم با شخصی که مطابق این ماده دعوای وضع همچو مصارف نماید، نداشته باشد.

شخصیت فوق الذکر، از طریق یک نهاد مالی منظور شده توسط د افغانستان بانک، تضمین نامه بانکی تأدییات را به وزارت مالیه درمورد مقدار قابل کسر و اینکه مقداری به امانت گذاشته شده را طوریکه در مقررات مواد معدنی دولت و یا به اساس پلان که مطابق هرقانون هایدروکاربن قابل تهیه شده، به مصرف نمی رساند، فراهم می نماید.

چې پر هایدرو کاربونونو باندې د تطبیق وړ وي، وضع کړي.

نوموړې پیسې هغه بنسټ ته ورکول کېږي چې له هغه شخص سره چې د دې مادې مطابق، ددغه ډول لگښتونو د وضع دعوي وکړي هېڅ ډول مستقیمه یا غیر مستقیمه رابطه ونه لري.

پورته ذکر شوی شخصیت، د د افغانستان بانک لخوا د یوه منظور شوي مالي بنسټ له لارې د ورکړو بانکي تضمین لیک د مالي وزارت ته د کسر وړ مقدار په هکله او دا چې په امانت اېښودل شوی مقدار هغه ډول چې د دولت د کاني موادو په مقرراتو کې یا دهغه پلان پر بنسټ چې د هایدرو کاربن د هر قانون مطابق د برابرېدو وړ شوی دی، په مصرف نه رسوي، برابر وي.

د زيان لېږدېدل او د موافقه

ليکونو دوام

پنځه اتيايمه ماده :

(۱) د دې قانون دوه څلورېنښتمه ماده چې د عملياتي خالص زيان پر تشخيص باندې يو محدوديت تطبيقوي د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد پر يوه لرونکي باندې نه تطبيقېږي ، که چېرې د کان د جواز ، د کان د واک ليک يا د هايډرو کاربن د قرارداد يو لرونکی هغسې چې د دې قانون په اووه څلورېنښتمه ماده کې تعريف شوي دي ، د خالص عملياتي زيان متقبل شي ، په هغه صورت کې نوموړی زيان د راتلونکي کال لپاره د مجرايي وړ لگښتونو په توگه ، کنټل کېږي .

(۲) د دې مادې د (۳) فقرې مطابق ، د مالي وزارت پدې قانون کې درج شوي حکمونه په

انتقال زيان و دوام

موافقتنامه ها

ماده هشتاد و پنجم:

(۱) ماده چهل و دوم اړين قانون که يک محدوديت را بالاى تشخيص زيانخالص عملياتي تطبيق مى نمايد ، بالاى يک دارنده جواز معدن ، صلاحيت نامه معدن يا قرار داد هايډروکاربن تطبيق نمنى گردد. هرگاه يک دارنده جواز معدن ، صلاحيت نامه معدن يا قرار داد هايډروکاربن متقبل زيانخالص عملياتي طوریکه در ماده چهل و هفتم اړين قانون تعريف شده است ، گردد ، در آن صورت زيان مذکور منحیث مصارف قابل مجرائی برای سال بعد محسوب مى گردد.

(۲) مطابق فقره (۳) اړين ماده ، وزارت ماليه احکام مندرج اړين قانون را در

زمانیکه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هاییدروکاربن جانب ذیدخل دریکی از جواز معدن، صلاحیت نامه معادن یا قرارداد هاییدروکاربن برای میعاد ذیل باشد، تطبیق می نماید:

۱ - برای مدت پنج سال، در صورتی که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هاییدروکاربن دارنده صلاحیت نامه معادن باشد، پنج سال متذکره از همان سالی که شخصیت مذکور صلاحیت نامه را اخذ می نماید، آغاز می گردد.

۲ - برای مدت هشت سال، در صورتی که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن و یا قرار داد هاییدروکاربن دارنده جواز معدن بوده،

هغه وخت کې چې د کانونو د جواز، د کان د واک لیک یا د هاییدروکاربن دقرار داد لرونکی، د کان د جواز، د کانونو د واک لیک یا د هاییدروکاربن په یوه قرارداد کې، د لاندې مودې لپاره ذیدخل اړخ وي، تطبیقوي:

۱- د پنځو کلونو مودې لپاره، په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان دواک لیک یا د هاییدرو کاربن د قرارداد لرونکی، د کانونو دواک لیک لرونکی وي، ذکر شوي پنځه کلونه له هماغه کال څخه چې نوموړی شخصیت واک لیک اخلي، پیل کېږي.

۲- د اتو کلونو مودې لپاره، په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان د واک لیک یا د هاییدرو کاربن د قرار داد لرونکی د کان د جواز لرونکی

هشت سال متذکره از همان سالی آغاز می گردد که شخصیت مذکور جوازنامه را اخذ می نماید.

۳ - میعاد قرارداد هایدروکاربن، در صورتیکه دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن یک جانب ذیدخل در قرار داد هایدروکاربن باشد.

(۳) وزارت مالیه احکام مندرج این قانون راصرف بالای دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن که در فقره (۲) این ماده توضیح گردیده است، در صورتی تطبیق می نماید که دارنده جواز معدن، صلاحیت نامه معدن یا قرار داد هایدروکاربن کتباً موافقت

وي، ذکر شوي اته کلونه ، له هماغه کال څخه پیل کېږي چې نوموړی شخصیت جوازلیک اخلي .

۳- د هایدرو کاربن د قرارداد موده ، په هغه صورت کې چې د کان د جواز، د کان دواک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکی، د هایدرو کاربن په قرارداد کې یو ذیدخل اړخ وي .

(۳) د مالې وزارت پدې قانون کې درج شوي حکمونه ، یوازې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد پر لرونکي باندې چې د دې مادې په (۲) فقره کې توضیح شوی دی ، په هغه صورت کې تطبیقوي چې د کان د جواز ، د کان د واک لیک یا د هایدرو کاربن د قرارداد لرونکي په لیکلي توګه موافقه کړې وي چې د مالې

نموده باشد که عواید قابل مالیه وی تحت نورم (۳۰) فیصد مالیات بر عایدات برای سالهای که احکام این قانون ذریعه وزارت مالیه به اساس این ماده بدون در نظر داشت تغییرات بعدی تطبیق می گردند، قرار می گیرد.

فصل سیزدهم

تعیین مالیه، ارائه اظهار نامه

ها، اعتراضات و تادیه

مالیات

نمبر تشخیصیه مالیه

دهنده

ماده هشتاد و ششم :

(۱) اشخاص انفرادی ، شرکتهای و مؤسساتیکه مطابق احکام این قانون یا قانون گمرکات مکلف به پرداخت مالیات یا محصول گمرکی می باشند و سازمانهای اجتماعی غیر

و بر عواید بی د هغو کلونو لپاره چې د دې قانون حکمونه د مالیې وزارت په ذریعه د دې مادې پر بنسټ د وروستیو بدلونونو له په پام کې نیولو پرته تطبیقېږي ، پر عایداتو باندې د مالیاتو په سلو کې د (۳۰) تر نورم لاندې راځي.

دیارلسم فصل

د مالیې ټاکل ، د

اظهارلیکونو وړاندې کول،

اعتراضونه او د مالیاتو ورکول

د مالیه ورکوونکي تشخیصیه

نمبر

شپږ اتیایمه ماده:

(۱) انفرادي اشخاص، شرکتونه او هغه مؤسسه چې د دې قانون یا د گمرکونو د قانون د حکمونو مطابق، د مالیاتو یا د گمرکي محصول په ورکولو مکلف دي او غیر انتفاعي ټولنیز سازمانونه او هغه

انتفاعی و مؤسسات خیریه که مالیات از معاشات یا دستمزد کارکنان مربوط خویش را وضع می نمایند و یا اشخاصی که در بانکها یا سایر مؤسسات مالی حساب داشته و یا افتتاح نمایند، مکلف اند تا نمبر تشخیصیه مالیّه دهنده را اخذ نمایند. کارکنانیکه عواید شان مطابق احکام این قانون تابع وضع نمودن مالیات قرار می گیرند، نیز تابع این حکم میباشند.

(۲) طرز العمل استفاده و توزیع نمبر تشخیصیه مالیّه دهنده توسط وزارت مالیّه ترتیب می گردد.

(۳) توزیع و تجدید جوازنامه فعالیت اشخاص حقیقی یا حکمی فاقد نمبر تشخیصیه مالیّه دهنده که مکلف به اخذ آن بوده، از طرف وزارت ها، ادارات و سایر مؤسسات دولتی جواز ندارد.

خیریه مؤسسه چي مالیات د خپلو اړوندو کارکوونکو له معاشونو یا مزدوری- څخه وضع کوي او یا هغه اشخاص چي په بانکونو یا نورو مالي مؤسسو کې حساب لري یا یې پرانيزي، مکلف دي خو د مالیّه ورکوونکي تشخیصیه نمبر واخلي. هغه کارکوونکي چي عوایدې د دې قانون د حکمونو مطابق، د مالیاتو د وضع کولو تابع ګرځي، هم د دې حکم تابع دي.

(۲) د مالیّه ورکوونکي د تشخیصیه نمبر د ګټې اخستې او وېشلو کړنلاره د مالیې وزارت لخوا ترتیبېږي.

(۳) د مالیّه ورکوونکي د تشخیصیه نمبر د نه لرونکو حقیقی یا حکمي اشخاصو د فعالیت د جوازلیک وېشل او نوي کول چي په اخستلو یې مکلف دي، د وزارتونو، ادارو او نورو دولتي مؤسسو لخوا جواز نه لري.

د مالي ټاکل او تعدیلول

اووه اټایمه ماده :

(۱) جواز لرونکي حکمي اشخاص او حقيقي اشخاص چې پدې قانون کې د درج شوو حکمونو مطابق پر عایداتو باندې د مالیاتو تابع دي ، مکلف دي د عوایدو ، د مالیاتو د وضع کولو او نورو اړینو معلوماتو د رپوټ د وړاندې کولو لپاره مفصل مالیاتي بېلانس او اظهارلیک د دې قانون او پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې د حکمونو مطابق ډک او اړوندې مالیاتي څانګې ته وړاندې کړي.

(۲) هغه انفرادي مالیه ورکونکي چې ددې قانون د حکمونو مطابق د کارفرما په واسطه د مالیاتو د وضع کولو تابع دی ، د اظهارلیک په ترتیبولو مکلف ندی ، خو دا چې مزدوري یا معاش له څوګونو کارفرمایانو څخه لاس ته راوړي یا د مزدورۍ پر سېره بل عاید هم ولري.

تعیین مالیه و تعدیل آن

ماده هشتاد وهفتم:

(۱) اشخاصی حکمی دارنده جواز و اشخاص حقیقی مطابق احکام مندرج این قانون تابع پرداخت مالیات بر عایدات بوده ، مکلف اند بیلانس و اظهارنامه مالیاتی مفصل را جهت ارائه گزارش عواید ، وضع مالیات و سایر معلومات ضروری مطابق احکام این قانون و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات خانه پری و به شعبه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند.

(۲) مالیه دهندۀ انفرادی ایکه مطابق احکام این قانون تابع وضع نمودن مالیات توسط کارفرما می باشد ، مکلف به ترتیب اظهارنامه نبوده ، مگر اینکه دست مزد یا معاش را از دو یا چندین کارفرما بدست بیاورد و یا عاید دیگری بر علاوه دست مزد نیز داشته باشد.

مالیه معاش و دستمزد که مطابق احکام قانون وضع شده، قابل پس پرداخت نمی باشد.

(۳) هر گاه مؤدی، اظهار نامه مالیاتی خویش را مطابق احکام این قانون تسلیم و مالیه ذمت وی در آن درج باشد، این اظهارنامه من حیث مالیه قابل تأدیه و یادداشت تعیین مالیه وی پنداشته می شود.

(۴) هر گاه وزارت مالیه متیقن گردد که معلومات فراهم شده در اظهار نامه مالیاتی مالیه ذمت مؤدی را نشان نمیدهد، وزارت مالیه مقدار مالیه ذمت وی را تعیین و یادداشت تعدیل شده تعیین مالیه را در مورد مقدار مالیه به شخصی که مسئول تأدیه مالیه است، صادر می نماید. در صورتی که وزارت مالیه باز هم متیقن گردد که رقم

د هغه معاش او مزدوری مالیه چې د دې قانون د حکمونو مطابق وضع شویده، د بېرته ورکړې وړنده .

(۳) که چېرې مؤدی خپل مالیاتي اظهارلیک د دې قانون د حکمونو مطابق تسلیم او د ذمت مالیه یې پکې درج وي، دغه اظهارلیک د ورکړې وړ مالیې او د هغه د مالیې د ټاکنې د یادښت په توګه ګڼل کېږي .

(۴) که چېرې د مالیې وزارت باوري شي چې په مالیاتي اظهارلیک کې برابر شوی معلومات د مؤدی د ذمت مالیه نه څرګندوي، د مالیې وزارت د هغه د ذمت مالیه ټاکي او د مالیې د مقدار په هکله د مالیې د ټاکنې تعدیل شوی یادښت هغه شخص ته چې د مالیې د ورکړې مسئول دی، صادر وي. په هغه صورت کې چې د مالیې وزارت باوري شي چې په یادښت

مندرج يادداشت درست نـيـست،
اين يادداشت نـيـز تعـديـل
و منـحـيـث يادداشت تعـيـن مـالـيـه
پنـداشـتـه مـي شـود.

(۵) هر گاه مؤدی اظهار نامه
مالیاتی خویش را مطابق احکام این
قانون ترتیب و تسلیم نه نماید،
وزارت مالیه مقدار مالیه ذمت وی
را تعیین و يادداشت آنرا به شخصی
که مکلف به تأدیة مالیه است، صادر
می نماید. هرگاه وزارت مالیه
متیقن گردد که رقم مندرج
يادداشت متذکره درست نیست،
این يادداشت نیز تعـديـل مـي گـردد.

(۶) وزارت مالیه يادداشت
تعیین مالیه را صرف در خلال
پنج سال شروع از تاریخی
که اظهار نامه مالیاتی خانه پری
و يادداشت به آن ارتباط گیرد،
صادراً تعـديـل مـي نـمـایـد.
وزارت مالیه مـي تـوانـد
يادداشت تعیین مالیه را هر زمانیکه

کې درج شوی رقم صحیح
ندی، دغه ياددنبت هم تعـديـل
او د مالیه د ټاکنې د ياددنبت په
توگه گڼل کېږي.

(۵) که چېرې مؤدی خپل مالیاتي
اظهارلیک، د دې قانون د حکمونو
مطابق ترتیب او تسلیم نکړي، د
مالیه وزارت د هغه د ذمت مالیه
ټاکي او ياددنبت يې هغه شخص ته
چې د مالیه په ورکړه مکلف دی
صادر وي. که چېرې د مالیه وزارت
باوري شي چې په نوموړي ياددنبت
کې درج شوی رقم صحیح نـدی،
دغه ياددنبت هم تعـديـلېږي .

(۶) د مالیه وزارت د مالیه د ټاکنې
ياددنبت ، د پنځو کلونو په موده
کې پیل له هغې نېټې څخه چې
مالیاتي اظهارلیک ډک او ياددنبت
په هغه پورې ارتباط ومومي ، صادر
یا تعـديـلوي. د مالیه وزارت کولای
شي د مالیه د ټاکنې ياددنبت هر
کله چې شخص د خپل مالیاتي

اظهارليک په تسليمولو بريالی نشي يا غلط مالياتي اظهارليک (له ماليې څخه د تېښتې په نيت) تسليم کړي صادر يا تعديلوي .

(۷) که چېرې د ماليې وزارت باوري شي چې د شخص د ذمت د ماليې تحصيل پدې دليل چې هغه له افغانستان څخه د تللو ، د شرکت کارته دپای ورکولو يا د ملکيت د لېږدولو په حال کې دی يا په نورو دليلونو په خطر کې وي ، د ماليې وزارت د ماليې دټاکنې ياددښت د روان کال يا د دمخه مالي کلونو د هرې زماني مقطع لپاره صادروي شي. د مالياتي اظهارليک د وړاندې کولو او د ماليې دورکړې وخت اته اتيايمه ماده :

(۱) هغه شخص چې د مالياتي اظهارليک او بېلانس (د انتفاعي معاملو د خدمتونو د وړاندې کولو د

شخص موفق به تسليم دهی اظهار نامه مالياتي خویش نگردیده يا اظهار نامه مالياتي غلط را (به قصد فرار از ماليه) تسليم دهد، صادر يا تعديل می نمايد.

(۷) هرگاه وزارت ماليه متيقن گردد که تحصيل ماليه ذمت شخص به دليل اينکه وی در حال عزيمت از افغانستان، خاتمه بخشيدن به کار شرکت و يا انتقال ملکيت بوده، يا به ساير دلايل در مخاطره قرار داشته باشد، وزارت ماليه يادداشت تعيين ماليه را برای هر یک از مقطع زمانی سال جاری يا سال های قبلی مالی صادر نموده می تواند.

مיעاد ارائه اظهار نامه مالياتي و تاديۀ ماليات ماده هشتاد و هشتم:

(۱) شخصی که مکلف به تکميل اظهار نامه مالياتي و بيلانس (به استثنای فورمه ماليه

عرضه خدمات معاملات
انتفاعی) می باشد، باید
اظهارنامه مالیاتی خویش
را الی اخیر جوزا (ماه سوم) سال
مابعد به دفتر مالیة مربوط
تسلیم نماید.

(۲) مالیة مندرج یادداشت تعیین
مالیات به تاریخ تعیین شده در آن
قابل تأدیه می باشد.

(۳) اشخاص مقیم یا غیر مقیم که
کشور را قبل از تاریخ معینه تأدیه
مالیات ذمت شان ترک می نمایند،
مکلف اند الی دو هفته قبل از
عزیمت اظهارنامه مربوط را تسلیم
و مالیات ذمت خویش را
تأدیه نمایند.

(۴) اشخاصی که مکلف به ارائه
اظهارنامه مطابق احکام
این قانون بوده و تابع سایر مقررات
تأدیهات مطابق این قانون
نمی باشند، باید حین ارائه
اظهارنامه مالیاتی، مالیات

مالی د فورمی په استثنی) په
بشپړولو مکلف وي ، باید خپل
مالیاتي اظهارلیک دراوروسته کال د
غبرگولي (درېمې میاشتې) تر پایه
پورې دمالیې اړوند دفتر ته
تسلیم کړي.

(۲) د مالیاتو د ټاکنې په یادښت
کې درج شوې مالیة په هغه کې په
ټاکلې موده کې د ورکړې وړ ده .

(۳) هغه مهلت یا غیر مهلت
اشخاص چې هېواد د خپل ذمت د
مالیاتو د ورکړې له ټاکلې نېټې څخه
د منځه پرېږدي ، مکلف دي له تللو
دوه اوونۍ دمنځه اړوند اظهارلیک
تسلیم او دخپل ذمت مالیات
ورکړي .

(۴) هغه اشخاص چې د دې قانون
د حکمونو مطابق د اظهارلیک په
وړاندې کولو مکلف دي او د دې
قانون مطابق د ورکړو د نورو
مقرراتو تابع ندي ، باید د مالیاتي
اظهارلیک د وړاندې کولو په ترڅ

کې اړوند ماليات ورکړي .

(۵) هغه اشخاص چې د انتفاعي معاملو د مالياتو د فورمې په ډکولو مکلف دي ، مالياتي اظهارليک په هرو دريو مياشتو کې ډک او د خپلو ورکړې وړ ماليو د تحويلي له سندونو سره يو ځای دې ، د راوړسته مياشتې تر پنځلسمې نېټې پورې، د کال له هرې ربعې وروسته تسليم کړي .

(۶) هغه اشخاص چې د اقتصادي کار او فعاليت په ثابتو ځايونو کې د خدمتونو په وړاندې کولو باندې بوخت وي ، مکلف دي ، د خپل ذمت مالیه په هرو دريو مياشتو کې د راوړسته مياشتې تر پنځلسمې پورې ورکړي ، خو دا چې پدې قانون کې بل ډول اټکل شوي وي.

(۷) هغه اشخاص چې د منقول او غير منقول ملکيت لرونکي دي ، مکلف دي د خپل ذمت مالیه دملکيت د لېږدولو د ثبت په وخت

مربوط را تادييه نمايند.

(۵) اشخاصی که مکلف به خانه پری فورمه مالیات معاملات انتفاعی می باشند، اظهارنامه مالیاتی را در هر سه ماه خانه پری و همراه با اسناد تحويلی مالیه قابل پرداخت شان الی پانزدهم ماه بعدی بعد از هر ربع سال تسلیم نمایند.

(۶) اشخاصی که در محلات ثابت کار و فعالیت اقتصادی مصروف عرضه خدمات می باشند مکلف اند، مالیه ذمت شانرا در خلال هر سه ماه الی پانزدهم ماه بعدی تادییه نمایند، مگر اینکه در این قانون طور دیگری پیشبینی گردیده باشد.

(۷) اشخاصی که دارای ملکیت منقول و غیر منقول بوده، مکلف اند مالیه ذمت شانرا حین ثبت انتقال ملکیت

کې ورکړي .

(۸) له دولتي ادارو سره د عقد شوو قراردادونو مالیه ، د دې قانون په دري اویایمه ماده کې د درج شوی حکم مطابق د ورکړو د اجراء په وخت کې ، د اړوندې دولتي ادارې لخوا وضع کېږي .

(۹) د نمایشگاوو، تیاترونو ، سینماگانو، کنسرتونو ، نندارتونونو، ورزش ځایونو او هغوته ورته ، پر عایداتو باندې مالیات د راوړسته میاشتي تر پنځلسمې نېټې پورې د ورکړې وړ دي . په هغه صورت کې چې د ذکر شوو نمایشگاوو فعالیت دوامدار نه وي ، د هغو مالیه دې د نمایش په پای کې واخستل شي.

اعتراضونه او عریضې

نهه اتيایمه ماده :

(۱) هغه مالیه ورکوونکي چې مالیاتي اظهارلیک د دې قانون د حکمونو مطابق وړاندې یا د مالیې د

تأدیه نمایند.

(۸) مالیه قرار دادهای منعقدہ با ادارات دولتی مطابق حکم مندرج ماده هفتادو سوم این قانون حین اجرای تأدیات از طرف اداره ذیربط دولتی وضع می گردد.

(۹) مالیات بر عایدات نمایشگاه ها، تیاتر، سینما ها، کنسرت ها، نندارتون ها، ورزشگاه ها و امثال آن الی تاریخ پانزدهم ماه بعدی قابل تأدیه می باشد. در صورتیکه فعالیت نمایشگاه های متذکره دوامدار نباشد، مالیه آنها در ختم نمایش اخذ گردد.

اعتراضات و عریض

ماده هشتاد ونهم:

(۱) مالیه ده ايکه اظهار نامه مالیاتی را مطابق احکام این قانون ارائه یا یادداشت

تعيين ماليه را تسليم شده و بعداً متيقن گردد كه اظهارنامه مالياتي يا يادداشت تعيين ماليه نادرست باشد، در اينصورت مي تواند تعديل يادداشت ماليه را صرف از تاريخ ارائه اظهارنامه مالياتي در خلال پنج سال تقاضا نمايد.

(۲) وزارت ماليه يادداشت مندرج فقره (۱) اين ماده را در خلال (۶۰) روز بعد از ارائه درخواستي تعديل يا تائيد و به ماليه ده ابلاغ مي نمايد. هرگاه وزارت ماليه در خلال اين مدت اجراءات نه نمايد، طوري پنداشته مي شود كه يادداشت قبلي تعيين ماليه تائيد گرديده است. در اينصورت مؤدي مي تواند در خلال (۳۰) روز بعد از ابلاغ يا انقضای ميعاد مذکور اعتراض خويش را به وزارت ماليه

تاكني يادداشت تسليم شوي وي او وروسته باوري شي چي مالياتي اظهارليك يا د ماليي د تاكني يادداشت به ناسم وي ، پدي صورت كي كولاي شي د ماليي د يادداشت تعديل يوازي د مالياتي اظهارليك د وړاندې كولو له نېټې څخه د پنځو كلونو په موده كي وغواړي.

(۲) د ماليي وزارت د دې مادې په (۱) فقره كي درج شوي يادداشت، دغوښتليك له وړاندې كولو وروسته د (۶۰) ورځو مودې په ترڅ كي تعديل يا تائيد او ماليه وركوونكي ته يې ابلاغوي. كه چېرې د ماليي وزارت ددې مودې په ترڅ كي اجراءات ونكړي، داسې گڼل كېږي چي د ماليي د تاكني د مخني يادداشت تائيد شوي دي . پدي صورت كي مؤدي كولاي شي د نوموړې مودې له ابلاغ يا تېرېدو وروسته د (۳۰) ورځو په ترڅ كي

ارائه نماید. اعتراض از طرف هیئت بررسی در خلال حد اکثر الی (۶۰) روز مورد غور قرار گرفته، تصمیم لازم اتخاذ می نماید. هرگاه هیئت بررسی در این مدت تصمیم اتخاذ نموده و یا مالیه ده به تصمیم اتخاذ شده هیئت بررسی قناعت نه نماید، می تواند در خلال (۳۰) روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت، به محکمه مراجعه نماید. حکم محکمه در مورد قطعی و قابل تطبیق می باشد.

پس پرداخت

ماده نودم:

هر گاه وزارت مالیه بالاثر بررسی اظهار نامه مالیاتی، ادعای مؤدی یا فیصله محکمه دریابد که مالیه تأدیه شده اضافه تر از مقدار معینه می باشد، مالیه تأدیه شده اولاً جهت رفع سایر مالیات مؤدی یا

خپل اعتراض د مالی وزارت ته وړاندې کړي. اعتراض د څېړنې د هیئت لخوا زیات نه زیات د (۶۰) ورځو په موده کې تر غور لاندې نیول کېږي، لازم تصمیم نیسي. که چېرې د څېړنې هیئت، پدې موده کې تصمیم و نه نیسي یا مالیه ورکونکي د څېړنې د هیئت پرنیول شوي تصمیم قناعت ونکړي، کولای شي د هیئت د تصمیم د ابلاغ له نېټې څخه د (۳۰) ورځو په ترڅ کې محکمې ته مراجعه وکړي. د محکمې حکم پدې هکله قطعي او د تطبیق وړ دی.

بېرته ورکړه

نوي یمه ماده :

که چېرې د مالی وزارت د مالیاتي اظهارلیک د څېړنې، د مؤدي د ادعا یا د محکمې د فیصلې له امله و پوهېږي چې ورکړل شوې مالیه له ټاکلې اندازې څخه زیاته ده، ورکړل شوې مالیه لومړی د مؤدی

محصولات گمرکی قابل پرداخت وی یا به موافقه خودش به حساب سایر تأدیه کننده گان محاسبه گردیده و بعد از اجرای آن، مقدار اضافی دوباره با در نظر داشت تعلیماتنامه قانون مالیات بر عایدات به مؤدی مسترد می گردد.

تحصیل معلومات

ماده نود و یکم:

(۱) به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون وزارت مالیه صلاحیت دارد تا اسناد مالیه ده را بررسی نموده و به این منظور می تواند هر نوع معلومات را در رابطه به امور مالی و تجارتي از مالیه ده یا سایر اشخاص مطالبه نماید.

(۲) معلومات مندرج فقره (۱) این ماده و معلومات حاصله در رابطه به اظهارنامه محرم بوده و از طرف مؤظفین مربوط وزارت

د نورو مالیاتو د رفع کولو یا د هغه د ورکړې وړ گمرکي محصولاتو یایی په خپله موافقه د نورو تأدیه کوونکو په حساب محاسبه کېږي او د هغې له اجراء وروسته اضافي مقدار بیا ، پر عایداتو باندې د مالیاتو د تعلیماتنامې له په پام کې نیولو سره مؤدي ته مستردېږي .

د معلوماتو ترلاسه کول

یو نوي یمه ماده :

(۱) ددې قانون د حکمونو د ښه تطبیق په منظور، د مالیې وزارت واک لري، خو د مالیه ورکوونکي سندونه وڅېړي او ددې منظور لپاره کولی شي د مالی او سوداگریز چارو په اړه هر ډول معلومات له مالیه ورکوونکي یا نورو اشخاصو څخه وغواړي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي معلومات او د اظهارلیک په اړه ترلاسه شوي معلومات محرم دي او د مالیې وزارت د اړوندو

ماليه افشاء نمی گردد.
مگر به حکم قانون.

(۳) طرز بررسی اسناد ماليه
ده در تعلیماتنامۀ قانون
مالیات بر عایدات تنظیم
می گردد.

(۴) شخصی که بدون دلایل
موجه در خلال مدت بیست
روز اسناد را بدسترس مؤظفین
وزارت ماليه قرار ندهد
یا از ارائه معلومات خودداری
نماید، در برابر هر روز
از تاریخ مطالبه، مکلف
به پرداخت ماليه اضافی قرار
ذیل می باشد:

۱- شخص حقیقی مبلغ یکصد
افغانی.

۲- شخص حکمی مبلغ دو صد
افغانی.

روزهای رخصتی از این حکم
مستثنی است.

مؤظفینو لخوا نه افشاء کېږي ، خو
د قانون په حکم.

(۳) د ماليه ورکونکي د سندونو د
څېړنې ډول پر عایداتوباندې د مالیاتو
د قانون په تعلیماتنامه کې
مشخصېږي.

(۴) هغه شخص چې له موجهو
دلایلو پرته د شلو ورځو مودې په
ترڅ کې سندونه د مالیې وزارت د
مؤظفینو په واک کې ورنکړي یا د
معلوماتو له ورکولو څخه ډډه
وکړي، د غوښتنې له نېټې څخه د
هرې ورځې په وړاندې په لاندې
توګه د اضافي مالیې په ورکړه
مکلف دی:

۱- حقیقي شخص سل
افغانی.

۲- حکمي شخص دوه سوه
افغانی.

د رخصتۍ ورځې لدې حکم څخه
مستثني دي.

خوار لسم فصل

تطبيقي حکمو نه

له ثالث شخص څخه د نه

ورکړل شوو مالياتو تحصيل

دوه نوي يمه ماده :

د مالي وزارت کولای شي د مؤدي له موافقې پرته ، د ليکلي يادښت پر بنسټ ورکړې وړ ماليات له لاندې اشخاصو څخه هم ترلاسه کړي:

۱- هغه شخص چې له مؤدي څخه پور وړی وي .

۲- هغه شخص چې د مؤدي پيسې ساتي.

۳- هغه شخص چې پيسې د بل شخص په نمايندگي ، مؤدي ته د ورکړې په منظور ساتي.

۴- هغه شخص چې مؤدي ته د پيسو د ورکړې لپاره د بل شخص واک لري.

۵- هغه حقيقي او حکمي شخص

فصل چهاردهم

احکام تطبيقي

تحصيل ماليات تأديه ناشده از

شخص ثالث

ماده نود و دوم:

وزارت ماليه می تواند بدون موافقه مؤدی به اساس يادداشت تحریري، ماليات قابل تأديه را از اشخاص ذيل نیز تحصيل نمايد:

۱- شخصيکه از مؤدی مقروض می باشد.

۲- شخصي که پول مؤدی را نگهداری می نمايد.

۳- شخصي که پول رابه نمايندگي شخص ديگر به منظور تأديه آن به مؤدی نگهداری می نمايد.

۴- شخصي که صلاحيت شخص ديگر را جهت تأديه پول به مؤدی دارد.

۵- شخص حقيقي و حکمي ايکه

چي مؤدي ته د معاشونو، مزدوريو او هغوته دورته په ورکړې مکلف وي.

د آمرانو ، ونډه لرونکو او نورو

اشخاصو مکلفيت

دري نوي يمه ماده :

هغه شرکت چې پر ورکړې وړ عايداتو باندې ماليات د دې قانون د حکمونو مطابق ور نکړي ، د ماليې وزارت کولای شي د هغه د ذمت مالیه له لاندې اشخاصو څخه تحصیل کړي:

۱- هغه واکمن مسؤلین چې د شرکت د مالياتي مکلفيت په رفع کولو کې يې بې توجهي کړېده .

۲- هغه ونډه لرونکی چې لږ ترلږه په سلو کې لس د شرکت په مالکيت کې ونډه ولري ، د ونډې د هغې ګټې په اندازه چې هغه ئې له شرکت څخه لاسته راوړي .

۳- هغه شخص چې د شرکت د شتمنۍ يوه يا له يوې څخه زیاته برخه يې د بازار له بيې څخه په ټيټ

مکلف به تادیه معاشات، دستمزدها و امثال آن به مؤدی باشد.

مکلفيت آمرين ، سهامداران

وساير اشخاص

ماده نود وسوم:

شرکتی که مالیات بر عايدات قابل تادیه را مطابق احکام این قانون تادیه نه نماید، وزارت مالیه می تواند مالیه ذمت آنرا از اشخاص ذیل تحصیل نماید:

۱ - مسؤلین ذیصلاحی که در رفع مکلفيت مالیاتي شرکت بی توجهی نموده باشند.

۲ - سهامداری که حد اقل ده فیصد در مالکيت شرکت سهام بوده، به اندازه مفاد سهم که وی از شرکت بدست می آورد.

۳- شخصی که یک یا بیشتر از یک حصه دارائی شرکت را به نرخ کمتر از قیمت بازار حین

اجرای معامله ، سه سال قبل
از تاریخ پرداخت مالیات
تأدیه نشده بدست آورده
باشد.

شخص ممنوع الخروج

ماده نود و چهارم:

شخصی که حسابات مالیاتی و
تأدیاتی وی بیشتر از بیست هزار
افغانی بوده و آنرا با مراجع
ذیربط تصفیه ننموده باشد،
از کشور خارج شده نمی تواند.
مقامات ذیصلاح وزارت مالیه
می توانند در مورد عدم خروج وی
به مراجع ذیربط امنیتی یادداشت
کتبی را ارسال نماید .

مسدود نمودن

ماده نود و پنجم:

هرگاه مؤدی، اظهارنامه مالیاتی و
مالیات را مطابق به احکام
این قانون به وقت معینه ارائه،
تأدیه یا وضع نه نماید، وزارت مالیه
می تواند مؤدی را ذریعه

نرخ د نه ورکړل شوو مالیاتو د
ورکړې له نېټې څخه درې کاله
دمخه، دمعاملې د اجراء په وخت
کې لاس ته راوړې وي .

ممنوع الخروج شخص

څلورنوي يمه ماده :

هغه شخص چې مالیاتي او
تأدیاتي حسابونه یې له شلو زرو
افغانیو څخه زیات وي او
هغه یې له اړوندو مراجعو سره
تصفیه کړي نه وي ، له هېواد څخه
وتلی نشي . د مالیې وزارت واکمن
مقامونه کولای شي د هغه د نه وتلو
په هکله اړوندو امنيتي مراجعو ته
لیکلی یادښت ولېږي .

بندول

پنځه نوي يمه ماده :

که چېرې مؤدي ، مالیاتي اظهارلیک
او مالیات د دې قانون د حکمونو
مطابق په ټاکلي وخت وړاندې
نکړي، ورنکړي یا یې وضع نکړي ،
د مالیې وزارت کولای شي مؤدي

يادداشت تحریرى مبنی بر اینکه بخشی از فعالیت یا تمام آن را بعد از (۷) روز از تاریخ یادداشت مسدود می نماید، اطلاع دهد. این حکم بعد از امضای مقامات ذیصلاح وزارت مالیه الی تصفیه کامل حسابات مالیاتی و تأدیاتی نافذ بوده و مراجع امنیتی مکلف اند، در تطبیق این حکم همکاری نمایند.

محدودیت دسترسی مؤدی به

دارائی

ماده نود و ششم

(۱) هرگاه مؤدی اظهارنامه مالیاتی و مالیات را مطابق احکام این قانون به وقت معینه ارائه ، تأدیه، یا وضع نه نماید، وزارت مالیه می تواند به محکمه ذیصلاح مراجعه و الی تصفیه حسابات مالیاتی و تأدیاتی محدودیت دسترسی به دارائی های

ته دلیکلی یادداشت په ذریعه، پدې اړه چې فعالیت یوه برخه یا ټول یې د یادداشت له نېټې څخه (۷) ورځې وروسته بندوي ، خبر ورکړي . دغه حکم د مالیې وزارت د واکمنو مقامونو له لاسلیک وروسته د مالیاتي او تأدیاتي حسابونو تر بشپړې تصفیې پورې نافذ دی او امنیتي مراجع مکلف دي ، د دې حکم په تطبیق کې همکاري وکړي.

شتمنۍ ته د مؤدي د لاس رسی

محدودیت

شپږ نوي يمه ماده :

(۱) که چېرې مؤدي مالیاتي اظهارلیک او مالیات د دې قانون د حکمونو مطابق په ټاکلي وخت وړاندې نکړي ، ورنکړي یا بې وضع نکړي د مالیې وزارت کولای شي واکمنې محکمې ته مراجعه وکړي او د مالیاتي او تأدیاتي حسابونو تر تصفیې پورې په مؤدي پورې د

منقول و غیر منقول (بلاک)
متعلق به مؤدی را تقاضا
نماید.

(۲) هرگاه مؤدی در خلال
مدت (۳۰) روز وجایب مالیاتی و
تأدیاتی خویش را اداء نه نماید،
وزارت مالیه می تواند به محکمه
ذیصلاح مراجعه و فروش آنرا
تقاضا نماید. هرگاه مؤدی قبل از
صدور حکم محکمه به ایفای
مکلفیت های مندرج فقره (۱) این
ماده حاضر گردد، از تعقیب عدلی
وی انصراف بعمل میاید.

(۳) محکمه ذیصلاح می تواند
در حالت مندرج فقره (۱) این ماده
به فروش دارائی های متذکره از
طریق مزایده و داوطلبی حکم
صادر نماید.

(۴) وزارت مالیه از ماحصل
فروش، وجایب مالیاتی و تأدیاتی
مؤدی را اخذ و متباقی آنرا به وی
مسترد می نماید.

اپوندو منقولو او غیر منقولو شتمنیو
د لاس رسی. محدودیت (بلاک)
وغواړي.

(۲) که چېرې مؤدي د (۳۰) ورځو
په موده کې خپل مالیاتي او تأدیاتي
وجایب اداء نکړي، د مالیې وزارت
کولای شي واکمنې محکمې ته
مراجعه وکړي او پلورل یې وغواړي،
که چېرې مؤدي د محکمې د حکم
له صادرېدو د مخه، د دې مادې په
(۱) فقره کې ددرج شویو مکلفیتونو
سرتة رسولو ته حاضر شي، له عدلي
تعقیب څخه ئې صرف نظر کېږي .

(۳) واکمنه محکمه کولای شي ،
د دې مادې په (۱) فقره کې په
درج شوي حالت کې د مزایدې او
داوطلبی له لارې د ذکر شوو شتمنیو
په پلورلو حکم صادر کړي.

(۴) د مالیې وزارت د پلورنې له
ماحصل څخه ، د مؤدي مالیاتي او
تأدیاتي وجایب اخلي او پاتې یې هغه
ته مستردوي .

پنځلسم فصل

د ماليې له پټولو څخه

مخنيوی

د مرتبطو اشخاصو تر منځ

معاملې

اووه نوي يمه ماده:

که چېرې يوه معامله د حکمي اشخاصو لخوا له مرتبطو اشخاصو (خپلوانو او د معاملي شریکانو) او همدارنگه عین معامله له غیر مرتبطو اشخاصو سره د بيو په توپیر سره صورت ومومي ، د ماليې په سنجولو کې هغه رقم په پام کې نیول کېږي چې د ماليې ډېرلوړ رقم ترلاسه کړي .

د ماليې پټول

اته نوي يمه ماده :

(۱) که چېرې مالیه ورکونکی په داسې یوه معامله کې ور داخل شي چې عمداً د هغه د مالیاتي او تأدیاتي

فصل پانزدهم

جلوگیری از کتمان

مالیه

معاملات میان اشخاص

مرتبط

ماده نود و هفتم:

هر گاه یک معامله از طرف اشخاص حکمی با اشخاص مرتبط (اقارب و شریکان معامله) و همچنان عین معامله با اشخاص غیر مرتبط با تفاوت قیمت ها صورت گیرد ، در سنجش مالیه رقمی مد نظر گرفته می شود که بلندترین مبلغ مالیه را حاصل نماید.

کتمان مالیه

ماده نود و هشتم:

(۱) هرگاه مالیه دهنده وارد معامله نمی شود که عمداً باعث کاهش مکلفیت های مالیاتی و

تأدياتي وی گرده، وزارت
مالیه معامله را رد و
مورد بررسی قرار
می دهد.

(۲) اشخاصی که عواید قابل
پرداخت مالیه شانرا کتمان
نمایند، مکلف به پرداخت
مالیه اصلی و اضافی قرار ذیل
می گردند:

- مرتبه اول، اصل مالیه قابل
پرداخت کتمان شده با
جریمه دوچند مالیه
اضافی.

- مرتبه دوم، بر علاوه
اصل مالیه قابل پرداخت
کتمان شده با جریمه
دوچند مالیه اضافی.
درینصورت فعالیت اقتصادی
کتمان کننده به اساس
حکم محکمه متوقف
می گردد.

مکلفیتونو د کمېدو باعث
وگرځي، د مالیې وزارت
معامله ردوي او ترڅېړنې
لاندې پې نيسي.

(۲) هغه اشخاص چې د خپلې
مالیې دورکړې وړعوايد پټ کړي،
په لاندې توگه د اصلي او
اضافي مالیې په ورکړې مکلف
کېږي:

- لومړی ځل، پټه کړی شوې د
ورکړې وړ اصلي مالیه د اضافي
مالیې له دوه چنده جریمې
سره.

- دوه یم ځل، د پټې کړی
شوې ورکړې وړ اصلي
مالیې برسېره، اضافي مالیه
له دوه چنده جریمې سره.
په دې صورت کې د پټوونکي
اقتصادي فعالیت د محکمې
د حکم پر بنسټ درول
کېږي.

شپارسم فصل

اضافي ماليه او مالياتي

جريمي

سرغړونې او مجازات

نهه نوي يمه ماده :

(۱) که چېرې مؤدي په دې قانون کې درج شوي مالياتي مکلفيتونه په پام کې ونه نيسي، د خپل ذمت د مالياتو پر ورکړې برسېره د اضافي ماليې په ورکړه مکلف او د دې فصل د حکمونو د مجازاتو مستوجب هم دی . اضافي ماليه پدې قانون کې د نورو درج شوو مالياتو په څېر سنجش او تحصيل کېږي .

(۲) پرعایداتو باندې اضافي ماليه، په لاندې مواردو کې ورکړې وړ ده :
۱- د دې قانون په حکمونو کې په درج شوي ټاکلي وخت کې د ماليې د نه ورکړې په صورت کې .

۲- د سوداگريزو معاملو د سندونو او دفترونو د نه خوندي کولو، نه ساتنې

فصل شانزدهم

ماليه اضافي و جرايم

مالياتي

تخلفات و مجازات

ماده نود ونهم:

(۱) هرگاه مؤدی مکلفیت های مالیاتی مندرج احکام این قانون را رعایت نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیات ذمت خویش، مکلف به تأدیة مالیه اضافی و مستوجب مجازات احکام این فصل نیز میباشد. مالیه اضافی مانند سایر مالیات مندرج این قانون سنجش و تحصيل می گردد.

(۲) مالیة اضافی برعایدات در موارد ذیل قابل تأدیه می باشد:
۱ - در صورت عدم تأدیة مالیه به وقت معینة مندرج احکام این قانون.

۲ - در صورت عدم حفظ ، نگهداشت و ارائه اسناد و دفاتر

- او نه وړاندې کولو په صورت کې .
- ۳- د مالياتي بیلانس او اظهارلیک د نه وړاندې کولو په صورت کې .
- ۴- د ماليې د نه وضع کولو په صورت کې .
- ۵- د ماليې د نه ورکولو په صورت کې .
- ۶- د ماليه ورکونکي د تشخیصه نمبر د نه اخستلو په صورت کې .
- په ټاکلي وخت د ماليې د نه ورکولو په صورت کې اضافي ماليه
- سلمه ماده :
- هغه اشخاص چې د خپل ذمت ماليه په ټاکلي وخت ورنکړي ، د ورځې په سلو کې د (۱۰ %) فیصد اضافي ماليې په ورکولو مکلف دي .
- معاملات تجارتی .
- ۳- در صورت عدم ارائه بیلانس و اظهارنامه مالیاتی .
- ۴- در صورت عدم وضع مالیه .
- ۵- در صورت عدم پرداخت مالیه .
- ۶- در صورت عدم اخذ نمبر تشخیصه مالیه دهنده .
- مالیه اضافی در صورت عدم تأدیه مالیه به وقت معینه
- ماده صدم :
- اشخاصی که مالیة ذمت خویش را در میعاد معینه تأدیه نه نمایند ، مکلف به پرداخت مالیة اضافی در فی روز مبلغ (۱۰ %) فیصد می باشند .

مالیہ اضافی برعایدات

در صورت عدم حفظ

اسناد

ماده یکصد و یکم:

(۱) مؤدی ایکه بدون دلایل اسناد و دفاتر معاملات مربوط را مطابق احکام این قانون به صورت درست تهیه، حفظ و نگهداری نه نماید یا به دسترس موظفین وزارت مالیه قرار ندهد، شخص حقیقی به تأدیبه مبلغ پنجهزار افغانی مالیہ اضافی و شخص حکمی مکلف به تأدیہ مبلغ بیست هزار افغانی مالیہ اضافی می باشند.

(۲) شخصی که به قصد فرار از پرداخت مالیہ، اسناد و دفاتر معاملات مربوط را تهیه، حفظ و نگهداری نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیہ اضافی مندرج فقره (۱) این ماده به خانونالی معرفی می گردد.

د سندونو د نه ساتنې په صورت

کې پر عایداتو باندې اضافي

مالیه

یو سلو یوه یمه ماده :

(۱) هغه مؤدی چې له دلیلونو پرته د اړوندو معاملو سندونه او دفترونه ، د دې قانون د حکمونو مطابق په سمه توګه برابر، خوندي او و نه ساتي یا یې د مالیې وزارت د موظفینو په لاس رسی کې ورنکړي حقیقی شخص د پنځو زرو افغانیو د اضافي مالیې په ورکړه او حکمي شخص د شلو زرو افغانیو اضافي مالیې په ورکړه مکلف دی .

(۲) هغه شخص چې له مالیې څخه د تېښتې په نیت ، د اړوندو معاملو سندونه او دفترونه برابر، خوندي او و نه ساتي ، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې اضافي مالیې پر ورکړې بر سېره خانونالی ته معرفي کېږي.

د مالیاتی اظهارلیک د نه وړاندې

کولو په صورت کې اضافي مالیه

یوسلو دوه یمه ماده :

(۱) هغه حقیقي شخص چې له مؤجهو د لیلونو پرته اړوند مالیاتي اظهارلیک ، د دې قانون د حکمونو مطابق د ټاکلې مودې په ترڅ کې وړاندې نکړي ، د هرې ورځې څنډه په وړاندې د سلو افغانیو اضافي مالیې په ورکړه او حکمي شخص د هرې ورځې څنډه په وړاندې د پنځه سوو افغانیو اضافي مالیې په ورکولو مکلف دی. د رخصتو ورځې لدې امر څخه مستثنی دي .

(۲) هغه شخص چې له مالیې څخه د تېښتې په نیت اړوند مالیاتي اظهارلیک ، د دې قانون د حکمونو مطابق ، د ټاکلې مودې په ترڅ کې وړاندې نکړي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې اضافي مالیې پر ورکړې بر سېره څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.

مالیه اضافی در صورت عدم

ارائه اظهار نامه مالیاتي

ماده یکصد و دوم:

(۱) شخص حقیقي ايکه بدون دلايل مؤجه اظهارنامه مالیاتي مربوط را مطابق احکام این قانون در خلال مدت معینه ارائه نه نماید، به تأدیة مبلغ یکصد افغانی مالیة اضافی در برابر هر روز تأخیر و شخص حکمی به تأدیة مبلغ پنجمد افغانی مالیة اضافی در برابر هر روز تأخیر مکلف می باشند. روز های رخصتی از این امر مستثنی است.

(۲) شخصی که به قصد فرار از پرداخت مالیة اظهارنامه مربوط را مطابق احکام این قانون در خلال مدت معینه ارائه نه نماید، علاوه بر پرداخت مالیة اضافی مندرج فقره (۱) این ماده، به څارنوالی معرفی می گردد.

مالیه اضافی در صورت عدم

وضع مالیه

ماده یکصد و سوم:

(۱) اشخاصی که بدون دلایل مؤثره مالیه معاش و دستمزد، عواید تکتانه، مفاد سهم، کرایه، کمیشن، حق الامتياز و عواید مشابه را مطابق احکام این قانون وضع نه نمایند، مکلف به تأدیة ده فیصد مالیه اضافی می باشند.

(۲) اشخاصی که به قصد فرار از تأدیة مالیه مندرج فقره (۱) این ماده مالیات را وضع نه نمایند. علاوه بر پرداخت مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده به خازنوالی معرفی می گردد.

مالیه اضافی در صورت عدم

تادیه مالیه

ماده یکصد و چهارم:

(۱) اشخاصی که بدون دلیل

د مالیه د نه وضع کولو په

صورت کې اضافي مالیه

یو سلو درې یمه ماده:

(۱) هغه اشخاص چې له موجهو دلیلونو پرته د معاش، مزدوری، د ټکټانې د عوایدو، د سهم د گټې، کرایې، کمیشن، حق الامتياز او ورته عوایدو مالیه د دې قانون د حکمونو مطابق وضع نکړي، په سلو کې د لس اضافي مالیه په ورکړه مکلف دي.

(۲) هغه اشخاص چې د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې مالیه له ورکړې څخه د تېښتې په نیت، مالیات وضع نکړي، د دې مادې په (۱) فقره کې د درج اضافي مالیه په ورکړه برسېره خازنوالی ته ورپېژندل کېږي.

د مالیه د نه ورکړې په صورت

کې اضافي مالیه

یو سلو څلورمه ماده:

(۱) هغه اشخاص چې له موجهه

دلیل پرته وضع شوې ماليه د دې قانون د حکمونو مطابق ورنکړي، ددې قانون په سلمه ماده کې ددرج شوې ماليې پر ورکړه برسېره په سلو کې د لسو اضافي ماليې په ورکړه مکلف دي .

(۲) هغه اشخاص چې له ماليې څخه د تېښتې په نیت، وضع شوې ماليه ، د دې قانون د حکمونو مطابق ورنکړي ، د دې مادې په (۱) فقره ددرج شوې اضافي ماليې پر ورکړه برسېره څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.

د ماليه ورکونکي د تشخيصيه

نمبر په اړه اضافي ماليه

يو سلو پنځمه ماده :

هغه حقيقي شخص چې د دې قانون د يونوي يمې مادې د حکم مطابق د ماليه ورکونکي د تشخيصيه نمبر په لرلو مکلف دی ، له مؤجه دليل پرته هغه وانخلي ، د پنځو زرو افغانیو اضافي

مؤجه، ماليه وضع شده را مطابق احکام این قانون تأديه نه نمایند، علاوه بر پرداخت ماليه مندرج ماده صدم این قانون مکلف به تأديه ده فیصد ماليه اضافی می باشند.

(۲) اشخاصی که به قصد فرار از مالیه، مالیه تأییت شده را مطابق احکام این قانون تأديه نه نمایند، علاوه بر تأديه مالیه اضافی مندرج فقره (۱) این ماده به څارنوالی معرفی می گردد.

ماليه اضافی در ارتباط به نمبر

تشخيصيه ماليه دهنده

ماده یکصدو پنجم:

شخص حقيقي ايکه مطابق حکم ماده نودويکم این قانون مکلف به داشتن نمبر تشخيصيه ماليه دهنده بوده، بدون دليل مؤجه آنرا اخذ نه نماید، مکلف به تأديه مبلغ پنج هزار افغانی

مالیې په ورکړه او حکمي شخص د شلو زرو افغانیو اضافي مالیې په ورکړه مکلف دی .

د مالیاتي مؤظفینو سرغړونې

یوسلو شپږمه ماده :

(۱) که چېرې مالیاتي مؤظفین د مستقیمې یا غیر مستقیمې ګټې د ترلاسه کولو په نیت پدې قانون کې درج شوي معلومات افشاء کړي یا نور هغه اشخاص چې د معلوماتو په افشاء کولو کې له هغه سره مرسته وکړي، څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.

(۲) که چېرې مالیاتي مؤظفین د اړوندو واکمنو مقامونو له رسمي اجازې پرته د مستقیمې یا غیر مستقیمې مالي ګټې یا نورې ګټې د ترلاسه کولو په نیت له خپل موقف څخه ناوړه ګټه واخلي، څارنوالۍ ته ورپېژندل کېږي.

مالیة اضافی و شخص حکمی به تأدیه مبلغ بیست هزار افغانی مالیه اضافی مکلف می باشند.

تخلفات مؤظفین مالیاتي

ماده یکصدو ششم:

(۱) هرگاه مؤظفین مالیاتي به قصد حصول منفعت مستقیم یا غیر مستقیم ، معلومات محرم مندرج این قانون را افشاء نماید و یا سایر اشخاصی که در افشای معلومات وی را کمک نمایند، به څارنوالی معرفی می گردد.

(۲) هرگاه مؤظفین مالیاتي بدون اجازه رسمی مقامات ذیصلاح مربوط از موقف خویش به قصد حصول منفعت مستقیم یا غیر مستقیم مالی یا سایر منفعت ها استفاده سوء نمایند، به څارنوالی معرفی می گردد.

د اضافي مالياتو د تحصيل واک

يو سلو اوومه ماده :

د دې فصل په حکمونو کې درج شوې اضافي ماليات د ماليې وزارت د مالياتي څانگو په واسطه تحصيل کېږي .

اوو لسم فصل

وروستني حکمونه

د کرنلارې د وضع کولو او د

فورمو برابرول

يو سلو اتمه ماده :

(۱) د ماليې وزارت د مالياتو د تشخيص، تثبيت او اخستلو په منظور هغه فورمې چې د قانون د حکمونو مطابق اړينې گڼل کېږي برابر وي .

(۲) د ماليې وزارت د دې قانون د حکمونو د ښه تطبيق په منظور پر عايداتو باندې د مالياتو تعليماتنامه ، جلا کرنلاره او لايحې(عمومي او انفرادي) وضع کوي.

صلاحيت تحصيل ماليات

اضافي

ماده يکصدو هفتم:

ماليات اضافي مندرج احکام اين فصل توسط شعبات مالياتي وزارت ماليه تحصيل می گردد.

فصل هفدهم

احکام نهائی

وضع طرزالعمل و تهيه

فورمه ها

ماده يکصدوهشتم:

(۱) وزارت ماليه به منظور تشخيص، تثبيت و اخذ ماليات فورمه های را که مطابق احکام قانون ضروری پنداشته می شود ، تهيه می نمايد.

(۲) وزارت ماليه به منظور تطبيق بهتر احکام اين قانون تعليماتنامه ماليات بر عايدات، طرزالعمل و لوايح جداگانه (عمومي و انفرادي) را وضع می نمايد.

د جواز نه صادروول

يو سلو نهمه ماده :

(۱) که چېرې حقيقي يا حکمي اشخاص، دخپلې غاړې دورکړې وړ ماليه، ددې قانون د حکمونو مطابق، دهغې په ټاکلې وخت ورنکړي، د ماليې وزارت کولی شي، دهغو د سوداگريز جواز د نه نوي کولو په هکله، هغو ادارو او مؤسسو ته چې دجواز دصادروولو واک لري، خبر ورکړي.

داشخاصو جواز هغه وخت د اجراء وړ دی چې د ماليې له وزارت څخه د خپل مالياتي نه مسئوليت سند اړوندې ادارې ته وړاندې کړي. سربېره د جواز د صادروولو ادارې نشي کولی له انفرادي اشخاصو، د سهامې او محدودالمسئوليت شرکتونو رئيس چې دخپل يا خپلو شرکتونو مالياتي مکلفيتونه يې ندي اداء کړي، د عين شخص يا نوموړو شرکتونو په نوم بل جواز صادر کړي.

عدم صدور جواز

ماده یکصدونهم:

(۱) هرگاه اشخاص حقيقي يا حکمي، ماليه قابل تأديه ذمت خود را مطابق به احکام اين قانون بوقت معين آن تأديه نه نمايند، وزارت ماليه می تواند درمورد عدم تجديد جواز تجارتي شان رسماً به ادارات و مؤسسات که صلاحيت صدورجواز را دارند، اطلاع دهد. جواز اشخاص وقتی قابل اجرا می باشد که سند عدم مسئوليت مالياتي خود را از وزارت ماليه به اداره مربوط ارائه نمايد، برعلاوه ادارات صدور جواز نمی تواند به اشخاص انفرادی، رئيس شرکت های سهامی ومحدود المسئوليت که مکلفيت های مالياتي خود و يا شرکت های خویش را ادا نکرده اند جواز ديگر را به اسمی عين شخص ويا شرکت های مذکور صادر نمايد.

(۲) د جواز صادر وونکې ادارې مکلفې دي خو د حقيقي او حکمي اشخاصو لست او مشخصات چې د هغو جواز د اعتبار وړ دی، د انټرنټ له لارې د دولتي ادارو په واک کې ورکړي.

– ټولې دولتي ادارې او مؤسسې مکلفې دي د قرارداد د عقد په وخت کې د جواز د اعتبار له صحت او نېټې څخه ډاډ ترلاسه او وروسته قرارداد عقد کړي.

(۳) د دولتي مقاماتو د معاشونو د قانون په دوه یمه ماده کې درج شوي ذوات، له غوراوي او انتصاب دمخه مکلف دي، خو د نه باقیدارۍ فورمونه د ماليې وزارت له لارې بشپړ کړي.

له معافیت څخه د گټې اخستنې

شرایط

یو سلو لسمه ماده :

(۱) هغه منظور شوي تشبثات چې د ۱۳۸۱/۶/۲۰ نېټې په (۸۰۳) گڼه

(۲) ادارات صادرکننده جواز مکلف اند تا لست و مشخصات اشخاص حقیقی و حکمی را که جواز آنها مدار اعتبار است از طریق انترنت در اختیار ادارات دولتی قرار دهند.

– تمام ادارات و مؤسسات دولتی مکلف اند در هنگام عقد قرارداد از صحت و تاریخ اعتبار جواز اطمینان حاصل نموده سپس عقد قرارداد نمایند.

(۳) ذوات مندرج ماده دوم قانون معاشات مقامات دولتی قبل از انتخاب و یا انتصاب مکلف اند تا فورم های عدم باقی داری مالیاتی را از طریق وزارت مالیه تکمیل نمایند.

شرایط استفاده از

معافیت

ماده یکصد و دهم:

(۱) تشبثات منظور شده که مکلفیت های مندرج احکام

قانون سرمايه گذاري خصوصي داخلي و خارجي منتشره جريده رسمي شماره (۸۰۳) مؤرخ ۶/۲۰ / ۱۳۸۱ و قوانين مربوط را انجام نداده باشند، از تاريخ اول سرطان سال ۱۳۸۳ به بعد مستحق استفاده از معافيت احكام مندرج قانون مذکور نمی باشند.

(۲) تشبثات منظور شده که مطابق احكام قانون سرمايه گذاري خصوصي داخلي و خارجي مندرج فقره (۱) اين ماده که قبل از تاريخ ۹/۱ / ۱۳۸۲ عملاً به فعاليت آغاز نموده باشند، در صورتي می توانند از امتيازات مندرج احكام آن مستفيد گردند که احكام مندرج اين قانون و قوانين مربوط را رعايت نموده و به رعايت آن ادامه بدهند.

رسمي جريده کي خپور شوي د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانگې اچونې د قانون او اړوندو قوانينو په حکمونو کې درج شوي مکلفيتونه سرته نه وي رسولي ، د ۱۳۸۳ کال د چنگاښ له لومړۍ نېټې څخه وروسته د نوموړي قانون په حکمونو کې له درج شوي معافيت څخه د گټې اخستنې مستحق ندي . (۲) هغه منظور شوي تشبثات چې د دې مادې په (۱) فقره کې درج د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانگې اچونې دقانون دحکمونو مطابق چې له ۱۳۸۲/۹/۱ نېټې څخه د مخه يې عملاً په فعاليت پيل کړی وي ، په هغه صورت کې کولای شي د هغه په حکمونو کې له درج شوو امتيازونو څخه گټه واخلي چې پدې قانون او اړوندو قوانينو کې درج شوي حکمونه يې په پام کې نيولي وي او په پام کې نيولو ته يې دوام ورکړي.

(۳) هغه منظور شوي تشبثات چې د دې مادې په (۱) فقره کې د کورنۍ او بهرنۍ خصوصي پانګې اچونې په قانون کې له درج شويو مالياتي معافیتونو څخه یې ګټه اخستې ده یا د دې مادې په (۱) فقره کې د درج حکم له په پام کې نیولو سره یا د هغوی د مالياتي معافیت د نېټې د تېرېدو په نسبت د هغو مالياتي معافیت پای ته رسېږي ، په هغه صورت کې چې ذکر شوي تشبثات تر ۱۳۸۳/۴/۱ نېټې پورې ثبت او راجستر شوي وي ، د هغو د پاتې نه استهلاک شوې شتمنۍ ارزښت په هماغې نېټه د ثابتې شتمنۍ د ارزښت په توګه ګڼل کېږي .

د قانون ارجحیت

یو سلو یوولسمه ماده :

(۱) د دې قانون له حکمونو سره د قراردادونو ، موافقه لیکونو او نورو تقنیني سندونو د حکمونو د مغایرت په صورت کې ، پر عایداتو باندې د

(۳) تشبثات منظور شده که از معافیت های مالیاتی مندرج احکام قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی مندرج فقره (۱) این ماده استفاده نموده اند یا با نظر داشت حکم مندرج فقره (۱) این ماده و یا نسبت انقضای تاریخ معافیت مالیاتی، معافیت مالیاتی آنها خاتمه می یابد، در صورتیکه تشبثات متذکره الی تاریخ ۱۳۸۳/۴/۱ ثبت و راجستر گردیده، ارزش دارایی ثابت استهلاک ناشده باقیمانده آنها در همان تاریخ منحل ارزش دارایی ثابت پنداشته می شود.

ارجحیت قانون

ماده یکصد و یازدهم:

(۱) در صورت مغایرت قراردادها، موافقتنامه ها و سایر اسناد تقنینی با احکام این قانون، قانون مالیات بر عایدات

مالیاتو قانون مرجع ګڼل کېږي.

(۲) د افغانستان د اسلامي جمهوري دولت او بهرنیو دولتونو یا نړیوالو مؤسسو ترمنځ عقد شوي قراردادونه او موافقه لیکونه ، د دې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي حکم څخه مستثنی دي .

مکلفیتونه او باقیداری-

یوسلو دوولسمه ماده:

(۱) له (۱۳۸۱) څخه دمخه کلونو ټولو حقيقي او حکمي اشخاصو باقیداري او نور مالیاتي مکلفیتونه معاف دي.

(۲) د حقيقي او حکمي اشخاصو مالیاتي جرمونه او له ۱۳۸۱ څخه تر ۱۳۸۵ کال پورې د (۱۳۸۵) کال د بیلانس او اظهارلیک په شمول، د مالیاتي بیلانس ځنډول، په هغه صورت کې معاف ګڼل کېږي چې اصلي باقیداري، په رسمي جریده کې ددې قانون د خپرېدو له نېټې څخه زیات نه زیات

مرجع دانسته می شود.

(۲) قراردادها و موافقتنامه های بین المللی منعقدہ میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دول خارجی یا مؤسسات ملل متحد از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنی است.

مکلفیت ها و باقیداریها

ماده یکصد و دوازدهم:

(۱) باقی داری و سایر مکلفیت های مالیاتی سالهای قبل از (۱۳۸۱) تمام اشخاص حقیقی و حکمی معاف می باشد.

(۲) جرایم مالیاتی و تأخیر رایۀ بیلانس مالیاتی سالهای (۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵) به شمول بیلانس و اظهارنامه (۱۳۸۵) اشخاص حکمی و حقیقی در صورتی معاف پنداشته می شود که اصل باقی داری را در مدت حد اکثر سه ماه از تاریخ نشر در جریده

د دریو میاشتو په موده کې ورکړي. (۳) هغه باقیدار اشخاص چې خپل مالیاتي حسابونه یې، ددې قانون له انفاذ دمخه تصفیه کړي وي، ددې مادې د (۱ او ۲) فقرې د حکم له امتیاز څخه مستثنی دي.

د انفاذ نېټه

یوسلو دیارلسمه ماده:

(۱) دغه قانون د توشیح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جریده کې دې خپور شي.

(۲) دخلورمې مادې د (۳) فقرې، (۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۴، ۷۵) مادې او ددې قانون داته اتيایمې مادې د (۵ او ۶) فقرې حکمونه د (۱۳۸۸) کال له پیل څخه د تطبیق وړ دي.

(۳) ددې قانون په نافذېدو سره لاندې قوانین د ۱۳۸۸ کال له پیل څخه ملغي ګڼل کېږي.

۱- ۱۳۸۴ کال په (۸۶۷) ګڼه رسمي جریده کې خپور شوی پر

رسمی این قانون پردازد.

(۳) اشخاص باقیداریکه حسابات مالیاتی شانرا قبل از انفاذ این قانون تصفیه نموده باشند از امتیاز حکم فقره های (۱ و ۲) این ماده مستثنی اند.

تاریخ انفاذ

ماده یکصد و سیزدهم:

(۱) این قانون از تاریخ توشیح نافذ و درجیده رسمی نشر گردد.

(۲) احکام فقره (۳) ماده چهارم، مواد (۵۹، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۴ و ۷۵) و فقره های (۵ و ۶) ماده هشتاد و هشتم این قانون از شروع سال (۱۳۸۸) قابل تطبیق می باشد.

(۳) با انفاذ این قانون، قوانین ذیل از شروع سال (۱۳۸۸) ملغی شمرده می شود.

۱- قانون مالیات برعایدات منتشرة جریده رسمی شماره (۸۶۷) سال

۱۳۸۴ وسایر تعديلات، ضمايم و احكام مغاير آن.

۲- قانون ماليه مواد استهلاکي منتشره جريده رسمي شماره (۴۵۳) مؤرخ ۱۳۵۹/۲/۳۱ با ضميمه شماره (۱) آن مبني بر تعديل مواد دهم و يازدهم قانون مذکور منتشره جريده رسمي شماره (۵۱۷) مؤرخ ۱۳۶۱/۷/۱۵.

۳- قانون اخذ صکوک منتشره جريده رسمي شماره (۵۱۴) مؤرخ ۱۳۶۱/۵/۳۱.

عايداتو باندي د مالياتو قانون او نور تعديلونه، ضميمي او مغاير حکمونه.

۲- د ۱۳۵۹/۲/۳۱ نېټې په (۴۵۳) گڼه رسمي جريده کې خپور شوی د استهلاکي موادو د ماليې قانون، د نوموړي قانون د ۱۳۶۱/۷/۱۵ نېټې په (۵۱۷) گڼه رسمي جريده کې خپرې شوې ضميمې د لسمې او يوولسمې مادې د تعديل په اړه د هغه له (۱) گڼې ضميمې سره.

۳- د ۱۳۶۱/۵/۳۱ نېټې په (۵۱۴) گڼه رسمي جريده کې خپور شوی د صکوکو د اخستلو قانون.

اشتراک سالانه

در مرکز و ولایات: (۸۰۰) افغانی
برای مامورین دولت : با ۲۵ فیصد تخفیف
برای متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق ، نصف قیمت
خارج از کشور : (۲۰۰) دالر امریکایی



**ISLAMIC REPUBLIC
OF
AFGHANISTAN
MINISTRY OF JUSTICE**

**OFFICIAL
GAZETTE**

Extraordinary Issue

The Income Tax Law

Date: ۱۸th MARCH. ۲۰۰۹

ISSUE NO :(۹۷۶)